جدول الایام

جدول احکام ایام هفته

روز یکشنبه

اول روزیست از ایام که حضرت خالق انام درین روز ابتدا بآفرینش عالم نمود و شروع
در ایجاد موجودات فرموده و این روز موافق علم حساب منسوب بآفتاب و نیکوست
از برای
ملاقات ارباب سلطنت
و دیدن اصحاب دولت و حضرت
امام همام امیرالمؤمنین علیه السلام درین
جنگ که با آن جناب منسوب است
فرمودند کردن و نکشتن از برای درخت
کشتن و بنای عمارت نمودن
مرغوب است

روز دوشنبه

این روز را منسوب بقمر میدارند و از برای تجارت و طلب معاش نیکو میشمارند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بروزه دوشنبه و پنجشنبه مداومت مینمود و در حدیث فضایل آن میفرمود که درین روز مرتفع میشود اعمال
بقبول حضرت ذوالجلال و من دوست میدارم که در هنگام ارتفاع عمل روزه کرم تا دران درگاه درجه
قبول پذیرم و مکروهست درین روز سفر و طلب حاجات اکثر جه حضرت صادق علیه السلام فرمودند که درین
روز اراده سفر منمایید و باب حاجت روی مکنید ابوایوب خراز روایت کرده که چون اراده سفر می اوردیم
بحضرت
ابا عبدالله علیه السلام رفته سلام
میکردیم پس فرمود که با کم شما اراده
اکثر از دوشنبه دارید گفتیم دوشنبه
را نیکو میشمارید را دوری گفت از برای
امام فرمود که کدام روز از دوشنبه [illegible]
بود که بنو امیه از عالم درین روز رحلت
فرمود و وحی از عالم منقطع گردید و در ایام [illegible]
که [illegible]
بحضرت امیرالمؤمنین میدارند
این روز را از برای سفر
نیکو میشمارند

روز سه شنبه

روز سیم بمریخ منسوب و از برای جهاد با دشمنان در راه خدا مرغوب و سفر درین روز موافق حدیث
نبوی که سفر کنید در روز سه شنبه که محمود است و طلب کنید حاجات خود را درین روز که بسیار محمود است
این روزیست که خدا تعالی آهن را در دست داود نرم ساخته و از آن درع و زره پرداخته و نظر باینکه
که بحضرت امیرالمؤمنین منسوب است حجامت کردن درین روز مرغوب است

لنعم الیوم یوم السبت حقا — لصید ان اردت بلا امتراء

و فی الاحد البناء لان فیه — تبدی الله فی خلق السماء

و فی الاثنین ان سافرت فیه — ستظفر بالنجاح و بالثراء

و من یرد الحجامة فالثلاثا — ففی ساعاته هرق الدماء

و ان شرب امرؤ یوما دواء — فنعم الیوم یوم الاربعاء

و فی یوم الخمیس قضاء حاج — ففیه الله یأذن بالقضاء

و فی الجمعات تزویج و عرس — و لذات الرجال مع النساء

و هذا العلم لا یعلمه الا نبی او وصی الانبیاء

و این علم علمیست که نداند او را مگر پیغمبری بزرگ یا وصی از پیغمبران

ایام	تتمه جدول احکام ایام هفته
روز چهارشنبه	روزیست بعطارد منسوب و ابتدا کتابت درین روز مرغوب است هر که درین روز ابتدا کاری نماید برکت و میمنت در کارش افزاید چنانکه در اخبار مسطور و از حضرت سید المرسلین ماثور است که هر کاری که در چهارشنبه شروع شود بزودی و مبارکی از پیش رود با بیاتی که بحضرت امیر المؤمنین منسوب است آشامیدن دوا درین روز مرغوب است
روز پنجشنبه	روزیست بمشتری نسبت دارد و شرع این روز را از برای ملاقات قضاة و علما و اکابر و امرا محمود میشمارند خصوصاً از برای طلب حاجت کردن و روی توجه بسفر آوردن و در ابیات امیر المؤمنین علیه السلم مذکور و از صادق علیه السلم ماثور است که جناب رسالت پناه چون اراده سفر نمودی روز پنجشنبه توجه فرمودی و مرویست از حضرت نبوی که باید پنجشنبه را نیکو شمارند که خدا تعالی پنجشنبه را دوست میدارد و فرشتگان و پیغمبران نیز دوست دارند
روز جمعه	بزهره منسوبست و از برای تزویج و سایر شادیها مرغوب است چنانکه در حدیث ماثور و در ابیات امیر المؤمنین علیه السلم مذکور است و درین روز سر را ببرد و خطمی بشویند و ببوی خوش و لباس مرغوب و دیگر لذات تزیین جویند و فضل این روز از سایر ایام در حدیث حضرت سید انام وارد شده که هرگز آفتاب طالع نگردیده و بمنزل غروب نرسیده در روزی که بهتر از روز جمعه باشد و در فضایل روز جمعه و روز جمعه اخبار بسیار و درین روز ساعتی است که در استجابت دران ساعت احادیث بسیار است و پیش از نماز درین روز سفر نباید کرد و خود را در معرض تلف در نباید آورد زیراکه مرویست که هر که درین روز بسفر روی نهاد فرشته ندا کند که خدا تعالی ترا بر مکر داناد
روز شنبه	منسوب است بزحل و مرضی است از برای هر عمل و محمودست از برای قضای حاجت اهل دنیا و عمل فلاحت اول روز شنبه از برای امت من مبارک گردیده و برکت در صبح این دو روز بامت من رسیده و لیکن باید که اول روز را معدود شمارد و سفر درین روز نهایت برکت دارد

جدول بیان مطالب و حاجات در بعضی از ایام و ساعات باب تزویج مباشرت

ابو سعید خدری از پیغمبر صلی الله علیه و آله وصایای بسیار روایت نموده که وصیت بحضرت امیر المؤمنین علیه السلم فرموده
و ما مذکور میسازیم درین مقام چیزی که متعلق است بساعات و ایام غیر از چیزی که مدخلی ندارد بمطالب و مرام
پس بعضی از آن ساعت چند است که محمود است و بعضی دیگر نامسعود است و بر این قیاس شبها نیز بعضی بسعادت موصوف
و بعضی بنحوست معروف پس از جمله ساعات مسعود الحال روز پنجشنبه هنگامی که برسد آفتاب بمیان آسمان چون
فرزندی بهم رسد تا زمان پیری نزدیکی نمیکند باو شیطان و عطا کند خدا تعالی او را فهم عالی در ادراک اشیا
و روزی کند او را سلامتی در دین و دنیا و از جمله ساعات بعد از عصر روز جمعه است که حضرت سید المرسلین
بامیر المؤمنین علیه السلم وصیت فرموده که یا علی اگر مباشرت کنی روز جمعه بعد از عصر پس آن فرزندی که بهم رسد
مشهور و معروف گردد در روی زمین و از جمله ساعات وقت خفتن است در شب جمعه چنانکه در وصیت
مزبور مذکور است یا علی اگر مباشرت کنی در شب جمعه چنانکه در وصیت مزبور مذکور است یا علی اگر مباشرت
کنی در شب جمعه بعد از عشاء آخرت فرزندی که حادث شود حسن الحال و منتظم در زمرهٔ ابدال خواهد بود و از جمله
ساعات که مجامعت را نشاید و باید که انسان از آن احتراز نماید بعد از ظهر است چنانکه در وصیت مذکور
ماثور است که یا علی بعد از ظهر رغبت بمباشرت نباید نمود که اگر فرزندی متولد شود احول خواهد بود و شیطان
از دیدن احول مسرت یابد و پیوسته بفریب او شاد بود و همچنین اول شب مجامعت نباید نمود و از این عمل
تحرز باید بود چنانکه در همین وصیت وارد شده که یا علی در اول شب از مباشرت اجتناب باید کرد که اگر فرزندی
موجود شود دنیا را بر آخرت اختیار نماید پس حضرت خاتم الانبیا فرمود که یا علی حفظ وصیت من باید نمود چنانکه
جبرئیل مرا بحفظ این وصیت امر فرمود و از جمله ساعات ناشایسته از برای مباشرت هنگام نصف روز است
در وقت انتشار حرارت چنانکه از امام همام محمد باقر علیه السلم مرویست که شنید که مردی در نصف روز ساعت
گرمی مجامعت نمود فرمود که در میان زن و شوهر موافقتی حاصل نخواهد بود پس آن زن و شوهر دیگر
با یکدیگر نیارامیدند و عاقبت مفارقت را بر مواصلت برگزیدند و از جمله ساعات مکروه درین باب طلوع
فجر است تا بر آمدن آفتاب و همچنین کراهیت دارد در وقتی که آفتاب روی بغروب آرد تا وقتی که سرخی مغرب
زایل و وقت عشاء آخرت داخل گردد چنانکه از امام همام محمد باقر علیه السلم پرسیدند که آیا مجامعت کراهت می
پذیرد هر چند که زنی از حلال تحقق پذیرد امام فرمود آری از دمیدن صبح تا وقتی که آفتاب بر آید و از غروب

تتمهٔ احکام اوقات جماع

آفتاب تا وقت سرخی مغرب برطرف گراید واز جملهٔ اوقات ردیه وساعات غیر مرضیه وقتیست که آفتاب
بزردی گراید یا زمانی که طلوع نماید چنانکه در حدیث جناب نبوی وارد است که مکروه است جنابت در وقتی
که آفتاب بر آید یا هنگامی که میل باصفرار نماید واز جملهٔ اوقات نامحمود وساعات غیر مسعود اول ووسط ومیان
ماه است چنانکه در وصیت خاتم الانبیا بحضرت سید الاوصیا ماثور است که یا علی در اول وآخر ومیان ماه با
حلیلهٔ خود مجامعت نباید نمود که اگر فرزندی حادث شود مبتلا بجذام وجنون وخفت عقل خواهد بود واز جمله
ساعات غیر مرضیه میان ماه شعبان است چنانکه در وصیت مذکور وارد است که یا علی در نصف شعبان با زوجهٔ
خود مباشرت نباید نمود والا فرزندی شوم خواهد بود واز جملهٔ ساعات مکروهه دو روز آخر ماهست که بمحاق موسوم
ومباشرت دران مذموم است وان زمانیست که قمر آخر درجهٔ برج رسیده چنانکه در وصیت نبوی مذکور گردیده
که یا علی در آخر درجهٔ ماه با زوجهٔ خود مجامعت نباید کرد که اگر فرزندی شود صاحب شغل عشر خواهد بود یا روی رغبت
بمددکاری اهل ستم خواهد آورد پس چون بانیمرتبه ترقی خواهد نمود هلاک طایفهٔ در دست او خواهد بود ونیز فرموده
که هر کس در محاق ماه مباشرت کند فرزندی که نطفه بندد در شکم ساقط شود واز جملهٔ ساعات مخوف وقت کسوفست
چنانکه از امام همام محمد باقر علیه السلام روایت شده که پرسیدند که آیا مکروه می باشد ساعتی از برای مباشرت اگر چه
از حلال صورت پذیرد امام فرموده آری وقتی که آفتاب گیرد واز آن جمله روزیست که بادهای سیاه وسرخ وزرد
وزد یا از وقایع آیات الهی زمین بلرزد واز جملهٔ ساعات ردیه از برای این مطلب وقتیست که حلول کند قمر در
عقرب چنانکه امام همام صادق فرموده که وقتی که قمر در عقرب باشد چون کسی تزویج کند یا سفر رود خیر وبرکت
نصیب او نشود واز جملهٔ شبهای مسعود که از برای جماع محمود است شب سه شنبه است که حضرت خاتم انبیا بسید اوصیا
وصیت کرده وفرموده که یا علی اگر مباشرت کنی با حلیلهٔ خود در شب سه شنبه پس فرزندی که بوجود آید ابواب
شهادت بر روی گشاید پس پیوسته زبانش بکلمهٔ اسلام گراید وحق سبحانه وتعالی او را با فوج مشرکان عذاب نماید
ودهانش بطیب نکهت ودلش بوفور رحمت موصوف ودستش بخصلت سخا وصفت عطا موصوف گردد وهرگز زبانش را
بکذب نیالاید ودهانش را بغیبت وبهتان نگشاید وشب جمعه نیز در صلاحیت تزویج مشهور است چنانکه در وصیت
مذکور ماثور است که یا علی هر که در شب جمعه با اهل خود مباشرت نماید فرزندی که بوجود آید خطیب گردیده
وپیوسته زبان را بفصاحت وبلاغت گشاید وشب اول رمضان نیز تزویج مسعود ومباشرت محمود است
چنانکه جناب امیر المؤمنین علیه السلام فرموده اند که اگر مردی با اهل خود ارادهٔ مباشرت نماید باید که شب

تتمه احکام اوقات جماع

اول رمضانرا اختیار نماید و از جمله شبهای ردیه از برای جماع شب اضحی است چنانچه در همایون وصیت
مأثور است که یا علی هر که در شب عید اضحی مباشرت کند فرزندی که بهم رسد شش انگشتی شود و از آن جمله
شب چهارشنبه است چنانکه امام همام صادق علیه السلم فرمود که محمود نیست کسی را که طبعش به نیکی گراید که در شب
چهارشنبه مباشرت نماید و از آن جمله شب گرفتن ماه است چنانکه از امام محمد باقر علیه السلم پرسیدند که آیا مکروه است
مجامعت چون زنی از حلال صورت پذیرد فرمود آری در شبی که ماه گیرد و از الجمله شبی که زلزله و بادهای مخوفه
حادث شود چنانکه هم از آن جناب پرسیدند که آیا جماع مکروه میباشد چون زن از حلال بهم رسد حضرت
فرمودند آری در شبی که بادهای سیاه و سرخ و زرد وزد یا از وقایع آیات الهی زمین لرزد

جدول اوقات سر تراشیدن

از روزهای محمود که سر تراشیدن دران مسعود است روز جمعه است که حضرت امام همام صادق علیه السلام فرمود

که من متوجه می‌شوم هر جمعه بسر تراشیدن ما بین دو دار و کشیدن و از جمله روزها که نوره کشیدن را نشاید و

مکروه است که کسی دران بطلای نوره کراید روز چهارشنبه است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که سزاوار

است که روز چهارشنبه که نحس مستمر است خود را از طلای نوره نگاه دارند و ایام دیگر را جایز شمارند و از ان جمله روز

جمعه است که جناب امام همام امام رضا علیه السلام فرموده که هر که روز جمعه بدارو کشیدن کراید ملامت نکند غیر خود را

اگر بابتلای برص گرفتار اید و حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم چند خصلت را که موجب برص است نام برده اند و از انجمله دارو کشیدن

روز جمعه را شمرده اند

و از جمله اعمال مستحبه که در شب

در وقت خواب متضمن اجر و ثواب است سرمه

کشیدن است بنحوی که بچشم راست چهار میل و بچشم چپ سه میل

و اگر تا بند باز بسته باشد چنانچه در خصال از ابی عبدالله علیه السلام روایت

کرده اند که سرمه کشیدن را چهار فایده است موی ابرو یاند و ابر بخیه را خشک گرداند

[illegible]

صیمری در خصال از ابی عبدالله علیه السلام روایت

[illegible]

جدول احکام ناخن چیدن و بسعد و نحس ایام در این امر رسیدن

روز جمعه از برای ناخن چیدن نیکوست و معمولست چنانکه از حضرت صادق علیه السلام منقولست در هنگامی که عرض کرد
مردی در حضرت الجناب که روزی نمی رساند حذا ایتعا بجزی که مثل تعقیب خواندن باشد از طلوع فجر تا برامدن افتاب
امام فرمود که آری چنین است لیکن جز دهم ترا بجزی که بهتر از این است در روز جمعه شارب گرفتن و ناخن چیدن
یعنی بحسب عادت این امر را ورزیدن اما حدیثی که موسی بن بکر روایت نموده که عرض کردم در حضرت ابو الحسن موسی
علیه السلام که جمعی از اصحاب ما که بامامت شما اقرار دارند شارب گرفتن و ناخن چیدن را روز جمعه صواب میشمارند امام
فرموده که سبحان الله خواهی روز جمعه این امر را بکار بر و خواهی در روز دیگر پس محمولست بر آنکه راوی توهم نموده که این
دو امر را در این دو روز لازم میدانند و تارکش را معذب میخوانند امام علیه السلام مساواة فرمودند در میان ایام در
عدم وجوب و الزام و روز چهارشنبه ناخن چیدن امانست چشمها را از رمد رسیدن چنانکه از آن امام علیه السلام
روایت است که هر که در روز چهارشنبه شارب گرفتن و ناخن چیدن پردازد بنحوی که از انگشت کوچک شروع کند
و انگشت کوچک را منتها سازد از درد مداین نشنیند و هرگز درد چشم نبیند و روز پنجشنبه ناخن چیدن و روز جمعه باتمام رسانیدن
امان است از فقر چنانکه روایت است از آن امام علیه السلام که هر که روز پنجشنبه ناخن گیرد و بگذارد دیگر را که روز جمعه تمام
پذیرد از فقر ایمن گردد و هرگز محتاج نگردد و نیز ناخن گرفتن در پنجشنبه رمد را نافع آید و درد چشم را دفع نماید چنانکه
خلف بخوت الله ابی الحسن علیه السلام شکایت نموده از درد چشم که او را بعد امام فرموده که آیا دانستم ترا باهری که چون
بتقدیم رسانی هرگز بدرد چشم مبتلا نمانی خلف گفت آری امام فرموده روز پنجشنبه ناخن باید چید خلف گفت چون
بجای آوردم چشم از مداین گردید و روز سه شنبه ناخن چیدن باعث اکله بانگشتان رسیده است چنانکه از امام
امام امیر المؤمنین علیه السلام روایتست که روز چهارشنبه ناخن چیدن را نشاید که هر که بعمل آورد انگشتان را مبتلا بمرض اکله
نماید روز یکشنبه ناخن چیدن هیز رساند و برکت را زایل گرداند چنانکه روایت شده از آن امام علیه السلام که هر که روز
یکشنبه ناخن گیرد برکت از و زوال پذیرد در روز دوشنبه ناخن چیدن مورث حافظ قران گردیده است چنانکه
در حدیث سابق مروی است از آن امام علیه السلام که هر که در روز دوشنبه ناخن گیرد فهمش در حفظ قران زیاده پذیرد
و در روز سه شنبه ناخن چیدن موجب خوف هلاک رسیده است چنانکه در ضمن حدیث مذکور از آن امام علیه السلام ماثور است
که هر که روز سه شنبه با ناخن چیدن پردازد عاقبت خود را بمهلکه اندازد و در روز چهارشنبه ناخن چیدن
موجب بدخو گردیده است چنانکه در ضمن حدیث مذکور از آن امام علیه السلام ماثور است که هر که روز چهارشنبه
با ناخن چیدن گراید خود را به بدخوی گرفتار نماید و در پنجشنبه هر که ناخن گیرد جمیع اوجاع از بدن او زوال

تتمه جدول احکام ناخن چیدن

بپذیرد چنانکه در ضمن حدیث مذکور مرقوم است که روز پنجشنبه ناخن چیدن موجب زوال درد پا است از بدن هر که روز جمعه ناخن گیرد عمر و مالش زیاده بپذیرد چنانکه در ضمن خبر مذکور مسطور است که هر که روز جمعه بناخن چیدن عادت نماید خدا تعالی بر عمر و مال او بیفزاید

درست نا کردن موی پنج خصلت است
جلب روزی نماید و بر حسن موی بیفزاید
و حاجت را روا گرداند و ثواب پشت را زیاده
کند و بلغم را مقطوع سازد

جدول احکام اقسام خواب

جمعی که منابع اخبار را بقدم تامل سپرده‌اند اقسام خواب را هفت نوع نموده‌اند اول خواب غفلت و آن در مجلسی است که مردم بذکر الهی اشتغال دارند و نقش ذکر سبحانی بر لوح ضمایر مینگارند دویم خواب شقاوت و آن وقت نماز است سیم خواب لعنت و آن وقت صبح است که ابواب فیض باز است چهارم خواب عقوبت و آن بعد از نماز صبح است که بیداری مطلوب است پنجم خواب راحت و آن قیلوله است که در شرع مرغوب است ششم خواب رخصت و آن بعد از نماز خفتن است که پیوسته معمول است هفتم خواب حسرت و آن شب جمعه است که دعا با مقبول است و در آنچه از احادیث معلوم است از طلوع صبح تا بر آمدن آفتاب خواب مذموم است چنانکه از امام همام صادق علیه السلام روایت شده در تفسیر آیه کریمه فالمقسمات امرا که فرشتگان چون ابواب روزی بر روی مردمان گشاینداً رزاق را از طلوع تا بر آمدن آفتاب قسمت نمایند پس هر که درین وقت بخواب شد بهر از روزی ضعف می‌خواهد و بعد از عصر نیز خواب مذموم است چنانکه از احادیث نبوی معلوم است که هر که بعد از عصر خوابد و عقلش اختلال یابد درین باب جز ملامت نفس خود نشاید که درین وقت چرا خوابیده و عقل خود را مختل گردانیده

ودر حصال خواب را نیز بر چهار نوع نموده خواب انبیا بر قفا از برای تنزل وحی ربانی و خواب مؤمن بجانب راست رو بقبله [illegible] ادراک ثواب سبحانی و خواب [illegible] بجانب چپ از برای هضم [illegible] صحابه و خوارزه [illegible]

جدول احکام فصد کشودن و حجامت نمودن

روز پنجشنبه حجامت کردن مسعود و فصد کشودن محمود است چنانکه از امام همام صادق علیه السلام مرویست که در
پنجشنبه آخر حجامت کردن البته بیرون کند دردها را از بدن و در روز یکشنبه حجامت دوا است و از هر دردی شفاست
چنانکه مروی است از آن امام علیه السلام که فرمود که هر که روز یکشنبه حجامت نماید ابواب صحت و شفا بر روی هر علتی گشاید
در روز سه شنبه حجامت کردن که با هفدهم ماه یا نوزدهم یا بیست و یکم ماه موافق آید امراض را و جاع آن سال
را زایل نماید و در نصف اول ماه خون کم کردن بدن را بعرض بیماری آوردن است چنانکه از جناب نبوی
ماثور است که بحضرت سید اوصیا وصیت فرمود که یا علی احتراز کن از اول ماه تا نصف ماه از حجامت کردن که زود
موجب علتی و مرضی آورد است و خون کم کردن را لازم کن بر خود از هفدهم تا اول هلال که موجب برکت می باشد
در عمر و مال و حجامت کردن در دوشنبه و چهارشنبه مردود و از برای بدن نامسعود است چنانکه در حدیث مذکور
غیر دوشنبه و چهارشنبه ماثور است پس از جمله بلیات که حجامت چهارشنبه بظهور میرساند آنست که بدن را به بلای برص
مبتلا میگرداند چنانکه از آنجناب مرویست که هر که روز چهارشنبه مرتکب حجامت شود یا خون کم کند چون ببلای برص
گرفتار آید جز نفس خود دیگری را ملامت ننماید و بدانکه اصحاب حکمت و عرفان نقل کرده اند از [illegible] حکمای یونان
که فصد و حجامت در نصف اول ماه ضرر میکند نهایت مضرت و در نصف آخر ماه نفع میرساند کمال منفعت و وضع
کرده اند جدولها را از برای فصد و حجامت که معلوم گردد مضرت از منفعت و در هر روزی از اول تا آخر ماه و
مؤید این جدول است حدیث سابق که ماثور است از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله

در فصل مذکور است که علامت زیادتی خون چهار است خارش تن و سرخی بدن
و غلبه خواب علی الدوام و کاهلی تن
در [illegible] ۲ [illegible] ۲ [illegible]

نصف اول ماه	بیان مضرتی که حجامت در بدن عارض گرداند	نصف دوم ماه	بیان منفعتی که حجامت ببدن رساند
اول ماه	بعروق ضرر رساند	شانزدهم ماه	فرح ونشاط افزاید
دویم ماه	بی خوابی حادث گرداند	هیفدهم ماه	احداث صحت بدن نماید
سیم ماه	ضعف دماغ افزاید	هیجدهم ماه	قوت بر بدن دهد
چهارم ماه	احداث درد سر نماید	نوزدهم ماه	درد چشم را دفع کند
پنجم ماه	رنگ را زرد گرداند	بیستم ماه	بدن را صحیح نماید
ششم ماه	در بدن رعشه بهم رساند	بیست و یکم ماه	بروشنی دل افزاید
هفتم ماه	موجب مرگ ناگهانی است	بیست و دویم ماه	دل را قوی گرداند
هشتم ماه	باعث صداع انشناست	بیست و سیم ماه	شادی و قوة دل بهم رساند
نهم ماه	درد اعضا حادث گرداند	بیست و چهارم ماه	زردی در رنگ نماند
دهم ماه	درد ها و الم ها پیدا شود	بیست و پنجم ماه	دل را صاف گرداند
یازدهم ماه	خبط دماغ بهم رساند	بیست و ششم ماه	از مرض خلاص سازد
دوازدهم ماه	بدن را ضعیف گرداند	بیست و هفتم ماه	دل را از خوف پردازد
سیزدهم ماه	اندوه و ملال افزاید	بیست و هشتم ماه	دل را قوی گرداند
چهاردهم ماه	خارش و جوششها پدید آید	بیست و نهم ماه	از مرض بنجات رساند
پانزدهم ماه	قولنج و درد شکم آرد	سیام ماه	این روز حکمی ندارد

جدول احکام خوردن و آشامیدن

درمیان غذای صبح و شام اکل مذموم و باعث حدوث امراض امتلا و تخمه است چنانکه شهاب بن عبد ربه گوید
که شکایت کردم در خدمت ابی عبدالله علیه السلام از عروض اقسام امراض و اسقام پس حضرت امام فرمود که صبح و شام رغبت
طعام باید نمود و درمیان این دو اکل راغب بخوردن چیزی نباید بود که زیادتی موجب بیماری تن و فساد بدن است
آیا نشنیده که حق تعالی میفرماید و لهم رزقهم فیها بکرة و عشیا یعنی روزی ایشان را در آن مقام صبح و شام میرسانید
و در میانه چیزی حادث نمیگرداند ترک خوردن شام باعث خراب بدن و حدوث اسقام است چنانکه امام
انام امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که عشا پیغمبران بعد از نماز خفتن بود پس ترک مکنید عشا را که موجب خراب بدن
و سبب فساد تن خواهد شد و از حضرت امام رضا علیه التحیة و الثنا مرویست که از جمله عروق اعضا رگیست مسمی بعشی
که چون مردی ترک اکل عشا نماید آن رگ تا هنگام صبح زبان بنفرین او گشاید و گوید که گرسنگی دهد ترا خدای چنانکه
مرا گرسنه گذاشتی و تشنگی فزاید ترا خدای چنانکه مرا تشنه گذاشتی پس ناچار است شما را که چون سواد شب در آید
لقمه نانی با شربت آب رغبت نمایید و ترک عشا ابواب مرض بر روی خود مگشایید و چون سن مردی بسن کهولت
در آید باید که ترک اکل شب ننماید چه خوردن شب بستر ساز خواب راحت را و نیکو ترکند نکهت را هرکه در شب شنبه
و یکشنبه ترک عشا نماید قوای بدنی او تا چهل روز بنقصان گراید چنانکه از امام همام ابی عبدالله علیه السلام روایت شده
که هرکه در شب شنبه و یکشنبه متوالی ترک عشا نماید تا چهل روز قوت بدن را ببرد آید و خوردن خرمای عجوه در وقت
خواب معده را بپردازد و کرمهای شکم را بپردازد و کرمهای شکم را مقتول سازد چنانکه از صادق علیه السلام روایت است
که هرکه هر شب هفت خرمای عجوه خورد از ضرر کرمهای معده برهد خوردن بیست و یک مویز سرخ هر بامداد موجب دفع
امراض است از اجساد چه از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که هرکه هر صبح بیست و یک مویز سرخ تناول نماید بغیر از مرض
موت هر مرضی را از بدن ببرد آید خوردن انار روز جمعه دل را منور و سینه را از وساوس [illegible] مطهر سازد چنانچه از
ابی الحسن علیه السلام روایت شده است که هرکه روز جمعه یک انار خورد تا چهل روز زنگ را از آئینه دل بپردازد پس چون دو
انار خورد تا شصت روز دل را منور سازد و چون سه انار خورد تا صد و بیست روز دل او پر نور و از وسوسه شیطان
دور می شود و کسی که از وسوسه شیطان دور است همیشه از معصیت خدا مهجور است و کسی که معصیت خدا را ترک نماید
ابواب بهشت بر روی او بگشاید و خوردن بهی در سر هر ماه حسن و موجب منافع بدن است چه از صادق علیه السلام روایت
شده که نیکو لقمه ایست بهی که ذره دهان را نیکو و نکهت را خوشبو دارد و هاضمه بیفزاید و اشتهای طعام آورد و کسی که بهی خورد
در سر هر ماه محتاج نشود بدوا از هیچ راهی

(۱)

تقویم سعدی

تقویم سعیدیه در ترجمه تقویم المحسنی فیض که مترجم عباس بن محمد بیگ (ابو محمد)
متخلص به ناسخ قاجار در حیات فیض بخواهش حاجی محمد سعید بن
حاجی لطفعلی ابرار نوشته

نسخه منحصر بفرد و بسیار ارزنده است ظاهراً

شرح حال مترجم در تذکره نصرآبادی ص ۱۹۱ چنین است
مولانا عباس ناسخ تخلص از طبقه اتراک است اما خود را
از نسبت ایشان خلاص کرده در سلک طلبه علوم دینی منسلک بوده
و نهایت صلاح و سداد دارد حیا بحدی سنتی کم ابرو و فوق
حیا گر ملکی است در لباس بشر طبعش در ترتیب نظم لطیف است
و قصائد در مدح حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین
دارد
انگاه بموثر شعرش را ابیان داشته و از صحف چند
معما از او نقل کرده

در ص ۷۹۰ تذکره روز روشن
و در الروضه النضره علامه مرحوم شیخ آقا بزرگ قدس سره فرموده
المولی ابو محمد عباس بن محمد بیگ الکنجوی الادیب الشاعر المتخلص بناسخ
رایت بخطه امالی الصدوق کتبه ۱۰۶ و بخطه المجموعة الکشکولیة

جدول احکام اوقات سفر

روز شنبه وقت مسعود واز برای سفر محمود است چه از امام همام صادق علیه السلام مرویست که چون اراده سفر کند باید که شنبه را نیکو داند که اگر روز شنبه سنگی از کوهی بغلطد حق تعالی او را بمکان خود رساند ودر روایت دیگر از خلفاء معصومین صلوات الله علیهم اجمعین روایت شده در تفسیر فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله فرمودند که از نماز نماز جمعه مراد واز انتشار روز شنبه مفاد است سفر در شب جمعه محمود است ودر جمعه مردود است چنانکه مرویست از آن امام علیه السلام که چون کسی روز جمعه اراده سفر نماید ملکی ندا کند که خدای ابواب مراجعت بر تو نگشاید ودر روایتی وارد است که باکی نیست در شب جمعه حرکت کردن وروی ارادت بسو اوردن وسفر روز چهار شنبه اخر ماه حسن واز نزول افات ایمن است چنانکه مرویست که یکی از اهل بغداد بعض است فرمود واز مسافرت در اربعا لایدور سؤال نمود امام علیه السلام فرمود که سفر در اربعای لایدور بخلاف جمعی که بفال بد مشهور کرده اند ایمن است از هر افتی وعافیت است از هر علتی ومراد از اربعای لایدور چهار شنبه ~~اخر شنبه~~ اخر است از شهور ودر بعضی از روایات معصوم کراهیت سفر چهار شنبه مفهوم میشود مترجم گوید درین مقام امر ونهی با هم منافاتی ندارند بلکه نقش یک معنی بر لوح احکام می نگارند زیرا که امر در مقامی است که مکلف از طیره احتراز نماید وطبعش در کارها بفال بد نگراید ونهی در مقامی است که مخاطب حسب شرع سفر را مکروه داند وبنابر حصول غرضی بمنجمات در میدان مسافرت ندواند والا از اخبار نه حرمت مفهوم ونه وجوب معلوم است ومخفی نماند که جناب اخوندی متوجه سفر روز سه شنبه وروز پنجشنبه نگردیده بیان ننموده اند بنابر افاده که در ضمن روایت اسبوع فرموده اند واحادیث بر ترغیب سفر درین دو روز دلالت دارد پس مکلف باید که این دو روز را محمود شمارد

جدول انتقال مکانی بحسب سعد ونحس زمانی

نیکوست بیرون رفتن از خانه روز پنجشنبه در تابستان وروز جمعه در زمستان چه از صادق علیه السلام روایت شده که حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه وآله چون در تابستان از خانه اراده خروج نمودی روز پنجشنبه از آن خانه بیرون فرمودی وچون در زمستان اراده دخول خانه کردی روز جمعه روی مبارک بان خانه اوردی واز ابن عباس روایت شده که جناب رسول صلی الله علیه وآله بیرون رفتن خانه را در تابستان بشب جمعه قرار دادی واراده دخول را در زمستان نیز بنابر شب جمعه نهادی

جدول ابتدای امور در ایام از سنه و دهور

روز چهارشنبه ابتدای امور را نشاید و در این روز شروع در هر کاری نیکو نماید چنانکه در حدیث نبوی که هیچ امری در چهارشنبه
شروع نشود مگر آنکه بهبود که باتمام رسد روز دوشنبه نیز مسعود و از برای ابتداء امور محمود است چنانکه جناب
نبوی فرموده که طلب کنید علم را در دوشنبه که مصباح افهام را از چراغ علم افروزید و شمع معرفت در محفل عقول سوزید
و متعلمین را در اول روز طلب علم باید کرد و هنگام اوی رغبت بطلب علم باید آورد چنانکه بعضی از اعاظم میفرمایند
که سزاوار است که متعلم بدرس مباکره نماید چه سید انام علیه السلام فرموده که مبارک کرده است از برای امت من اول ایام
پس مباکره نمایند در کارهای علی الدوام و حدیث دیگر که مرویست از سید بشر که اول روز بطلب علم شتابید که فواید
علم را دریابید که من خواستم که از پروردگار خود که اوایل روز را برامت من مبارک گرداند در بکور ایام اثنیزا بهامن
برکت و میمنت رساند و فرموده که مبارک است در پنجشنبه ابتدای تدریس و در بعضی از احادیث یوم کسب و یوم الخمیس

جدول اختیار بریدن و پوشیدن ثیاب و بیان اوقات این امر از هر باب

بریدن جامه روز یکشنبه مذموم و فاعلش پیوسته مغموم است چنانکه در حدیث نبوی مانوذ است که هر که روز یکشنبه
لباسی قطع نماید پیوسته در آن لباس مغموم بعم از حزن و اندوه برنیاید و دوشنبه مبارک است چه در حدیث نبوی وارد است
که هر که در دوشنبه به بریدن لباس کوشد آن لباس را بمبارکی پوشد و روز سه شنبه مردود است چه در حدیث نبوی
وارد است که هر که روز سه شنبه رخت را ببرد آن لباس بسوزد یا غرق شود یا دزد ببرد و در چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه
محمود است چه در حدیث نبوی منقول است که هر که روز چهارشنبه به بریدن لباس گراید از شفقت المین نعم ابواب روزی
بر روی او گشاید و پیوسته در آن لباس بعیش کوشد و آن ثوب را بسلامت و صحت پوشد و هر که روز پنجشنبه لباسی
را مقطوع سازد در نظر مردم عزیز بعم در آن لباس بطلب علم و عرفان پردازد و هر که روز جمعه رخت ببریده
آن روز را نیکو داند خدا تعالی او را طویل العمر گرداند و بدولت رساند و روز شنبه نحس است چنانچه جناب خاتم
الانبیا صلی الله علیه و آله فرموده که هر که روز شنبه را از برای رخت برگزیند مادامی که آن رخت را پوشید و از مرض
فارغ نشنید مگر آنکه آن لباس را نه پوشد یا نکبی بخشد

معرفت فصل چهارگانه

اکرم جناب افندی سلمه الله فصول را مذکور نفرموده وبه بیان احکام ان نپرداخته اما اگر از جهة جامعیت این کتاب ذکر فصول اربعه صواب مینماید والله الهادی

بهار

در کنغز مذکور است ونزد اصحاب علوم مشهور که به بهار فصلی است که افتاب در حمل وثور وجوزا منزل نماید واز ماههای ترکی با اذار ونیسان وایار موافق آید ودرین فصل ایام افزون شدن خونست که گرم وتر است دربدن ومحمود است کم کردن خون از عروق تن وعلامات زیادتی خونست سرخ رنگ وامتلاء بدن وبرامدن رگها از تن ونیکست دراین ایام خوردن تخم نیم برشت وکاسنی تروانه میدن شیر بز ومیش با شکر وانچه معتدل باشد بحسب مزاج مثل جوجه مرغ ودراج واز سیر وپیاز وسایر سبزیها پاییزی محترز باید بود وهر طعام که بطئ الهضم باشد رغبت نباید نمود ونیکوست جماع وتعب وسهل خوردن وروی رغبت بحمام اوردن

تابستان

زمانیست که افتاب در سرطان واسد وسنبله مقام دارد واهل حساب این فصل را با حزیران وتموز واب ترکی مطابق میشمارند ودراین فصل صفرا که گرم وخشکست طغیان نماید وخوردن ترشیها واشیاء بارده مثل گوشت گوساله باسرکه پخته وجوجهای فربه بارد جو واب غوره وامثال ان موافق اید وجماعت کم باید کرد وروی توجه بتعب وحمام وفصد نباید اورد واستشمام ریاحین حاره نباید نمود واز شکر وعنبر محترز باید بود وممنوع است شکم را باسهال اوردن واستعمال ادویه گرم کردن وعلامات غلبه صفرا رنگ زرد بود وضعف دل فزون واشتهای طعام سرد بهم رسیدن وکروفش وتلخی دهن حادث گردیدن

خزان

پاییز وقتیست که افتاب در میزان وعقرب وقوس مقام پذیرد واز ماههای ترکی با ایلول وتشرین اول وتشرین اخر موافقت کرده ودراین فصل سودا که سرد وخشکست بطغیان اید وجماع کردن ومسهل خوردن وفصد کردن نیکو نماید ومحمود است خوردن اصناف چیزهای شیرین وبوکردن انواع ریاحین ودباکیست دراین ایام خوردن میوه بعد از طعام واز چیزهای سرد وخشک محترز باید بود وبخوردن گرم وترمداومت باید نمود وعلامات غلبه سودا رنگ سیاه بودن ولاغر بدن افزودن وحزن واندوه بهم رسیدن ومزه دهان ترش گردیدن

زمستان

وقتیست که افتاب در جدی ودلو وحوت مقام گزینند واهل حساب این فصل را از ماههای ترکی با کانون الاول وکانون الاخر وشباط موافق بینند ودرین فصل بلغم که سرد وتر است زیادتی نماید وخوردن چیزهای گرم مناسب اید واکل طعامهای سرد ضرر رسانند واسهال واستفراغ بی ضرورت بدن را ضعیف گرداند وحرکت بسیار نباید نمود واز جماع محترز باید بود وعلامات بلغم است بسیار خوابیدن وزبان خوش مزه گردیدن وکنغز چون ابواب ذکر فصول را کشوده احکام انرا از عیون الحقایق نقل نموده

روز	متن
جدول وقوع محرم در ایام هفته	قطب راوندی بسند متصل از ابن بابویه روایت کرده مضمون این جدول از جناب حضرت صادق علیه السلام ماثور و در کتاب دانیال پیغمبر مسطور است و اگرچه جناب آخوندی ایده الله این جدول متوجه نگردیده اما در کتب محدثین بنظر مترجم رسیده
روز شنبه	چون هلال محرم درین روز نماید زمستان آن سال در سردی افزاید و یخ فراوان گردد و گندم بگرانی گراید و مرگ در کودکان بسیار پدید آید و تب بسیار حادث گردیده علت بدست نیاید و باران بسیار بارد و ابواب بلا و آفت از آفات بر زراعت گشاید و بعضی از درختان آفت رسد اما آن سال ارزانی پذیرد و در روم طاعون حادث شده جمعی در عدم جای گیرند و عرب با روم جنگ کرده اسیر و غنیمت بسیار یابند و پادشاهان ایران بظفر و نصرت نشانند
روز یکشنبه	چون هلال محرم درین روز باشد زمستان نیکو گذشته باران بسیار بارد و مزارع و اشجار روی بآفت آرد و دردهای مختلف و مرگهای صعب بحدوث رسیده علت کم بعمل آید و در هوا اثر وبا و طاعون حادث شده آخر سال اندک بگرانی گراید و درین سال پادشاه را قوت افزاید و در آخر سال او را بر دشمنان غلبه رو نماید
روز دوشنبه	چون هلال محرم درین روز ببینند تابستان بسیار گرم بود از سرمای زمستان ایمن نشینند و باران بوقت بسیار آید و گاو و گوسفند بسیار زاید و نرخ حبوبات در بلاد جبل یعنی اذربایجان و عراق عرب و خوزستان و فارس و همدان بارزانی گراید و درین سال زنان بسیار بمیرند و در آخر سال جمعی بر پادشاهان خروج کرده زوال پذیرند و اهل فارس را حزن و اندوه روی نماید و درین سال در بلاد مذکوره زکام بسیار پدید آید والله اعلم
روز سه‌شنبه	چون اول محرم درین روز تحقق پذیرد برف و یخ بسیار بود و در ناحیه شرق گوسفند حیفه بسیار گردد و علت بسیار بعمل آید و بعضی از درختان بآفت گراید و در ناحیه مغرب و شام بسبب حوادث آسمانی جمعی کثیر بمنزل عدم شتابند و بر پادشاه صاحب خروج جمعی خروج کرده جزای خود را بیابند و در فارس غلات بآفت گراید و در آخر سال بر گرانی افزاید
روز چهارشنبه	چون هلال محرم درین روز نماید زمستان متوسط بود و در تابستان بادهای ناخوش آید و آفت رو بغلات در بلاد جبل و مشرق بسیاری پذیرند اما مردان بسیار بمیرند و در بلاد جبل آفتی در میان مردم پدید آید اما زحمتها بارزانی گراید و احوال پادشاه مرغوب و دشمنانش مغلوب باشند
روز پنجشنبه	چون هلال محرم درین روز چهره نماید زمستان ملایم بود در جمیع نواحی شرق گندم و میوه و عسل به بسیاری گراید و هوای اول و آخر سال تب بسیار بهم رسانند و روم بر مسلمانان غلبه کرده خدا ایشانرا عرب را بر ایشان مسلط گرداند و در دریا عرب و زنهای روم محاربات بظهور آید و در ریاض اعمال سلاطین عرب غنچه فتح و ظفر شکفد
روز جمعه	و چون ابتدای محرم درین روز معلوم شود باران کم بارید آب از چشمها و رودخانها کم شود و در بلاد [illegible] نرخ غلات بگرانی گراید و مرگ در میان مردمان بسیار بوقوع آید و در دیار مغرب نیز گرانی ظهور نماید و در ضعفا زا افزاید و روم بر فرس غالب آید والله اعلم بحقایق الامور

اوقات نیک استخاره	چون اراده استخاره نماید اختیار ساعتی که اهل صفت داند باید کرد تا روی توجه بحصول مقصود تواند آورد و این جدول در میان اصحاب استخاره مشهور و در السنه ایشان مذکور است اما در کتب فرعیه مسطور و در احادیث ماثور نیست
روز یکشنبه	نیکوست از فجر تا زمانی که آفتاب مقام در درجهٔ زوال گیرد بعد از عصر تا زمانی که شمس غروب پذیرد
روز دوشنبه	محمود است از فجر تا زمانی که آفتاب طلوع نماید بعد از آن از چاشت تا زمانی که وقت ظهر در آید بعد از اول نماز پیشین تا وقت عشاء آخرین
روز سه شنبه	نیکوست از زمان چاشت تا وقت پیشین پس از عصر تا عشاء آخرین
روز چهارشنبه	نیکوست از صبح تا پیشین بعد از آن از عصر تا عشاء آخرین
روز پنجشنبه	نیکوست از فجر تا طلوع آفتاب بعد از آن از ظهر تا وقت خواب
روز جمعه	نیکوست از طلوع فجر تا آفتاب بر آید پس از زوال تا وقتی که پیشین در آید
روز شنبه	نیکوست از صبح تا زمان چاشت بتخمین بعد از آن از زوال تا وقت پیشین

جدول احکام قمر در بروج اثنا عشر	این جدول ماخوذ است از کلام محقق طوسی طاب ثراه که در مدخل منظوم مسلک نظم انتظام فرموده واحکام اختیارات سیر قمر را در بروج بیان نموده اکرچه در باب اختیارات بروج باین ترتیب حدیثی ندیدیم لیکن از برای تبرک جستن بکلام آن عالیمقام جواهر بدیعه این معانی را در سلک بیان کشیدیم
حمل	نیکوست از برای سفر کردن وروی ارادت بریدن امرا آوردن و پوشیدن و بریدن ثیاب وشکار کردن و تیر انداختن وشروع بکارها کردن و بفصد و حجامت پرداختن وبدست متوجه بنای عمارات بودن ودرخت کشتن و زراعت نمودن
ثور	نیکوست از برای عقد وتزویج ودرخت کشتن ومکاتیب وخطوط بجانب احباب نوشتن وطرح دیدار دوستان ریختن واز جدال دشمنان گریختن وسرور ونشاط وفرح وانبساط ورزیدن وکنیز وغلام فروختن وخریدن اما از برای فصد نیکو نباید وحمام رفتن را نشاید
جوزا	نیکست از برای بیع غلامان جلی وخطا وابتدای کتابت ولقای امرا و بریدن و پوشیدن وتیر انداختن وخود را از برای سفر مهیا ساختن و بدست از برای ناخن چیدن و متوجه فصد و حجامت گردیدن
سرطان	نیکست از برای پوشیدن لباس وسفر کردن و عمل کتابت و مسهل خوردن و متوجه لقای امرا گردیدن و سر تراشیدن و بدست از برای فصد کشودن وتزویج و بنای عمارت نمودن
اسد	نیکست از برای عهد و میثاق و متوجه شدن با عمال علی الاطلاق و فصد کردن و مشغول شدن بعمل آتش کاری و طلب حاجت کردن از پادشاهان و ترتیب تاج و تخت شهریاری وروی رغبت به بیع غلامان چین و خطای آوردن و بدست رخت پوشیدن و سفر کردن
سنبله	نیکست از برای سفر و بریدن لباس و آموختن علم و هنر و مشغول بامر زراعت حبوب و [illegible] ترک نمودن و بدست از برای تزویج و معالجه کردن وروی بعمل زرگری آوردن

تتمه جدول احکام بروج

میزان	نیکست از برای سفر وجواهر خریدن وعقد نکاح ولباس پوشیدن وتاطی کردن قمر در هجده درجه را محمود است دوا نوشیدن وبعد از گذشتن هجده درجه بنحوست گراید وان ساعت هیچ امری از امور را نشاید
عقرب	نیکست از برای دوا خوردن وقی کردن وغرغره نمودن وجراحت بهم اوردن وبحمام رفتن وساختن معاجین وحمله کردن بر دشمنان دین واز برای غیر امور مذکوره مردود وبعمل اوردن آن نامسعود است
قوس	نیکست از برای زن خواستن وعقل را بنور علم وهنر آراستن وفصد کشودن وشکار نمودن وبیع حیوانات وجواهر خریدن وقرض کردن ولباس پوشیدن ومسهل خوردن وسر تراشیدن
جدی	نیکست از برای شکار ومتوجه بعمل کاریز واباد کردن ودرخت بریدن ودرخت بریدن وپوشیدن وپناه بردن بحضرت کردگار از سحر ساحر ومکر وغدر مکار وغدار خصوصا هنگامی که از حرکات اختر عطارد ناظر قمر باشد وبدست دیدن سلاطین وبستن عقد وکابین
دلو	نیکست از برای عهد ومیثاق وتخم افشاندن وتبع غلامان هندی ودرخت نشاندن وروی توجه باصلاح عمارات منهدم اوردن وتعمیر حصارها کردن وبدست از برای جای بجائی نقل فرمودن وتزویج کردن وفصد نمودن
حوت	نیکست از برای فصد کردن وناخن چیدن ودعوت کردن وبدیدار بزرگان رسیدن

خاتمه دربیان طلوع انواع احادیث از مشکوة نبوت سید الانام از جهت درس کردن ظلمات نحوست ساعات وایام مشتمل
چراغ ادعیه واذکار در محفل السنه وافواه افروختن وشمع توکل ویقین در مجلس اعتقاد چنانکه درین مطلوب بابن
القیاس از سهل و یعقوب ملقب براس مرویست که روزی روی توجه باخلاص بجناب علی نقی آوردم ودر خدمت امام همام
عرض کردم که ای سید من بتحقیق که رسیده است بمن اختیارات ایام از امام بحق ناطق جعفر صادق علیه السلام حدیث کرد مرا
حسن بن عبدالله بن مطهر از محمد بن سلیمان دیلمی از پدرش از امام همام صادق علیه السلام در بیان هر ماهی یعنی توضیح سعادت
ونحوست آن از هر راه پس اگر ابواب رخصت برروی رجا کشایم این احکام را در جناب تو عرض نمایم امام فرمود عرض
کن پس چون بعرض رسانیدم وبتصدیق آن امام بر صفحات این کلام قلم تصحیح کشیدم گفتم ای سید من اکثر ایام قاطع
مطالب ومانع ما دبت زیرا که بعضی ایام از راه نحوست مخوف وبعض بصفت سعادت موصوف است ارشاد کن مرا
از شرایع اسلام بقواعدی که احتراز کنم از مخاوف ایام بسبب آنکه ضرورت را در ایام منحوسه بکاری رجوع نماید
وعقل بشری مفتاح نحوست ابواب خوف برروی من کشاید امام علیه السلام فرمود که ای سهل بدرستی که شیعیان ما که محبت
ما را برگزیده اند بسبب ولایت ما در حصار عصمتی آرمیده اند که اگر لجه دریاهای بیکران را بقدم منقبت بپیمایند
ودر بیدای ناپیدای روی زمین بمیان سباع وگرگان ودرندگان گرفتار آیند وافراد جن وانس بعداوت ایشان
برخیزند یعنی تمام موجودات درمقام دشمنی با او ستیزند هر آینه در حصار ولایت ما ایمن مانند یعنی هیچ یک از این
شداید باو ضرری نرسانند پس بخدای عز وجل اعتماد باید نمود وبر اخلاص خود در ولایت ائمه طاهرین ماند افزودن
بهر جا که خواهی برو وبهر طرف که خواهی متوجه شو ای سعد چون خواهی که نحوست ایام را دفع نمایی باید که صبح سه مرتبه
وشام سه مرتبه این دعا را زبان کشایی که اَصبَحتُ اللّهمّ بذمامک المنیع الی آخره زیرا که چون هر صبح وشام
بخوانی این دعا شتابی از جمیع مخاوف در حفظ الهی بعد از جمیع محذورات امان یابی پس چون اراده سفر کنی در
روزی که از آن حذر داری باید که پیش از برآمدن الحمد ومعوذتین واخلاص وآیة الکرسی وپنج آیه از آل عمران را
بر زبان آری واین دعا بخوانی اَللّهُمَّ بِکَ یَصُولُ الصّائِلُ وَبِقُدرَتِکَ یَطُولُ الطّائِلُ وَلا حَولَ لِکُلِّ
ذی حَولٍ اِلّا بِکَ وَلا قُوَّةَ یَمتازُها ذُو قُوَّةٍ اِلّا مِنکَ وَبِصَفوَتِکَ مِن خَلقِکَ وَخِیَرَتِکَ مِن
بَرِیَّتِکَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَعِترَتِهِ وَسُلالَتِهِ عَلَیهِ وَعَلَیهِمُ السَّلامُ فَصَلِّ عَلَیهِم وَاکفِنی شَرَّ هذَا الیَومِ
وَضَرَّهُ وَارزُقنی خَیرَهُ وَیُمنَهُ وَاقضِ لی فی مُتَصَرَّفاتی بِحُسنِ العافِیَةِ وَبُلُوغِ المَحَبَّةِ وَالظَّفَرِ
بِالاُمنِیَّةِ وَکِفایَةِ الطّاغِیَةِ الغَوِیَّةِ وَکُلِّ ذی قُدرَةٍ لی عَلی اَذِیَّةٍ حَتّی اَکُونَ فی جُنَّةٍ
وَعِصمَةٍ مِن کُلِّ بَلاءٍ وَنِقمَةٍ وَاَبدِلنی مِنَ المَخاوِفِ فیهِ اَمناً وَمِنَ العَوائِقِ فیهِ یُسراً
حَتّی لا یَصُدَّنی صادٌّ عَنِ المُرادِ وَلا یَحُلَّ بی طارِقٌ مِن اَذَی العِبادِ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ
وَالاُمُورُ اِلَیکَ بَصیرٌ یا مَن لَیسَ کَمِثلِهِ شَیءٌ وَهُوَ السَّمیعُ البَصیرُ

علی بن اسباط حدیث مرسل روایت نموده از جناب صادق علیه السلام فرمود که میان من و میان مردی قسمت زمینی بود
من در ساعت نحسی از خانه در آمدم و آن مرد در ساعت مسعود قسمت کردم بهترین آن زمین بمن رسید و آن مرد از تاسف
دست بدست مالید پس آن مرد گفت هرگز بامری چنین نرسیده ام و مثل امروز روزی ندیده ام گفتم چه واقع شده گفت
بدرستی که من معرفت بنجوم دارم و خود را در پی فوق عالم شمارم ترا در ساعت نحس از خانه بیرون کردم و خود در ساعت
سعد روی بمقصود آوردم پس چون زمین قسمت کردید بهترین زمینها بتو رسید امام فرمود که گفتم آیا حدیثی نکنم ترا
بحدیثی که از پدران من بمن رسیده و ایشان از جناب رسول صلی الله علیه و آله شنیده اند که فرموده اند که هر که خواهد خود را
از دفع نحوست ایام مسرور گرداند باید که در افتتاح آن روز صدقه بدرویشی رساند تا حق تعالی نحوست آن روز را
زایل و کارهای عظیم را بسعادت مایل گرداند و هر که دفع نحوست شب را دوست دارد باید که افتتاح بصدقه را دفع
آن نماید بعد از آن گفتم بدرستی که من ابواب خروج خود را بمفتاح صدقه گشودم و در اول خروج تصدق نمودم
پس تصدق دادن در عملی از اعمال بهتر است ترا از علم نجوم در هر حال و از ابن ابی عمیر روایت شده که گفت چون رو
بکاری می آوردم اندیشه در علم نجوم میکردم پس چون معرفتی در نجوم و استخراج طالع بهم میرسید از راه نحوست وسواسی
در خاطرم حادث میگردید پس روی اخلاص بخدمت ابی الحسن علیه السلام آوردم و بآن جناب ازین معنی شکایت کردم فرمود
که چون وسوسه در خاطرت حادث شود تصدق کن باول مسکینی که بتو رسد بعد از آن متوجه شو بهر کاری که روی
نماید حق تعالی نحوست را دفع نموده ابواب سعادت بر روی تو گشاید

تکمله در باب انجم وارد شده از هادیان جن و بشر در علت کسوف و خسوف قمر بخلاف انجم میگویند اهل حساب از صورت
حایل میان ماه و آفتاب بحسب اقتضای حرکات فلکیه و تاثیرات علویه

مرویست از امام آسمان و زمین حضرت امام زین العابدین علیه السلام که فرموده تقدیر کرده است جناب سبحانی ارزاق و اقوات
است ندرا الذا انجم بان محتاج و از ظهورش لاعلاجند دو دریایی که آفریده است از حضرت رب العالمین در میان آسمان و زمین
و فرموده که مجاری شمس و قمر و حرکات سایر اختران در آن دریا تقدیر فرموده و مجاری جمیع آنها را بر دوایر افلاک مقدر نموده
پس ملکی که هفتاد هزار فرشته تابع اوست بر آسمانها گماشته و گردانیدن افلاک را بقبضه اقتدار ایشان گذاشته پس چون
آن فرشتگان آسمان را حرکت فرمایند آفتاب و ماه و جمیع نجوم با او بحرکت آیند پس جمیع کواکب و نجوم بحرکتی که حق تعالی
ابتدا مر فرموده نازل شوند در منزلی که روز یا شب از برای ایشان تقدیر نموده پس چون بندگان سالک طریق معصیت
و تمادی سبیل طاعت گردیده کفران بیاد از ایشان بظهور آید و حق تعالی خواهد که ایشان را از مخاوف آیات خود معاتب
فرماید ملکی را که موکل باسمان مجاری شمس و قمر و نجوم و اختر است مامور سازد که بزایل ساختن آسمان نجوم پردازد
پس بفرماید ملک آن هفتاد هزار فرشته را که این امر را بتقدیم رسانند پس ایشان فلک را بحکم الهی زایل گردانند پس آفتاب
بنجوی که جاریست در آسمان منتقل شود و از این سبب تغیر و تکدر بنور و لونش راه یابد پس چون حق تعالی که بزرگی

این امر افزاید آفتاب را بغروب رفتن آن دریا امر فرماید بنحوی که دوست دارد خدا تعالی با آن آیات خلق را بترساند
یعنی بسبب خوف ایشان را از معاصی و ذنوب باز گرداند امام فرمود که حق تعالی باین نحو انکساف شمس فرماید و همچنین
قیاس است چون اراده انخساف قمر نماید پس امام فرمود که چون اراده الهی بروشن شدن آفتاب تعلق یابد تا آنکه
بمستقر و مجری خود شتابد امر کند ملکی را که موکل بفلک است که آنها را بمجرای خود گرداند پس چون فلک را بمستقر
خود رساند آفتاب نیز بمجری خود حرکت نماید پس از آب برآمده نقاب تیرگی از چهره گشاید فرمود که قمر نیز
باینطریق نور گرداند و از تکدر خسوف انجلا پذیرد بعد از آن امام علیه السلام فرمود که ازین روایت ابواب خوف بر روی
خود ممکن بیند و بدرگاه الهی فزع و تضرع نمایند مگر شیعیان ما پس چون چنین باشد بدرگاه الهی فزع و خشوع
را شعار خود سازید و بکرم ربانی باز گشت نموده بتوبه و انابت پردازد

نصیحت ای دوستان آگاه و ای برادران فی الله بترسید از حقیر شمردن این اخبار و سهل شمارید بجای آوردن الخبر مانند اینها
باشند از آثار جانوار این اخبار از مطالع نبوت ساطع و مصابیح این آثار از اشعه اعجاز لامع است و بر افکنده است
بر افق امامت در مشارق کرامت از جانب قدس نامتناهی و وحی الهی پس اگر سهل انگارید و اندک شمارید
تامل صحیح نهایت توضیح دارد که در تحت هر یکی از اخبار مخفی است کنوز اسرار که تعلق نتوانند نمود مگر عالمان
اسرار ربانی و ادراک نتوانند کرد مگر متفکران در آیات و احکام سبحانه که هر یک ازین احکام مطلع آفتاب
حکمتی و منبع دریای مصلحتی است و چون فهم شما را در ادراک آن مایه و ادراک شما را در ادراک آنها پایه نیست
از آن سهل مگذارید و سهل مشمارید والله المستعان و علیه التکلان

البیاضیة ذات فوائد جمة فیها صفوة الصفات للکفعمی کتبه ۱۰۶۳

ومن لا یحضره الطبیب کتبه ۱۰۹۴ ومصباح الشریعة وغیرها

امضاؤه ابو محمد عباس بن محمد بیک الکنتوری الناسخ الفاخر

اورد فیها فوائد کثیرة منها تواریخ وفیات جماعة من القدماء

قرب مائتی نفس وذکر قرب تسعمائة من شعراء العجم وبعض شعرهم

بطوریکه ملاحظه شود نام این کتاب را در اینجا نوشته و در حرف باء الذریعة هم مذکور نشده

پس این اثر نفیس نایاب از آثار این عالم بزرگوار بسیار با ارزش است

۱۲ - ذح - ۱۴۰۲

جدول احکام گرفتن آفتاب در ماه‌ها	مفاد این جدول از قطب راوندی منقول و در میان فقها و محدثین معمول است اگرچه جناب اخوند رابره الله مذکور ساخته و بذکر احکام آن نه پرداخته اما ذکرش درین مقام صواب و باعث جامعیت میشود
محرم	گرفتن افتاب درین ماه دلیلست بر ارزانی و اخر سال حدوث امراض جسمانی و ظفر یافتن پادشاه زمان بر دشمنان و ظهور زلزله در بعضی از زمان بعد از ان سلامتی حاصل و خوف زایل
صفر	دلیلست بر خوف و جوع در مغرب بهم رسیدن و جنگ و کشتن بسیار در ان دیار حادث گردیدن بر چون ماه ربیع در اید جنگ بصلح گراید
ربیع الاول	دلیلست بر انکه طبع مردم بصلح رغبت نماید و هیچکس بخلاف و نزاع نگراید و پادشاه مغرب چون بحرب شتابد بر دشمنان ظفر یابد و گاو و گوسفند کم زاید و اخر سال ابواب نعمتها بمفتاح ارزانی گشاید و در بادیه و یا در میان شتران پدید آید
ربیع الثانی	دلیلست بر حدوث اختلاف بسیار و کشته شدن خلق بیشمار و خروج بر پادشاه بر ~~رعایا احسان فرمودن~~ زمان و بیم حدوث قتل و فساد ~~و با ایشان کمال مهربانی نمودن~~ و عدوان و ~~با ایشان کمال مهربانی~~ حدوث مرگ در مردمان
جمادی الاول	دلیلست بر وسعت روزی در بلاد مشرق و مغرب و ایمنی از حدوث حرب و پادشاه بر رعایا احسان فرمودن و با ایشان کمال مهربانی نمودن
جمادی الثانی	دلیلست بر انکه مردی عظیم المرتبه در بلاد مغرب بمیرد و در بلاد مصر جنگهای عظیم و قتل بسیار صورت پذیرد و در مغرب در اخر سال قحط روی نماید و حبوب بگرانی گراید
رجب	دلیلست بر انکه زمین بمعموری گراید و در کوهستان و دیار مغرب باران بسیار اید و ناحیه فارس را ملخ منزل گرداند اما ضرری بایشان نرساند
شعبان	دلیلست که مردم از پادشاه عدالت ببینند و از ظلم و تعدی ایمن نشینند و پادشاه چون بحرب شتابد بر دشمنان ظفر یابد و در اخر سال در بلاد جبل میان مردمان مرگ پدید آید و حق تعالی بزودی زایل نماید
رمضان	دلیلست بر انکه مردمان همگی پادشاه فارس را اطاعت نمایند و روم بر روی عرب ابواب حرب و جدال گشایند و در ابتدا اگر روم غالب شود اما عاقبت بر روم غالب ایند و غنیمت بسیار از ایشان ربایند
شوال	دلیلست بر انکه در بلاد هند و زنگبار ~~و عمارات فارس رو بخ~~ کشتن بسیار بظهور اید و گیاه در دیار مغرب بسیار نشو و نما
ذیقعده	دلیلست بر انکه باران بسیار بارد و عمارت فارس رو بخرابی اورد
ذیحجه	دلیلست بر انکه باد بسیار بوزد و درخت کم شود و در شهری از بلاد مغرب خرابی پدید اید و گندم و جو بگرانی گراید و صاحب خروج بر پادشاه خروج نماید و ابواب ازار بسیار بر پادشاه گشاید و در فارس حبوبات بگرانی شتابد و سال دیگر ارزانی یابد

جدول احکام [illegible]	این جدول نیز جناب اخوندی بیان نفرمودند و نقاب خفا از عارض تقریر این مطلب نگشوده آقا قطب راوندی از احادیث نبوی استخراج نموده و مترجم نیز این باب را باین کتاب افزوده تا موجب جامعیت و سبب فایده باشد
محرم	چون درین ماه گیرد بزرگی در دیار مغرب بمیرد و میوه دران سال کم شود فارس بزرگی در میان مردم پدید آید و در دیار بابل مرگ بسیار و درد چشم ظهور نماید و نرخها بگران شود و بر پادشاه کرخ خروج کنند و پادشاه بر او ظفر یابد و لشکر او را از میان بردارد تمامی را بقتل آرد
صفر	دلیلست بر انکه در بابل بیماری و مرگ پدید آید و باران بسیار باریده زمین را پر گیاه نماید و در آن سال در بلاد جبال میوه فراوان و نرخها ارزان گردد
ربیع الاول	دلیلست بر انکه در مغرب قتل بسیار ظهور نماید و حدوث مرض یرقان مردم را بیمار نماید و در نواحی بلاد میوه به بسیاری گراید و در دیار جبل کرم در سبزیها حادث شده و آفات در منازل افزاید
ربیع الثانی	دلیلست بر فراوانی آب در جبال و ارزانی و نیکویی احوال و مبارک و فرخنده گی سال و مضطر شدن پادشاه مغرب در هر حال
جمادی الاول	دلیلست بر خون ریزی بسیار در مردم بادیه نشین و گرفتار شدن پادشاه روم ببلای عظیم در آن سرزمین و خروج کردن کسی بر پادشاه زمان و ظفر یافتن پادشاه بر دشمنان
جمادی الثانی	دلیلست بر کم آمدن باران و کم شدن آبها در انهار و غدران و حدوث گرانی و جزع عظیم در حوالی کوفه و بابل و رسیدن بلای عظیم به پادشاه موصل
رجب	دلیلست بر حدوث قحط و طاعون در بلاد مغرب زمین و آمدن باران در جمیع مردم بابل و مردم بادیه و ظهور درد چشم در مردم و حدوث آزار و تألم
شعبان	دلیلست بر انکه پادشاه بابل کشته شود یا بمیرد و بعد از آن پسرش رتبه سلطنت پذیرد و تغیرات ترقی نماید و قحط در روم پدید آید
رمضان	دلیلست بر حدوث سرمای سخت در بلاد جبل و کثرت برف و باران در آن محل و ظهور درندگان در زمین فارس از هر جانبی و مرگ اطفال و زنان در شهریورماه
شوال	دلیلست بر غلبه پادشاه بر دشمنان و حدوث فتنه و بلا در میان مردمان
ذی قعده	دلیلست بر فتح بلاد درین سال و ظهور گنجها در اراضی و جبل
ذی حجه	دلیلست بر انکه مردی بزرگ در مغرب از دنیا رحلت نماید و مردی فاسق فاجر ابواب دعوی [illegible] بر روی مردمان گشاید

بیان بودن سکز یلدوز در طرفی از اطراف در هر روز

میان شرق و جنوب

جنوب

شرق

میان آسمان

میان شرق و شمال

اگر خواهد بودن قمر را در بعضی از بروج بداند باید که انجه از ماه عربی گذشته باشد دو چندان گرداند پس پنج عدد دیگر بر حاصل جمع افزاید پس از موضع افتاب گرفته هر پنج بر بروج قسمت نماید پس چون منتهی شود عددی کمتر از پنج به هر برجی از بروج اثنا عشر باید که ماه را از ان برج طلب نماید و عارض مثالش را بدینکونه گفته‌اید که مثلا افتاب در برج دلو مقام گزیده و از ماه حال یازده روز منقضی گردیده چون یازده مضاعف شود بیست و دو بحصول پیوندد و چون پنج را بران افزاییم بیست و هفت صورت بندد پس بیست و پنج به پنج برج مقسوم گردید و دو عدد که ماند بسرطان رسید پس روز را بشش که عدد بروج است از جهت دانستن درجات مضروب ساختیم دوازده حاصل شده ماه را در دوازدهم درجات سرطان شناختیم چنانکه دلو و حوت و حمل و ثور و جوزا شماریم قمر را در دوازدهم درجه سرطان بنظر اریم والله اعلم واحکم

بیان حرکت سکز یلدوز واحکام واثار ان در هر روز

حکمای جفر ترک گویند که ستاده ایست که انرا سکز یلدوز خوانند واهل خطا وایغور این کواکب را بسیار شوم دانند ودرمیان کواکب نحس اونحس تر از زحل وذنب شمارند وحرکت این ستاره از اجتماع نیرین مقرر دارند در هر ده روز ابتدا از شرق کرده دوری تمام نماید وروی باین کوکب کردن مسافرت وسایر کارها نشاید واین دایره موضوع است تامعلوم شود که هر روز درکدام جهت تمکن دارد تا ایشان از توجه بان جهت از کارها احتراز لازم شمارد اما این حکم غیر مصنوص وباهل نجوم مخصوص است

فوق الارض

تحت الارض

تتمیم اگرچه در هنگامی که بال طایر اندیشه برشته توزع بال بسته وجناح شهباز خیال بصدمه تشتت حال شکسته بود اما حسب الامر صورت آرای معنی ارجمند ومعنی فزای صورت فرزندی منبع عیون حقایق فضایل نفسانیه مجمع فنون دقایق معارف انسانی حاجی محمد سعید ادام الله توفیقه کلک خضر شق زنگار صحیح این آب حیات معانی را از ظلمات سواد مداد بکام جان تشنگان وادی کمال رسانید وفکر خلیل ثار این گلدار فردوس معارف را از آتش مکاره روزگار امید که مقبول قلوب سلیم ومحبوب عقول مستقیم گردیده ازین گلهای سعادت کاهر گل دعای شگفتگی پذیرد ولسبب تسوید این اوراق نام این کم گشته وادی نادانی درصفایح قلوب ارباب عرفان نقش گردانی

جدول رؤیة الاهله علی کون القمر فی البروج الاثنا

البروج	منظر الاهله
حمل	در سلاح مصقول یا اتش بینند
ثور	در گیاه سبز یا روی زنان بینید
جوزا	در علما یا مصحف بینند
سرطان	در جواهر یا اب روان بینید
اسد	در روی بزرگان یا اسمان بینند
سنبله	در اینه روشن یا در کتب بینند
میزان	در صورت جوانان خوب بینند
عقرب	در اسلحه یا در اب روان بینند
قوس	در جامه سرخ یا در روی علما بینند
جدی	در روی زهاد یا گوسفند بینند
دلو	در عمارات عالیه یا مشایخ بینند
حوت	در اب روان یا اشراف بینند

قول حکمای منجم است که حکم زلزله را از موضع شمس ببینند والله اعلم		قول حکمای منجم است که حکم رعود را از موضع قمر ببینند والله اعلم
دلیلست بر تردد بزرگان	الحمل	دلیلست بر بسیاری نعمت
دلیلست بر آفت زراعت	الثور	دلیلست بر خوبی زراعت
دلیلست بر رنج خلایق	الجوزا	دلیلست بر خوشی عوام الناس
دلیلست بر تردد بزرگان	السرطان	دلیلست بر باران و تغیر هوا
دلیلست بر آفت زراعت	الاسد	دلیلست بر قوت اکابر
دلیلست بر تردد لشکریان	السنبله	دلیلست بر ارزانی نعمت
دلیلست بر تردد لشکر و انقلاب	المیزان	دلیلست بر صحت خلایق
دلیلست بر کمی آب و گرانی	العقرب	دلیلست بر تردد بزرگان
دلیلست بر آفت زراعت	القوس	دلیلست بر آبادانی و نعمت
دلیلست بر تردد روستاق	الجدی	دلیلست بر آبادانی ولایت
دلیلست بر فتنه و قتل مردم	الدلو	دلیلست بر تردد دهاقین
دلیلست بر فتنه و قتل مردم	الحوت	دلیلست بر ارزانی نعمت

حکمای متقدم چنین فرموده اند که چون میان دو کس خواه
حاکم و خواه غیر حاکم نزاع و محاربه واقع شود معلوم کنند
که فتح و ظفر از کدام جانب است بدین طریق که نام هر دو خصم را
بحساب جمل بهم گیرند و از مجموع نه نه طرح کنند بعد از طرح که بماند
عدد نام یک خصم در جدول پیدا نمایند از جدول طول که بسرخی نوشته
باشند و عدد نام دیگر خصم در میان جدول عرض که در برابران
عدد نمایند بسرخی نوشته باشند غالب بود و اگر بسیاهی نوشته باشند
مغلوب بود و اگر بسبز یا لون دیگر نوشته باشند میانه ایشان
بصلح انجامد یا آنکس که جوان تر بود غالب گردد و شرط نیست
که نام هر دو را با نام مشهور است و معروف بگیرند خواه نام
و خواه کنیت و خواه لقب و اگر کسی قصد شهری یا حصاری کنند
برین طریق که گفته شد نام آنکس و نام شهر یا
حصار حساب کنند و در جدول نظر کنند
بسرخی باید غالب باشد و الا بالعکس
والله اعلم بالصواب

عرض جدول

ا	و	ز	ح	ط	ا	ب	ح	د	ه
ب	ح	ط	ا	ح	ب	د	ه	و	ر
ج	ه	و	د	ح	ط	ا	ب	ح	ر
د	و	ح	ط	ا	ب	ح	د	ه	و
ه	د	ه	و	د	ح	ط	ا	ب	[illegible]
و	و	د	ح	ه	ا	ب	ح	د	ه
ز	ح	د	ه	و	ب	ط	ح	ا	ر
ح	ه	و	د	ح	ط	ا	ب	ح	د
ط	ز	ح	ه	د	و	ب	ح	ط	ا

هر روز ز ماه سیزده تعیین کن
پس چهار دهش اضافه تخمین کن
ده ده بر برج ز منزل خور بسپر ده
وانگه بشمار پس مر انجا یکی کن

انجه از ماه ز نشست کن
بنج دیگر فزان بر سران
پس بر بنج ازان بکاه بشمس
گیر برج و جای ماه بدان

الاسبوع	یوم الاحد	یوم الاثنین	یوم الثلثا	یوم الاربعا	یوم الخمیس	یوم الجمعه	یوم السبت
اول روز	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
چاشتگاه	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری
نزدیک استوا	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ
نماز پیشین	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس
میان دو نماز	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره
نماز دیگر	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد
آخر روز	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر

بسم الله الرحمن الرحیم

بیغمبر ما صلی الله علیه واله بود و دا مدن
لعد از انا مدن اصحاب فیل بپنجاه عز
روز ینب دوشنبه هفدهم ماه سال در
انوشروان عادل **عاقل** روز پنجم از ماه ایمان ... زیکه
هشتصد و ... از تاریخ اسکندر رومی
بقول محمد بن ...

النبیا وقتا سال وفات

عمر بتمام اینجه

از وقت ولادت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم تا سپردن دایه اش حلیمه بمادرش	سنین	شهور	ایام	سنین	شهور	ایام
امنه بنت وهب بن عبد مناف بن زهره بن کلاب بن مره	د	ح		۵	ح	ب
وازوقت بردن مادرش به نزد خالویانش بمدینه بدیدن ایشان	ا	ح		۶	ح	ب
وازوقت وفات مادرش در ابوا بودن رسول با هم	ح	ح		۶	ا	ب
وازوقت امدن امین بمکه بعد از وفات مادر رسول	ح	ح		۶	ا	و
وازوقت وفات جدش عبد المطلب	ا	ح		۸	ح	و
وازوقت سفر پیغمبر با عمش ابوطالب بقرای شام که بحیرای راهب	و	ح		۱۲	ح	و
بره را دید و گفت اورا نیکو نگه دار که او پیغمبر است						ا
وازگاه فرستادن خدیجه اورا بشام بتجارت و دیدن نسطور راهب اورا که ابری سایه انداخته بود برا و گفت که او پیغمبر است	ح	ح		۲۰	ح	و
وازوقت حاضر شدنش بجنگ روز فجار که میان قریش و کنانه بود در نهر	و	ا		۲۴	ط	
وازگاه خواستن پیغمبر صلی الله علیه واله خدیجه بنت خویلد را بزنی	ح	ب		۲۳	ا	

تتمه

تتمه احوال النبی صلی الله علیه واله وسلم	الذی منذ اوقات الی الحال			[illegible]		
	سنون	شهور	ایام	سنون	شهور	ایام
از وقت غزای خندق و ابوسفیان رئیس کافران	ح	ب	ی	لك	ه	ید
و از وقت غزای بنی قریضه	ح	ح	ح	لك	ه	ک
و از وقت خواستن زینب بنت جحش	ح	ح	ی	لك	و	س
و از وقت غزای عسفان بنی الحبار از قبیله هذیل	ح		ح	لك	ط	س
و از وقت غزای قردوان ابی اب ازان بنی قراده	ح	ا	ط	لك	ح	ی
و از وقت امدن حیوان درنده نزد او و از وی چیز خواستن که بخورد	ح	د	ید	لك	یا	ه
و از وقت کشتن شیرویه پدر خود کسری پرویز را	ح	ح	و	لك	یا	یا
و از وقت قحط مردم که باستسقا بدر امدن	ح	د	ح	لك	ح	یا
و از وقت عمره حدیبیه و با کفار صلح کردن تا ده سال	ح	ا	کا	لك	ه	ب
و از وقت فرستادن رسولان بقیصر و کسری	ح	ا	س	لك	و	ب

تاریخ مجموع ما بین الهجرة	الذی بین ابو الوفات والافعال			من ابتدای عمر		
	سنوات	شهور	ایام	سنون	شهور	ایام
وازوقت غزای خیبر	ح	د	و	٥٨	ح	كد
وازوقت عمره قضیه جهة قضای عمره حدیبیه	ح	و	ح	٥٩	ه	ب
وازوقت خواستن میمونه بنت حارث درحالت احرام	ح	ح	كد	٥٩	ه	كد
وازوقت وفات زینب بنت جحش	ح	ح	ح	٥٩	ى	كد
وازوقت غزای مکه وفتح آن	ح	ه	يح	٦٠	ح	س
وازوقت شکستن بتها وخراب کردن بتخانها	ح	ح	يد	٦٠	ح	كو
وازوقت غزای خیبر وفتح قلعهاء ان واسیر کردن اهلش را	ح	ح	ا	٦٠	ح	كو
وازوقت غزای طایف ومحاصرت کردن ایشان را	ح	ح	س	٦٠	د	يد
وازوقت خواستن ملیکه بنت داود که از رسول استعاذه کرد	ح	ح	ه	٦٠	د	[illegible]
وازوقت خواستن فاطم بنت الضحاک که از رسول استعاذه کرد	ح	ح	يد	٦٠	ه	يد

بقیة احوال النبی صلی الله علیه واله وسلم

	الذی بین بنا و وفاة الافعال			عمر النبی		
	سنون	شهور	ایام	سنون	شهور	ایام
وازوقت بنیاد کعبه که جماعت قریش بحکم او راضی شدند	ح	ح	ح	۳۴	یا	
وازوقت مبعث او بکافه خلق پیغمبری روز دوشنبه	یا	ح	ح	۳۹	یا	
وازگاه دیدن قریش ستادگان را که دیوانه میزدند معجزه او	یا	ح	ک	۴۰	ح	
وماندن ایشان در حصار شعب تا بیرون آمدن ازان	یا	یا	یا	۴۰	یا	
وازوقت محاصرت قریش در شعب	ح	ح	ح	۴۱	یا	
وازوقت وفات عمش ابوطالب	ح	و	یا	۴۹	ه	
واز وقت وفات خدیجه بنت خویلد	ح	ح	ح	۴۹	و	
وازوقت رفتنش بطایف با زید بن حارثه	ح	ح	و	۴۹	ط	
وبودن او در طایف تا بازگشتن بمکه بخانه مطعم بن عدی	ح	۱	ب	۴۹	ط	
وازگاه آمدن سعید کی از نصیبین ومسلمان شدند	ح	ح	یا	۵۰	۱	

تتمه

بقیة احوال النبی صلی الله علیه و آله و سلم	الذی بین الوفات و الافعال			بحسب التاریخ		
	سنون	شهور	ایام	سنون	شهور	ایام
وازخواستن حفصه دختر عمر بن الخطاب	ج	ب	ج	٤ه	ب	کط
وازخواستن اوزن هلالیه دختر خزیمه کفتندی کاو را ام المساکین	ج	ج	ک	٤ه	ج	لط
وازوقت ولادت حسن بن علی علیه السلم	ج	ج	ه	٤ه	ج	که
وازوقت غزای احد که روی مبارکش خون آلود شد	ج	ج	ک	٤ه	د	لو
وازوقت غزای بنی النظیر	ج	و	ی	٤۲	ج	که
وازوقت ولادت حسین بن علی	ج	ه	ک	٤۲	ب	یو
وازوقت ولادت ام سلمه بنت ابی امیه بن مغیره	ج	ب	ا	٤۲	د	کر
وازوقت غزای ذات الرقاع که نماز خوف گزارد	ج	ب	ک	٤۲	ز	لو
وازوقت غزای دومة الجندل	ج	ب	ه	٤۳	ط	
وازوقت غزای بنی المصطلق که ایشان را اسیر کرد وازو زنی که [illegible] کرد	ج	ج	ج	٤٧	ب	

تتمه

بقیة احوال النبی صلی الله علیه وآله وسلم

	سنون	شهور	ایام	سنون	شهور	ایام
	التی بین الاوقات والافعال			[illegible]		
وازوقت زادن ابراهیم فرزند رسول از ماریه قبطیه	٢	١	ے	٦٥	و	کد
وازوقت غزای بتوک	٢	د	ک	٦١	ا	ید
وازوقت وفات نجاشی در حبشه و نماز کردن رسول براو در مدینه	٢	٢	ه	٦١	ا	کط
وازوقت حج کذاردن ابوبکر با مردم و فرود آمدن سوره براة و خواندن آن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام	٢	٢	که	٦١	ب	کد
وازوقت وفات ابراهیم پسر رسول و کسوف آفتاب در دو ساعت روز	٢	٧	که	٦٢	و	لط
وازوقت حج رسول الله علیه الاف التحیة و کلام حجة الوداع	٢	ے	یح	٦٢	ه	ز
وازوقت بیماری رسول الله علیه الاف التحیة و کلام کردن در آن بیماری وفات یافت	٢	١	ب	٦٢	و	لط
وماندنش در آن بیماری تا وفات یافت	٢	ب	و	٦٢	٢	ی
وازوقت وفات ام کلثوم دختر رسول زن عثمان	٢	٢	ب	٦٢	ط	ط
رفتن رسول صلی الله علیه وآله در خانه عایشه	٢	٢	ب	٦٢	ط	یا

جدول تواریخ ملوک سلجوقی وفتحهای ایشان

امدن سلطان سلیمان شاه بن ابراهیم وگرفتن ملک روم دویست وسیزده	وفات سلطان غیاث الدین وجلوس سلطان عزالدین صدوسی وپنج
فتح ولایت دانشمند بزمان سلطان قلج ارسلان دویست وهشت	هزیمت سلطان عزالدین وخروج برادرش سلطان رکن الدین وجلوس او بر تخت صدوبیست ودو
وفات سلطان قلج ارسلان وجلوس پسرش سلطان رکن الدین صدوهشتاد ویک	رفتن سلطان رکن الدین باردوی اعظم ومنافع کردن ممالک روم بتدبیر امرای روم صدوبیست ویک
وفات سلطان رکن الدین صدوهشتاد ویک	واقعه سلطان رکن الدین وجلوس سلطان غیاث الدین ۱۳
جلوس سلطان غیاث الدین کیخسرو صد وهفتاد	ظهور فتنه درروم بسبب مخالفت اولاخیطر
فتح سینوب وگرفتار کرالکش	وکشته شدن الدین صدوسی
بزمان او صدوشصت وشش	امدن لشکر مغل بروم وغارت کردن وواقعه امیر پروانه وخروج عمرا صدودو
وفات سلطان علاءالدین وجلوس سلطان علاءالدین صدوشصت ویک	امدن سلطان مسعود بروم وجلوس او بر تخت نود وپنج
فتح علایه درزمان سلطان علاءالدین صدوپنجاه	امدن قتلغشاه بروم وبردن سلطان محمود را نود ودو
واقعه سلطان جلال الدین خوارزمشاه وشبیخون کردن مغل برومی صدوچهل ونه	**ذکر تواریخ بعض از سلاطین مغل وغیره**
هزیمت مغل بدست سلطان علاءالدین صدوچهل وشش	جلوس چنگیزخان صدوهفتاد وسه بنای باردوی توشه صدوپنجاه وهشت
وفات سلطان علاءالدین وجلوس پسرش سلطان غیاث الدین کیخسرو صدوچهل وسه	بنای باروی سیواس صدوپنجاه وشش گذشتن هلاکو از جیحون
خروج خوارج از ناحیت کفر	وامدن ماطو بروم صدوبیست وسه
سعود وانهزام ایشان	جلوس پادشاه عادل ابقاخان صدودوازده
صدوسی ونه شدن لشکر روم بدست مغل بزمان سلطان غیاث الدین ۱۴۲	وفات خواجه نصیر طوسی علیه الرحمه صدونه نقل سلطان الاولیا مولانا جلال الدین صدوچهار

بقیه تواریخ خلفاء رضوان الله علیهم

کنیت و اسامی	مدت عمرشان	مدت ولایتشان	کنیت و اسامی	مدت عمرشان	مدت ولایتشان
الواثق بالله ابوجعفر هرون بن محمد	چهل و پنج سال و پنجاه	نه سال و نه ماه	الراشد بالله ابوجعفر منصور بن الفضل	بیست سال	[illegible]
المکتفی بالله ابو محمد علی بن محمد	سی و یک سال	دو سال و پنجاه	المقتفی لامر الله ابو عبد الله محمد بن احمد	پنجاه و شش سال و دو ماه	[illegible] و چهار سال و یازده ماه
المقتدر بالله ابو الفضل جعفر بن محمد	سی و هشت سال و یکماه	بیست و چهار سال و یکماه	المستنجد بالله ابو مظفر یوسف بن محمد	پنجاه و شش سال و دو ماه	[illegible]
القاهر بالله ابو اسحق بن ابراهیم بن جعفر	پنجاه و دو سال	یک سال و شش ماه	المستضیء بامر الله محمد ابو الحسن بن یوسف	العلم عند الله	نه سال و شش ماه
الراضی بالله ابو العباس محمد بن جعفر	سی و یک سال و هشت ماه	دو سال و دو ماه	الناصر لدین الله ابو العباس احمد بن الحسن	شصت و هفت سال و دو ماه	چهل و شش سال و یازده ماه
المتقی بالله ابو اسحق ابراهیم بن جعفر	پنجاه و نه سال	سه سال و یازده ماه	الظاهر بالله ابو نصر محمد بن احمد	لا یعلم الغیب الا هو	نه سال
المکتفی بالله ابو القسم عبد الله بن علی	چهل و شش سال و دو ماه	یک سال و چهار ماه	المستنصر بالله ابو جعفر منصور بن محمد	العلم عند الله	الله یعلم

المقصد با[illegible] طلی

جدول تواریخ ~~خلفاء رسول الله~~ واسکانیان ومدت پادشاهی ایشان

نامهاشان	پادشاهیشان	جمع سالهاشان
کیومرث ملک اول فی الارض	۲۹ سال و دوماه وشش روز	۲۹ سال و دوماه وشش روز
غالبا من الملوک	۴۰ سال ویکماه وبیست وچهار روز	هفتاد سال
مشی ومشیانه	۵۱ سال وهشت ماه	۱۲۱ سال وهشت ماه
هوشنگ الملک	۴۰ سال وشش ماه	۱۶۲ سال و دوماه و دو روز
طهمورث بن هوشنگ	۳۰ سال وپنجماه وبیست روز	۱۹۲ سال وهشت روز
جمشید بن هوشنگ	۱۶ سال وششماه	۲۰۹ سال و دو ماه
ضحاک العربی	۹۹۹ سال وسه ماه	۱۲۰۸ سال وشش ماه و دو روز
فریدون الملک	۵۰۰ سال ویکماه و دو روز	۱۸۵۸ سال شش ماه و ده روز
منوچهر الملک	صد وبیست سال	۱۸۲۰ سال وشش ماه و ده روز
افراسیاب ترک	دوازده سال	۱۸۴۰ سال وشش ماه و ده روز
زو بن طهماسب	۱۰۰ سال ویازده ماه	۱۸۴۴ سال وپنجماه و ده روز
کیقباد بن کلی	۱۱۱ سال وچهار ماه وچهار روز	۱۹۵۹ سال ونه ماه وچهار روز
کیکاوس بن کیقباد	۱۴۹ سال وپنجماه	۲۱۰۹ سال و دوماه وچهار روز
کیخسرو بن سیاوش	۶۰ سال و ده روز	۲۱۶۹ سال و دوماه وبیست وچهار روز
لهراسب بن کیمورث	۱۱۹ سال ویازده ماه وبیست روز	۲۲۸۹ سال و دوماه وچهار روز

هریك وجمع سالهاشان

نامهاشان	پادشاهیشان	جمع سالهاشان
گشتاسب بن لهراسب	۱۲۲ سال و یکماه و هو اعلم	۲۴۱۵ سال و سه ماه و چهارده روز
بهمن بن اسفندیار	۱۱۵ سال و پانزده ماه و شش روز	۲۵۲۳ سال و دو ماه و بیست و پنج روز
همای لحبت بن بهمن	۲۹ سال و ۱۵ ماه و بیست و چهار روز	۲۵۵۳ سال و دو ماه و نوزده روز
داراب بن ~~داراب~~ بهمن	۱۲ سال و پنج روز	۵۶۵ سال و سه ماه و نوزده روز
داراب بن ~~بهمن~~ داراب ~~اسکندر الرومی~~	چهارده سال	۲۵۷۹ سال و دو ماه و نوزده روز
~~اشک بن ملوک الطوایف~~ اسکندر الرومی	نوزده سال	۲۵۹۸ سال و دو ماه و بیست و چهار روز
اشک بن اشک ملوک الطوایف	۱۵ سال و یازده ماه	۲۸۱۴ سال و سه ماه و نوزده روز
~~بهرام~~ اشک بن اشک	۲۵ سال و پنج روز	۲۸۵۹ سال و دو ماه بیست و چهار روز
سابور بن اشک ~~برسی بن بهرام~~	هفت سال و ~~یازده ماه~~ پنج روز	۲۸۴۶ سال و سه ماه و نوزده روز
~~برسی~~ بهرام بن اشک	۵۵ سال و بیست پنج روز	۲۶۹۷ سال و دو ماه و نوزده روز
برسی بن بهرام	۲۵ سال و ~~بیست روز~~ یازده ماه	۲۷۲۸ سال و سه ماه و نه روز
هرمز بن بهرام	سه سال	۲۷۲۵ سال و سه ماه و نه روز
بهرام بن بهرام	۲۴ سال و یازده روز	۲۷۵۵ سال و دو ماه و نوزده روز
فیروز بن هرمز	چهارده سال	۴۶۷۲ سال و دو ماه و نوزده روز
برسی بن فیروز	هفت سال	۱۸۷۳ سال و دو ماه و نوزده روز

بقیہ جدول تواریخ واسکانیان

نامهاشان	پادشاهیشان	جمع سالهاشان
اردوان بن بر سیے	بیست سال	۲۸۱۴ سال و دو ماه ۱۹ روز
اردشیر بن ساسان	۱۴ سال و یکماه	۲۸۵۳ سال و نوزده روز
شاپور بن اردشیر	۳۵ سال یکماه	۲۸۳۵ سال چهار ماه و نوزده روز
هومز بن شاپور	یک سال و دو ماه	۲۸۳۶ سال و شش ماه و نوزده روز
بهرام بن هومزد	۳ سال و سه ماه	۲۸۳۹ سال و نه ماه و نوزده روز
بهرام بن بهرام	۱۸ سال و یازده ماه	۲۸۵۸ سال و نوزده روز
شاپور بن هومزد	نه سال	۲۸۶۵ سال و نوزده روز
اردشیر بن هومزد بن ربے	شش سال و یکماه	۲۸۷۴ یکماه و نوزده روز
یزدجرد بن شاپور بن هرمزد	هفتاد سال و چهار ماه و نیم	۲۹۴۴ سال و شش ماه
بهرام بن یزدجرد (اردشیر بن هرمزد)	پنجاه سال و یازده ماه	۲۹۹۵ سال و سه روز
یزدجرد بن شاپور	۲۱ سال و چهار ماه	۲۵۱۶ سال و سه روز
بهرام بن یزدجرد	۲۶ سال و یکماه	۲۵۴۲ سال و ده ماه و سه روز
یزدجرد	سیزده سال	۲۵۵۶ سال و هشت روز
بن بهرام	ده سال	۲ ماه و ۳ روز
بهرام بن بهرام بن بهرام	چهار ماه	۲۸۵۹ سال و ۱۹ روز

جدول اختیارات علی حالات القمر و ذوی بیة الاهلة فی البروج

الحالات	الاحکام	البروج	الاحکام
شرف	نیکست بنای مساجد و مواضع عالی و تزویج و مناکحت	الحمل	درجامه سرخ و سلاح مصقول نگرند و از دیدار خواتین حذر نمایند
هبوط	هیچ کاری نشاید الا هلاک دشمن و خرابی و دارو خوردن	الثور	در کشت سبزه و مروارید نگرند حذر کنند از وحوش و سباع
مع زحل	نیکست دیدار زهاد و عباد و سفر حج و غزا کردن و خرابی	الجوزا	در طعام یا در حیوان نگرند حذر کردن از دیدن نابینا
مع ذنب	هیچ کار نشاید الا ساختن مموهات و مکر و حیل و هلاک اعدا	السرطان	در آب روان صافی نگرند حذر کنند از مردم بد
خالی السیر	نیکست دفینه نهادن و کارهای نهانی و غدر و مکر	الاسد	در نگین خاتم یا جواهر نگرند حذر کنند از آدم بیمار
سریع	نیکست تزویج و ضیافت و تماشا و ابتدای کارها و نقل	السنبله	در روی خوب نگرند و حذر کنند از دود و خاکستر دیدن بی ساعت
طریقه محترقه	نیکست استفراغ و حمام و خلوت و انزوا و فصد و حجامت	المیزان	در آیینه صافی نگرند و حذر کنند از دود و خاکستر
وحشی السیر	نیکست خلوت و حمام و عمارت املاک و عقار	العقرب	در سلاح یا در آب صافی نگرند حذر کنند از مردم مفسد
بین النحسین	هیچ کاری نشاید الا قتل و حرب و غارت و اظهار عداوت	القوس	درجامه سرخ یا در آتش افروخته نگرند حذر کنند از معاندان
بین السعدین	نیکست دیدن اکابر و قضاة و تزویج و اکثر مهمات خیر	الجدی	در روی پیران و مشایخ و علما نگرند حذر کنند از مردم بد
مع الکید	فراغت و خلوت اولی	الدلو	در روی حکما و اطبا و ندما نگرند و حذر کنند از دیدن جراحتها
شرقین	نیکست سفر و نو پوشیدن و صحبت اکابر و تماشا	الحوت	در نامها و در کتابتها
بعید الاتصال	نیکست استحمام و زینت و نوره نهادن و ناخن گرفتن	تمت	و دعوات نگرند و حذر کنند
تحت الشعاع	بدست و طلب و تجارت و نقل و تحویل سفر نیکست کارهای نهانی و خلوت	البروج	از آدم مفسد

جدول رجال الغیب فی الجواب

نقلست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که رجال الغیب
که قیام عالم بوجود ایشانست هر روزی از ماههای عرب
در جهتی باشند و با اهل عالم استمداد رسانند پس هر کس را مهمی
روی نماید یا در کاری عاجز ماند که روی بجانب ایشان
کند و صلوات بفرستد و بگوید السلام علیکم
یا رجال الغیب السلام علیکم یا ارواح
المقدسة اغیثونی بغوثة وانظرونی
بنظرة یا رقبا یا نجبا یا نقبا یا ابدال
یا اوتاد یا قطب یا غوث اغیثونی
واطیعونی واجیبونی وانصرونی بحرمت محمد
صلوات الله علیهم اجمعین و از ایشان استمداد
نماید بعد از آن بنیت بطریق میل بجانب ایشان کند
واگر با دشمن محاربه کند و پشت دشمن بطرف ایشان باشد و دو
جنگ نکند واگر کنند شکسته شوند پس اول روی با ایشان کند
و استعانت طلبد باز روی بدشمن آورد مظفر گردد

جدول معرفت سکز یلدوز

قول حکمای ترکست که سکز یلدوز نحس است و او را مثل
شتر مستی تصور کرده اند و ناخدایان او را عظیم
مؤثر دانند و بطرف او کشتی نرانند و سفر نکنند
و او را در فلک حرکت معین است که هر روز از
روزهای شهور ترک در جهتی باشد از جهات عالم
و چون کسی بسفری یا بکاری مشغول شود که روی
و جانب راست روان جهت نداشته
باشند واگر ضرورت اتفاق
افتد باید که اول نیت
بدان جهت کند و پاره
راه برود و بعد از آن
متوجه مقصود
شود بعون
الله تعالی

جدول معرفت حالات قمر و معرفت ساعات بست

حالات قمر	الاحکام
قمر در شرف	نیکست بنای مساجد را
قمر در هبوط	نیکست کمین اعدا را
[illegible]	نیکست دیدار سادات را
[illegible]	نیکست قصد دشمن را
بعید الاتصال	نیکست موی ستردن را
[illegible]	بدست حلم امور را
[illegible]	نیکست عشرت و تزویج را
[illegible]	نیکست دیدار سادات را
تحت الشعاع	نیکست دفینه گذاشتن را
[illegible]	نیکست کارهای بد را
[illegible]	نیکست همه کارهای نیک
[illegible]	بدست بجمیع کارهای نیک

اتفاق حکما بر انست که مذموم ترین ساعتی در اختیارات ساعت بست است و انرا محترق خوانند و ابتدای بست از اجتماع نیرین گیرند تا هشتاد و چهار ساعت بگذرد انگاه ابتدا در دوم باشند و این را حکما هفت قسمت کرده اند و هریکی بکوکبی داده اند و انرا ساعت بست خوانند و هر کس در تناول بست کاری کند زیان بجسمش رسد و انکه در ثلث سیم کند مضرت بجانش رسد و نحسش کوکب دیگر سعد است الا بست شمس و چهار ساعت بست اخر مریخ والله اعلم

	الاحکام
شمس	هیچ کار نشاید و از دیدار ملوک حذر باید کرد
زهره	نیکست نو بریدن و پوشیدن و زفاف و دیدار خواتین
عطارد	نیکست حاجات از اصحاب دیوان و طلب علم و محاسبه کردن
قمر	نیکست فتح نامه فرستادن و زراعت
زحل	نیکست دیدار مشایخ و عباد و زهاد
مشتری	نیکست ابتدای کارها و طلب حاجات
مریخ	در ثلث اخر بدست و حذر از همه کارها

جدول معرفت غالب ومغلوب واتصالات قمر باکواکب سیاره

جدول معرفت غالب ومغلوب

جون خواهی که بدانی از دو خصم کدام
غالب اید وکدام مغلوب نام
هر دو را بحساب ابجد بگیرد وازجمله
نه نه طرح کنند والجز با ... بماند
موافق بود صلح کنند واگر زیاد
وکم باشد برابر جدول سرخی
غالبیت وجدول سیاهی نوشته
مغلوب

الغالب	المغلوب				
ا	ج	ه	ز	ط	
ب	ی	و	ح	ا	
ج	ه	ر	ط	ب	
د	و	ح	ا	ج	
ه	ر	ط	ب	ی	
و	ح	ا	ج	ه	
ز	ط	ب	ی	ه	
ح	ا	ج	ه	ز	
ط	ب	ی	و	ح	

جدول اتصالات

	اتصاله بالشمس		اتصاله بالزحل
ه	هیچ کاری نشاید مگر دفینه نهادن	ه	نیکست دیدار مشایخ ووزرا
س	نیکست اکثر مهمات ومعاملات	س	نیکست بنای عمارت وزراعت
ع	هیچ کاری نشاید	ع	راحت اولیست
ـد	نیکست دیدار بزرگان وسلاطین	ـد	نیکست جوی وکاریز کندن
ل	هیچ مهم را نشاید	ل	هیچ کار را نشاید

	اتصاله بالمشتری		اتصاله بالمریخ
ه	نیکست دیدن علما وسادات	ه	نیکست دیدن امرا وحکام
س	نیکست نو بریدن وپوشیدن	س	نیکست فصد وحجامت ومسهل خوردن
ع	مبانیست در مهمات	ع	هیچ کاری نشاید مگر داغ ستور
ـد	نیکست اکثر مهمات ومعاملات	ـد	نیکست صید وشکار کردن
ل	نیکست دعاوی شرعیه	ل	نیکست مقابله با دشمن

	اتصاله بالزهره		اتصاله بالعطارد
ه	نیکست با اهل طرب اختلاط	ه	نیکست دیدن اهل قلم ودفتر
س	نیکست ابتدای تعلیم وکتابت	س	نیکست زرینه آلات ساختن
ع	مبانیست مهمات	ع	راحت اولیست
ـد	نیکست نو بریدن وپوشیدن	ـد	نیکست طرح
ل	هیچ کاری نشاید	ل	هیچ کار را نشاید

جدول معرفت منسوبات کواکب سبعه سیاره

اسامی کواکب	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
مدت قطع کواکب برجی را	دو سال و نیم	یکسال	یکماه و نیم	یکماه	۲۴ روز	پنجاه روز	دو روز و نیم
لیالی کواکب	شب چهارشنبه	شب دوشنبه	شب شنبه	شب پنجشنبه	شب سه شنبه	شب یکشنبه	شب جمعه
ایام کواکب	روز شنبه	روز پنجشنبه	روز سه شنبه	روز یکشنبه	روز جمعه	روز چهارشنبه	روز دوشنبه
سعود و نحوس	نحس بزرگ	سعد اکبر	نحس اصغر	سعد بنظر موافقت	سعد اصغر	ممتزج	سعد بمودت
عطیه کبری کواکب	۵۷ سال	۷۹ سال	۶۶ سال	۱۲۰ سال	۸۲ سال	۷۶ سال	۱۰۸ سال
عطیه وسطی کواکب	چهل و سه سال و نیم	چهل و پنج سال و نیم	چهل سال و نیم	شصت و نه سال و نیم	چهل و پنج سال	چهل و هشت سال و نیم	شصت و شش سال و نیم
عطیه صغری کواکب	سی سال	دوازده سال	پانزده سال	نوزده سال	هشت سال	بیست سال	بیست و پنج سال
غایت حرکت شبانروز کواکب	هشت دقیقه	پانزده دقیقه	چهل هشت دقیقه	۶۲ دقیقه	۷۴ دقیقه	صد و پانزده دقیقه	سیزده درجه
طبیعت کواکب	سرد و خشک	گرم و تر	گرم و خشک	گرم و خشک	سرد و تر	ممتزج	سرد و تر
ذکور و اناث کواکب	مذکر	مذکر	مذکر	مذکر	مؤنث اقلیم	اقلیم ششم مذکر	مؤنث
اقالیم کواکب	اقلیم اول	اقلیم دویم	اقلیم سیم	اقلیم چهارم	اقلیم پنجم	اقلیم ششم قوس و حوت	اقلیم هفتم
وبال کواکب	سرطان اسد	جوزا و سنبله	ثور و میزان	دلو	حمل و عقرب	سنبله	جدی
شرف کواکب	میزان	سرطان	جدی	حمل	حوت	[illegible] پانزده درجه	ثور
درجات شرف	بیست و یکم درجه	پانزده درجه	بیست و هشت درجه	نوزده درجه	بیست و هفت درجه	پانزده درجه	سیم درجه
هبوط کواکب	حمل	جدی	سرطان	میزان	سنبله	حوت پانزدهم درجه	عقرب
درجات هبوط	بیست و یکم درجه	پانزدهم درجه	بیست و هشتم درجه	نوزدهم درجه	بیست و هفتم درجه	پانزدهم درجه	سیوم درجه
فرح کواکب	در دوازدهم طالع	در یازدهم طالع	در ششم طالع	در نهم طالع	در پنجم طالع	در چهارم طالع	در سیوم طالع
ترح کواکب	در ششم طالع	در پنجم طالع	در دوازدهم طالع	در سیوم طالع	در یازدهم طالع	در هفتم طالع	در نهم طالع

جدول معرفت ذوذوابه و قوس و قزح بقول از حکما

ذوذوابه

ذوذوابه ستاره ایست نحس هر وقت که پیدا شود
در عالم فتنه و خون ریزش پدید اید بتخصیص
دران طرف که دم او باشد از نیم شب
مشرقی و بعده مغربی والله اعلم

قوس قزح
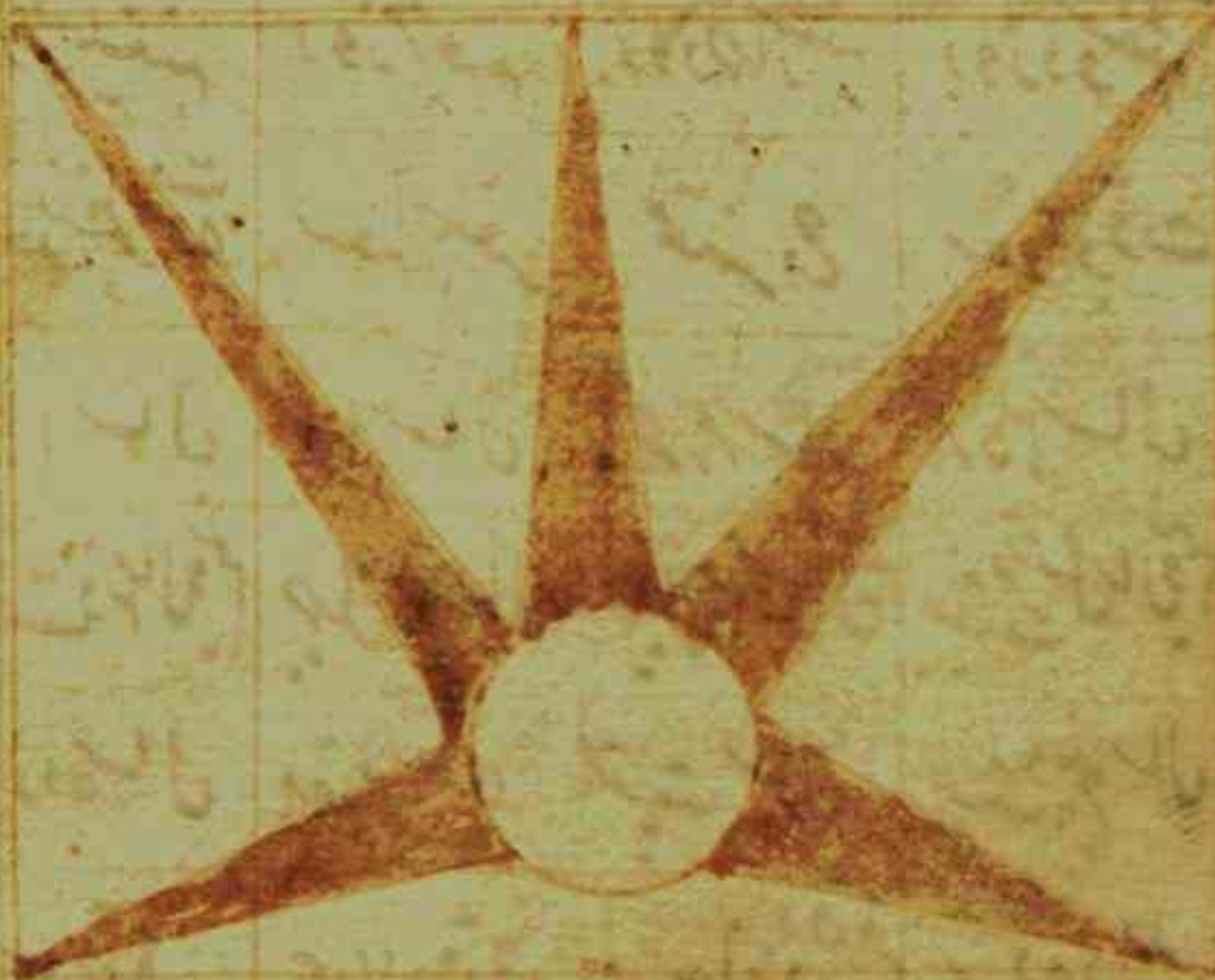
قول حکماء نجومست که قوس و قزح از افتاب
و حکم وی از برجی کنند که افتاب دران
برج باشد پیش از نیم روز شرقی و بعد
مغربی والله اعلم

مشرقی		مغربی
قتل پدید اید	الحمل	بابل خراب شود
فتنه پدید اید	الثور	مردم بدی کنند
تنگی و فتنه باشد	الجوزا	ف دا شکارا گردد
قحط و تنگی شود	السرطان	ملخ غله را تباه کند
دزدان غلبه کنند	الاسد	بدی حال چهارپایان بود
مردم بدی کنند	السنبله	زنا بسیار شود
کثرت دزدان بود	المیزان	فتنه ظاهر گردد
خونریزش پیدا اید	العقرب	اراجیف بسیار شود
افت عوام بود	القوس	فتنه پدید اید
قتل پدید اید	الجدی	تغییر فتنه شود
اشوب پدید اید	الدلو	فتنه پدید اید
سفینه های غرق شود	الحوت	قتل پدید اید

مشرقی		مغربی
نعمت فراخ گردد	الحمل	در مغرب قحط بود
بدی زنان باشد	الثور	نعمت ارزان شود
ضعف عمال باشد	الجوزا	وبا پدید اید
نعمت ارزان شود	السرطان	ضعف حکام بود
امن پدید اید	الاسد	نعمت فراخ گردد
دزدان بدی کنند	السنبله	وبا پدید آید
خلاف زنان بود	المیزان	فراخی غله بود
امن و سکون بود	العقرب	قحط پدید آید
افت عظیم بود	القوس	غله تباه گردد
افت مردم بود	الجدی	قحط [illegible]
فتنه پدیدار شود	الدلو	افت و بدی بود
نکبت زنان بود	الحوت	بیماری زنان بود

جدول معرفت حظوظات کواکب و رؤیت اهله در بروج

جدول معرفت حظوظات کواکب

الکواکب	الزحل	المشتری	المریخ	الشمس	الزهره	العطارد	القمر
الحمل	[illegible]	مثلثه	خانه	[illegible]	وبال	[illegible]	[illegible]
الثور	ضعیف	غریب	وبال	غریب	خانه	غریب	شرف
الجوزا	حضیض	وبال	ضعیف	غریب	اوج	خانه	محظوظ
السرطان	وبال	شرف	هبوط	اوج	مثلثه	حضیض	خانه
الاسد	وبال	مثلثه	اوج	خانه	غریب	مثلثه	غریب
السنبله	غریب	وبال	مثلثه	ضعیف	هبوط	شرف	مثلثه
المیزان	شرف	اوج	وبال	هبوط	خانه	مثلثه	[illegible]
العقرب	محظوظ	غریب	خانه	غریب	وبال	اوج	هبوط
القوس	اوج	خانه	محظوظ	مثلثه	حضیض	وبال	ضعیف
الجدی	خانه	هبوط	شرف	حضیض	مثلثه	غریب	وبال
الدلو	خانه	مثلثه	حضیض	وبال	غریب	مثلثه	غریب
الحوت	غریب	خانه	مثلثه	غریب	شرف	وبال	مثلثه

جدول معرفت رویت اهله

قاعده این جدول چنانست که هر ماه که نو شود
دران وقت در تقویم نظر کنند که قمر
در کدام برج است نظر دران جدول کنند
که با هر ابروی چه چیزی باید دید بران
چیز به ببینند که بسیار
مبارکست و به تجربه
رسیده است
والله اعلم
بالصواب

الحمل	در سلاح مصقول نگرند
الثور	در سبزه و مروارید نگرند
الجوزا	در جواهر آب یا در آب روان نگرند
السرطان	در روی بزرگان نگرند
الاسد	در روی علما نگرند
السنبله	در آینه روشن نگرند
المیزان	در صورت جوانان نگرند
العقرب	در جام سرخ نگرند
القوس	در آتش افروخته نگرند
الجدی	در روی زهاد نگرند
الدلو	در عمارت عالیه نگرند
الحوت	در روی سادات و علما نگرند

بدانکه ۳۰ روز
از ماههای قدیم بجهت
بعضی سعادت نحوست و بجهت بعض
سعادت سیار دیده است و نیک و بد ماههای قدیم
از این جدول معلوم میشود
اینست
جدول

حکمای ترک
متفقند و گویند که در هر نوع تعلق
بجان دارد روز غره ماه ترک تا سلخ هر روز در
عضوی باشد در اعضاء آدمی و اورا ازین جدول معلوم توان کرد
باید که از فصد وغیره احتراز نمایند و هیچ بران
موضع زخم نرسانند ازان سبب که تمام بجا آورده باید
و به ما نور الخا مر و این جدول از بزرگان
بتجربه رسیده است

روز	الاحکام	روز	الاحکام
۱	نیکت سفر و نو پوشیدن	۱۶	بدست که درین روز نوینی در دهن ظاهر شد
۲	نیکت سفر و تجارت	۱۷	نیکت طلب حاجات
۳	بدست که ادم درین روز از جنت بیرون رفت	۱۸	نیکت نقل و حرکت
۴	نیکت طلب حاجات	۱۹	نیکت نو پوشیدن
۵	بدست که قابیل هابیل را کشت	۲۰	نیکت بیعت و سفر
۶	در کارها میانه است	۲۱	این روز بدست که واقعه ابراهیم علیه السلام شد
۷	نیکت سفر و حرکت	۲۲	نیکت دیدار ملوک
۸	نیکت مناکحت	۲۳	نیکت تزویج و سفر
۹	نیکت طلب حاجات	۲۴	این روز بدست که اورا بر زیر پا گذاشتند
۱۰	نیکت کارها الا دیدن عمال	۲۵	بدست که واقعه ابن ملجم شد
۱۱	نیکت جمیع مهمات	۲۶	نیکت طلب معشوقات
۱۲	نیکت دیدار ملوک دیدن	۲۷	نیکت همه کارها
۱۳	درین روز بدست که طوفان نوح شد	۲۸	نیکت حرکت و سفر
۱۴	نیکت دیدن ملوک	۲۹	نیکت تمام حاجات
۱۵	نیکت سفر و تزویج	۳۰	نیکت حرکت و سفر

روز	الاحکام	روز	الاحکام
ا	درین روز در کف پا بود	یو	درین روز در بازو باشد
ب	در کعب باشد	یز	در قفا باشد
ج	در ساق دست باشد	یح	در پهلو باشد
د	در نشستگاه باشد	یط	در ساق چپ باشد
ه	در ساعد دست بود	ک	در زیر پا باشد
و	در بازوی دست بود	کا	در پای چپ باشد
ز	در زبان باشد	کب	در شکم باشد درین روز
ح	در پیشه باشد	کج	در جگر باشد
ط	در پشت باشد	کد	در دل باشد
ی	در دندان باشد	که	در پستان باشد
یا	در روی باشد	کو	در سینه باشد
یب	در خصیه باشد	کز	در شش باشد
یج	در سر بعضی باشد	کح	در سر و گردن باشد
ید	در زنخ بعضی باشد	کط	در دست باشد
یه	در ساعد دست باشد	ل	در تمام اعضا باشد

احکام سعد و نحس ایام ماه در حین توقف ماه در بروجات

[illegible]	الحمل	الثور	الجوزا	السرطان	الاسد	السنبله	المیزان	العقرب	القوس	الجدی	الدلو	الحوت
دیدن ملوک و سلاطین	لا	بد	لا	ن	لا	لا	لا	بد	لا	ن	بد	لا
نو بریدن و پوشیدن	لا	بد	لا	لا	بد	لا	لا	بد	لا	لا	بد	لا
دیدن خواتین معظم	ن	لا	لا	ن	لا	ن	لا	بد	لا	بد	بد	لا
زینت ساختن	لا	لا	لا	ن	بد	ن	لا	بد	لا	بد	لا	لا
شکار رفتن و صید کردن	ن	بد	لا	ن	ن	لا	ن	بد	لا	بد	بد	لا
افتتاح کارها کردن	لا	بد	لا	لا	بر	لا	لا	بد	لا	بد	بد	لا
داخل بیت و بلد شدن	بد	لا	ن	بد	لا	ن	بد	بد	ن	بد	لا	ن
بنا نهادن	بد	لا	لا	ن	ن	لا	لا	بد	ن	ن	لا	لا
دخول بلد	ن	لا	ن	بد	لا	ن	ن	بد	ن	بد	لا	لا
محاسبه کردن	بد	لا	لا	ن	ن	لا	لا	بد	ن	بد	بد	ن
بار بستن	لا	بد	لا	لا	بد	لا	لا	بد	لا	لا	بد	لا
بار گشودن	لا	بد	لا	لا	بد	لا	لا	بد	لا	لا	بد	لا
نو گرفتن	بد	لا	لا	ن	بد	بد	لا	بد	لا	بد	بد	لا
سفر کردن	لا	بد	لا	لا	بد	لا	ن	بد	لا	لا	بد	لا
علاج بیمار کردن	بد	لا	ن	بد	بد	لا	ن	بد	بد	لا	بد	ن

البروج	الحمل	الثور	الجوزا	السرطان	الاسد	السنبله	المیزان	العقرب	القوس	الجدی	الدلو	الحوت
حساب کردن	ه	بد	ه	ه	نح	ه	ه	بد	ه	نز	نح	ه
دیدن حکام	ه	ه	نز	نح	ه	ه	نز	نح	ه	نح	بد	ه
تزویج کردن	ه	ه	نح	ه	ه	بد	ه	بد	نح	نز	نح	ه
مسهل خوردن	بد	نح	ه	ه	بد	نح	نز	ه	بد	نح	نز	ه
بر اسب نو سوار شدن	ه	نز	ه	ه	نح	بد	نح	بد	ه	نز	نح	ه
موی ستردن	بد	نح	ه	ه	بد	نح	ه	ه	ه	نح	ه	نح
فصد و حجامت کردن	ه	بد	نح	ه	نح	بد	نح	بد	ه	نز	ه	نز
سوبحر کردن	نز	نح	ه	ه	بد	ه	ه	نح	نز	ه	بد	ه
مال بتجارت فرستادن	نح	ه	ه	ه	نح	ه	نح	بد	نح	بد	نح	ه
طلب علم نمودن	بد	ه	ه	ه	ه	ه	ه	نح	نز	نح	نز	ه
ختنه کردن	نح	ه	ه	ه	ه	ه	نح	بد	نح	نز	نح	ه
بجنگ رفتن	ه	نح	بد	ه	ه	نح	نز	ه	ه	نح	بد	ه
ابتدای تعلیم و تعلم	نح	بد	ه	بد	نح	ه	نح	بد	ه	نیر	نح	[illegible]
طلب فرزند نمودن	ه	نح	ه	نح	ه	نح	ه	نح	ه	نح	نز	ه
بیع و شری کردن	نح	بد	ه	نز	نح	ه	نح	بد	ه	نز	نح	ه

البروج	الحمل	الثور	الجوزا	السرطان	الاسد	السنبله	المیزان	العقرب	القوس	الجدی	الدلو	الحوت
نکاح کردن	به	ک	نز	نز	ک	نز	به	بر	ک	بر	ک	ک
زفاف کردن	بر	ک	نز	به	ک	به	ک	به	نز	به	بر	ک
برده و ستور خریدن	ک	ک	نز	نز	ک	ک	به	بر	ک	بر	ک	ک
فرزند بگهواره بستن	ک	ک	نز	ک	بر	ک	ک	به	نز	به	بر	ک
نوره گذاشتن	به	ک	نز	ک	[illegible]	ک	[illegible]	ک	به	نز	نز	ک
دیدن علما و اشراف	بر	ک	ک	نز	نز	ک	نز	به	ک	به	بر	ک
تخم افکندن	به	ک	نز	ک	به	ک	به	ک	به	ک	نز	ک
شروع در عمل نمودن	بر	ک	ک	نز	ک	ک	نز	به	ک	نز	بر	ک
املاک خریدن	به	ک	ک	نز	به	ک	ک	بر	ک	ک	ک	ک
بنده آزاد کردن	نز	ک	ک	به	ک	ک	[illegible]	ک	ک	[illegible]	ک	ک
فرزند بمکتب دادن	به	ک	نز	بر	به	ک	نه	بر	به	ک	به	ک
جواهر خریدن	بر	ک	ک	نز	ک	ک	ک	به	ک	به	بر	ک
نامه و رسول فرستادن	نز	ک	نز	بر	ک	نز	نز	بر	نز	نز	ک	ک
بحمام رفتن	ک	نز	ک	ک	ک	نز	بر	ک	ک	نز	بر	ک

البروج	الحمل	الثور	الجوزا	السرطان	الاسد	السنبله	الميزان	العقرب	القوس	الجدی	الدلو	الحوت
نکاح کردن	ب	ک	ن	ن	ک	ن	ب	بر	ک	بر	ک	ک
زفاف کردن	بر	ک	ن	ب	ک	ب	ک	ب	ن	ب	بر	ک
برده و ستور خریدن	ک	ک	ن	ن	ک	ک	ب	بر	ک	بر	ک	ک
فرزند بگهواره بستن	ک	ک	ن	ک	بر	ک	ک	ب	ن	ب	بر	ک
نوره گذاشتن	ب	ک	ن	ک	ک	ک	ب	ک	ب	ن	ن	ک
دیدن علما و اشراف	بر	ک	ک	ن	ن	ک	ن	ب	ک	ب	بر	ک
تخم افکندن	ب	ک	ن	ک	ب	ک	ب	ک	ب	ک	ن	ک
شروع در عمل نمودن	بر	ک	ک	ن	ک	ک	ن	ب	ک	ن	بر	ک
املاک خریدن	ب	ک	ک	ن	ب	ک	ک	بر	ک	ک	ک	ک
بنده آزاد کردن	ن	ک	ک	ب	ک	ک	ب	ک	ک	ب	ک	ک
فرزند بمکتب دادن	ب	ک	ن	بر	ب	ک	ن	ن	ب	ک	ب	ک
جامه خریدن	بر	ک	ک	ن	ک	ک	ک	ب	ک	ب	بر	ک
نامه و رسول فرستادن	ن	ک	ن	بر	ک	ن	ن	بر	ن	ن	ک	[illegible]
بحمام رفتن	ک	ن	ک	ک	ک	ن	بر	ک	ک	ن	بد	ک

البروج	الحمل	الثور	الجوزا	السرطان	الاسد	السنبله	المیزان	العقرب	القوس	الجدی	الدلو	الحوت
ترسیدن در خواب	غم	شادی	رفعت	سفر	غم	ظفر	خصومت	زیان	غم	اندوه	غم	خبر
خندیدن در خواب	نقصان	غم	شادکامی	بحث	منفعت	بیماری	نقصان	بیماری	خبر	بیماری	سفر	فتح
گریستن در خواب	فتح	فرح	خبر	نام	نفع	جدال	خصومت	انصاف	خیر	تحویل	غم	عزت
آواز گوش ناگاه	نایره	بشارت	خبر	خبر	ظلم	غم	سفر	نتیجه	اندوه	اندوه	بیم	غم
جرب شدن جام	فایده	بشارت	بلا	سفر	عزت	رفعت	اندوه	اندوه	جمعیت	زیان	بشارت	ذخیره
شکستن چیزها ناگاه	ظلم	خبر	تحویل	غمها	بشارت	خصومت	خصومت	غم	فتوح	فتح	ترس	غم
لرزیدن اندام بی علت	بیماری	خیر	بیماری	رفعت	غم	عزت	رفعت	خیر	بیماری	خصومت	نصرت	شادی
مردن چراغ بی علت	عزت	بیمایه	فساد	بیم	خیر	بعض	حاجت	فتح	نفع	بیم	نقصان	خیر
افتادن چیزی از دست	منفعت	عزت	اندوه	منفعت	جمعیت	خیر	غم	رفعت	خیر	رفعت	نصرت	سفر
بانگ کبوتر	جاه	رفعت	مرگ	نصرت	عزت	بیماری	خبر	غم	بیم و محنت	جاه و عزت	شادی	[illegible]
نوحه کردن سگ	امید	ظفر	جاه	ناخوش	دولت	راحت	رفعت	سفر	بیم	جاه	بیماری	دولت
آواز آتش	عجایب	خصومت	فرح	بلا	بلا رفت	غم	شادی	اندوه	حاجت	غم	حاجت	بیماری
بلند شدن دود	دولت	سلامت	فساد	مرگ	نصرت	مرگ	خصومت	دوزخ	بیم و بلا	فرح	بیماری	خبر
دریدن جامه ناگاه	بیم	نتیجه	جاه	دولت	راحت	نتیجه	ناخوش	[illegible]	[illegible]	کار	شادی	بیماری

چون دو شخص با هم دوستی
بنیاد کنند و خواهند که بدانند که دوستی ایشان با
ثبات خواهد بود یا نه بگیر نام هر دو را بحساب جمل و نه نه
طرح کنند تا نه باشد یا کمتر از نه پس بقیه نام یکی را از طول
جدول بگیر و بقیه نام دیگری را از عرض
تا ببین تقاطع معلوم شود
دوستی ایشان
والله اعلم

ا	خصومت دایم	ا						
ب	خصومت دایم	محبت تفرقه	ب					
ج	خصومت و محبت	محبت تفرقه	ج					
د	محبت دایم	خصومت دایم	محبت دایم	محبت دایم	د			
ه	محبت دایم	ویختصمان یتحابان	محبت بلا تفرقه	یتفرقان یتحابان	محبت دایم	ه		
و	محبت دایم	ویتفرقان یتحابان	یختصمان یتحابان	محبت بلا تفرقه	محبت بالبضاعه	ویختصمان یتحابان	و	
ز	ویتفرقان یتحابان	التفرقه وتنهایی	محبت دایم	ویتفرقان یتحابان	خصومت دایم	ویتفرقان یتحابان	یتفرقان یتحابان	ز
ح	وتفرقه و محبت	ویتحابان یتحابان	محبت با اطاعت	فرح محنت	محبت دایم	محبت دایم	ویختصمان یتحابان	ویختصمان یتحابان
ط	محبت تفرقه	محبت شوم	رنجیدن یتحابان	محبت بلا تفرقه	محبت بلا اطاعت	محبت با اطاعت	یتفرقان یتحابان	خصومت دایم

	الاختیارات	المنازل	الاختیارات
شرطین	نیکست سفر و صید و نو پوشیدن	عفر	نیکست سفر و نو پوشیدن و اکثر مهمات
بطین	نیکست دیدن ملوک و نو پوشیدن	زبانا	درین فراقت به بود
ثریا	نیکست طلب حاجات و نقل تحویل	اکلیل	درین روز خلوت به بود
دبران	درین روز عزلت به بود	قلب	خوبست زرع و بیع دواب و برده
هقعه	خوبست دیدن ملوک و تجارت	شوله	درین روز توقف به باشد
هنعه	نیکست ابتدات و سفر	نعایم	نیکست ابتدا کارها و نو پوشیدن
ذراع	نیکست سفر و دیدن اشراف	بلده	درین روز فراغت اولی بود
نثره	خوبست دیدار ملوک و سفر	ذابح	شاید زراعت کردن را
طرفه	توقف درین روز بهتر بود	بلع	نیکست نو پوشیدن و دیدار ملوک
جبهه	فصد و حجامت را شاید	سعود	نیکست ابتدات و تحویل و تزویج
زبره	نیکست دیدار اشراف و تزویج	اخبیه	نیکست مخاطره قلاع و توابع
صرفه	فراغت به بود ای بار امروز	مقدم	نیکست نو پوشیدن و دیدار اشراف
عوا	نیکست دیدار شرفا و نو پوشیدن	موخر	نیکست نقل و سفر و نو پوشیدن
سماک	فراغت اولی باشد	رشا	خوبست دیدار وزرا و اشراف نمودن

	زلازل از موضع قمر بینید	البروج	رعود از موضع قمر بینید
ع	دلیل کند بر تردد نزدیکان	ع	دلیل کند بر ارزانی نان و نعمت
ا	دلیل کند بر آفت زراعت	ا	دلیل کند بر ارزانی نعمت
ب	دلیل کند بر بیماری مردم	ب	دلیل کند بر خوشی مردم
ج	دلیل کند بر تردد اعیان	ج	دلیل کند بر بودن باران و برف
د	دلیل کند بر پریشانی اهل سلاح	د	دلیل کند بر قوت کار بزرگان
ه	دلیل کند بر آفت زراعت	ه	دلیل کند بر کثرت غلات
و	دلیل کند بر بدحالی زرع	و	دلیل کند بر سلامتی خلایق
ز	دلیل کند بر توقف لشکریان	ز	دلیل کند بر تردد بزرگان
ح	دلیل کند بر گرانی غلات	ح	دلیل کند بر کثرت غلات
ط	دلیل کند بر آفت زراعت	ط	دلیل کند بر آبادانی جایها
ی	دلیل کند بر تردد مشایخ	ی	دلیل کند بر قوت دهاقین
یا	دلیل کند بر بودن فتنه و قتل	یا	دلیل کند بر ارزانی نان و نعمت

بدانکه

قوس و قزح را حکما معتبر دارند و اعتماد

بیشان ا/ا جهت که قوس قزح باشد و حکمش چنان باشد که هرگاه

او ظاهر شود در جانب غرب و هنوز در جانب شرق نگاه باید

کرد که ماه در کدام برج جهت الجز درین دایره نوشته شده از آن برج

حکم او باشد مجملا و اغلب تاثیرش در آن جهت ظاهر شود

پس اگر سرخ او غالب باشد درد و بیماری حادث گردد و اگر

خاکستری غالب باشد مرگ مفاجات بود و اگر

سبزی غالب بود فراخ نعمت بود

والله اعلم

الحمل — الثور — الجوزا — السرطان — الاسد — السنبله — المیزان — العقرب — القوس — الجدی — الدلو — الحوت

امکان باران گ
فراخ نعمت

ارزانی نعمت
فتنه و آشوب [illegible]

امراض مختلف
رفاهیت مردم

بیماری امرد
نکبت زیاد

قحط و تنگی تشریع گردد
و جنگ و آشوب

حرب و فتنه
کثرت ارزان [illegible]

[illegible]
فراخ نعمت

جدول معرفت احکام تعبیر خواب در شهود از قول حکما

ا	این خواب بعد از دو روز اثر کند	یو	این خواب دلیل کند بر قبض خاطر و اندوه
ب	این خواب بعد از سه روز اثر کند	یز	این خواب بشارت بود بخرمی و یا فتن مال
ج	این خواب اثر بد کند	یح	این خواب دلیلیست بر [illegible]
د	این خواب دلیلیست بر رسیدن مال	یط	این خواب تا بیست و پنج روز اثر کند
ه	این خواب دلالت کند بر سفر و حرکت	ک	این خواب اثر نکند و باطل بود
و	این خواب دلیلیست بر فزونی در عیش	کا	این خواب دلالت کند بر غربت
ز	این خواب دلالت کند بر رسیدن غایب	کب	این خواب باطل بود
ح	این خواب دلالت کند بر سوز دیگ	کج	این خواب دلالت کند بر زیادتی اموال
ط	این خواب دلیلیست بر تفکر و اندوه	کد	این خواب دلیل کند بر آمدن غایب
ی	این خواب دلالت کند بر پیدا شدن گم شده	که	این خواب دلالت کند بر رسیدن مال
یا	این خواب بعد از چهل روز اثر کند	کو	این خواب در وقت درست آید
یب	این خواب خبر دهد بر یافتن مال عظیم	کز	این خواب بعد از سه روز درست آید
یج	این خواب باطل بشی	کح	این خواب در زمان درست آید
ید	این خواب دلالت کند بر گفتگو	کط	این خواب در خاطر نماند فراموش [illegible]
یه	این خواب دلالت کند بر یافتن مراد	ل	این خواب دلالت کند بر حصول امید

جدول معرفت احکام منازل شمس

	الاحکام		الاحکام
شرطین	میوہ رسیدہ گرد	غفر	ہوا نیکو گردد
بطین	ہوا خوش شود و اعتدال گرد	زبانا	سرما بظہور آید و باران بود
ثریا	غلہ رسیدہ گرد ہوا گرم گردد	اکلیل	سرما قوت گیرد و باران بارد
دبران	ہوا گرم گردد	قلب	شدت سرما و نم باشد
ہقعہ	بادہای گرم خیزد و گرما بود	شولہ	بارندگی و سرما بود
ہنعہ	بادہای گرم خیزد و اعتدال بود	نعائم	سختی سرما و ہوا باشد
ذراع	ہوا خنک گردد و اعتدال بود	بلدہ	سرما زیادہ گردد و باران بود
نثرہ	تغیر ہوا شود	ذابح	بارندگی بسیار شود
طرفہ	گرما و حرارت برطرف شود	بلع	خروج جانوران باشد
جبہہ	گرما بود و ہوا متغیر گردد	سعود	سرما بقدر کمتر باشد
زبرہ	سرما بود و باران کم شود	اخبیہ	سرما بقدر زیادہ گردد
صرفہ	سرما آورد و باران کم شود	مقدم	بارندگی بسیار بود
عوا	سرما بود و بارندگی	موخر	خوبی حال مردم و ہوا باشد
سماک	ہوا تغیر یابد و باران بود	رشا	سرما و باران بود

جدول معرفت بودن در منازل بیست و هشت گانه

المنازل	الاختیارات	المحذورات
غفر	نیکست جامه نو پوشیدن و مهمانی کردن	بدست برده خریدن
زبانا	نیکست دیدار ملوک و اشراف و صاحب خواستن	بدست تجارت کردن
اکلیل	نیکست برده و چهارپا خریدن و مسهل خوردن	بدست سفر و نکاح کردن
قلب	نیکست بنا نهادن و عمارت کردن و درخت نشاندن	بدست نکاح و پیمان
شوله	نیکست قتل و شبخون کردن و حصار دشمنان	بدست نو بریدن و پوشیدن
نعایم	نیکست برده و چهارپا خریدن و درخت نشاندن	بدست ابتدای کارها
ذابح	نیکست سفر و بنا نهادن و عمارت کردن	بدست عهد و پیمان کردن
بلع	نیکست بنای عمارت و سفر کردن	بدست جامه نو بریدن
سعود	نیکست داروی مسهل خوردن و بیع غلام و کنیزک	بدست نکاح کردن.
اخبیه	نیکست دیدار کتاب و نامه و رسول فرستادن	بدست انبار کردن
مقدم	نیکست سفر کردن و غلام و کنیزک خریدن	بدست نو پوشیدن
مؤخر	نیکست عروس و مهمانی و شرکت و تجارت	بدست سفر کردن
رشا	نیکست نکاح و عروسی و عهد و سفر کردن	بدست بیعت کردن
بطن	نیکست بنای عمارت کردن و نکاح و انبار کردن	بدست سفر دریا کردن

جدول معرفت اختیارات ایام فرس

الاختیارات	ایام	الاختیارات	ایام
بدست بهمه مهمات	یو	روزی مبارک ومحمود است	اول
نشاید سفر کردن وبنیاد نهادن	یز	نیکست شرکت کردن وزن خواستن	ب
هیچ کاری نشاید کردن	یح	درین یوم بدست بهمه مهمات	ج
نیکست سفر کردن ودرخت نشاندن	یط	درین یوم نیکست حاجت خواستن	د
نشاید مهمانا کردن ونو پوشیدن	ک	درین روز بدست وهیچ کار نباید کرد	ه
درین روز بدست بهمه کارها	کا	درین روز نیکست اکثر مهمات	و
درین روز نیکست ابتدای کردن کارها	کب	درین روز نیکست در همه کارها	ز
مبارک بعمارت کردن وحاجت خواستن	کج	نیکست زراعت کردن ودرخت نشاندن	ح
درین روز بدست بهمه مهمات	کد	درین روز نیکست عمارت معادن	ط
درین روز بدست وفراغت اولے	که	درین روز از بیشتر کارها حذر باید کرد	ی
درین روز نیکست در همه کارها	کو	درین یوم در همه کارها حذر اولے	یا
درین روز نیکست بهمه حاجات	کز	درین روز بعد از نیم روز نیکست	یب
درین روز نیکست عمارت زمینها کردن	کح	درین روز فراغت اولے	یج
درین روز همه کارها نیکست	کط	درین روز نیکست بیع برده ومواشی	ید
درین روز نیکست ابتدا کردن	ل	درین روز نیکست سفر وصید وسوارے	یه

جدول معرفت اسکانیان و پادشاهی هریک و جمع سالهاشان

نامهاشان	پادشاهیشان	جمع سالهاشان
فیروز بن یزدجرد	بیست و هفت سال و شش ماه	۳۵۸۴ سال و ۲ ماه و ۳ روز
جاماسب بن فیروز	سه سال و یکماه	۳۵۸۷ سال و ۱۰ ماه و ۷ روز
بلاش بن فیروز	هشتاد سال و هشت ماه	۱۶۷ سال و ۱۱ ماه و سه روز
قباد بن فیروز	چهل و سه سال	۲۱۵ سال و ۱۱ ماه و نه روز
نوشیروان بن قباد العادل	چهل و شش سال و هشت ماه	۳۲۴۶ سال و ۷ ماه و ۳ روز
هرمز بن انوشیروان	ده سال	۳۲۶۴ سال و ۷ ماه و ۳ روز
پرویز بن هرمز	هیژده سال	۳۲۸۴ سال و ۷ ماه و ۱۸ روز
شیرویه بن پرویز	چهار ماه و بیست روز	۳۲۸۴ سال و ۱۱ ماه و ۲۴ روز
اردشیر بن شیرویه	یکسال و پنجماه	۳۲۸۶ سال و ۴ ماه و ۱۱ روز
بهرام بن شاپور	یازده سال و یکماه	۳۲۹۷ سال و ۴ ماه و ۲۵ روز
توران دخت بن پرویز	ششماه	۳۲۹۷ سال و ۱۱ ماه و ۲ روز
ارمی دخت بن پرویز	چهار ماه	۳۲۹۸ سال و ۳ ماه و ۲۳ روز
فرخ زاد بن هوید	یکماه	۳۲۹۹ سال و ۳ ماه و ۲۳ روز
یزدجرد بن	بیست سال	۴۱۹ سال و ۴ ماه و ۲۳ روز
شهریار	العلم عند الله	والله اعلم

جدول معرفت اختیار کردن کارها و مهمات

پیوستن ماه بزحل	تسدیس	نیکست بنای عمارت نهادن واجازت دادن
	تربیع	بدست در همه کارها وحذر اولی
	تثلیث	نیکست دیدار روسا و بنا نهادن عمارت
	مقابله	بدست از همه مهمات حذر اولی
	مقارنه	بدست از سفر و نکاح و نو پوشیدن حذر اولی
پیوستن ماه بمشتری	تسدیس	نیکست دیدار ائمه وعلما وتعلیم علوم شرعیه
	تربیع	نیکست بناء عمارت مساجد وحکومت کردن
	تثلیث	نیکست دیدار علما وائمه وابتدای کارها
	مقابله	نیکست حکومات شرعی گذاردن وطلب حقوق
	مقارنه	نیکست بناء عمارت کردن وشربه ساختن
پیوستن ماه بمریخ	تسدیس	نیکست دیدار امرا وارباب سلاح وفصد کردن
	تربیع	بدست از همه امور مهمات حذر باید کرد
	تثلیث	نیکست دیدار امرا وارباب سلاح والت حرب ساختن
	مقابله	از همه امور و مهمات وابتدات حذر باید کرد
	مقارنه	بدست از همه کارها و مهمات وحذر باید کردن

بقیہ جدول پوستن قمر بکواکب سیارہ

پوستن قمر بآفتاب	تسدیس	نیکست برتخت نشستن وعہد کردن ونو پوشیدن
	تربیع	بدست از ہمہ امور ومہمات حذر باید کردن
	تثلیث	نیکست ولایت دادن ودیدار ملوک وشہان
	مقابلہ	روا بود اظہار اسرار وقتل اشرار وحصار دشمن
	مقارنہ	نیکست ودیعت نہادن وذخیرہ فرستادن وکارخانہ
پوستن ماہ بزہرہ	تسدیس	نیکست دیدار زنان وخادمان ونو بریدن وپوشیدن
	تربیع	نیکست غلام وکنیزک خریدن ومہمانی وعروس کردن
	تثلیث	نیکست نکاح وعروس ومہمانی وزرینہ ساختن
	مقابلہ	نیکست عمارت باغ وبوستان ونقاشی کردن
	مقارنہ	نیکست مہمانی وعروس وطرب کردن ونو پوشیدن
پوستن قمر بعطارد	تسدیس	نیکست غلام وکنیزک واسبان نیکو ومرغان شکار خریدن
	تربیع	نیکست جدل ومناظرہ ونظر در امور دیوانی کردن
	تثلیث	نیکست دیدار وزرا واہل کتاب ومحاسبہ کردن
	مقابلہ	نیکست جدل ومناظرہ واخبار واشعار خواندن
	مقارنہ	نیکست نامہ ورسول فرستادن وخط اموختن

جنین کوید فضل بن جعفر بر یکی کہ مقدار یکدرجہ از فلک
ہفت وشش میل از زمین بود وما انرا درسصد وشصت
درجہ ہمان ضرب کردیم صد وسیت وچہار
ہزار شد معلوم کشت کہ کردش زمین
صد وسیت وچہار ہزار میل ہست این مبلغ
راقسمت کردیم برسہ یکی وہفت یکی
بیرون آمد قطر زمین ہفت ہزار و
پانصد میل بتقریب وان مبلغ
در صد وسیت وچہار ہزار
میل ضرب کردیم صد و
ہشت دہزار و میل شد
وان مساحت روی زمین
باشد از اباد ان و ویران
وافتاب بدوازدہ ساعت از
مشرق بمغرب رود ومقدار
ہزار ساعت یک ہزار فرسنک
باشد ودرازی
ابادانی

اسفار
دعاوه
طایف
مکه
مدینه
انطاکیه
بلادغول

اقلیم
اقلیم
اقلیم
اقلیم
اقلیم
اقلیم
اقلیم

از مشرق بجنوب صد و هشتاد درجه اما پنهای

ابادانی زمین از خط استواست یا جزیره

طسرهت و بان جهة کرنرسیده است

وان مقدار شصت وشش درجه هست و

در بخش درجه ما ضرب کردیم طول

ابادانی را در عرض ان سی وسه

هزار هزار و پنجاه هزار میل شده

بخش بفرسنک پانزده هزار

هزار و نه نزده هزار و

سصید و شصت شش فرسنک

وان مقدار صد و سی بخش از جمله

زیر کرهٔ زمین تا جایکه عمارة

دریاها و کوهها و ابهای روان وانچ

ممکن بخش از شهرها دریاها و جزایر در این

دایره ثبت کردیم و در تقاویم بیش ازین ذکر

رفت نتوان بیان کرد همچنانکه با دریاها رانیز

اقالیم هفت کانه و جهت خالی و ظلمات رانیز

اورده شد و ثبت رفت

والله اعلم

این دریای بزرگست که پایان ان کس نیافت

اول

جزیرهٔ واق واق و جمل و مهران دشت و در و زنکیان اینجا خط زمین

دوسیم

دار الملک

بلخ ری همدان ختن

بخارا سمرقند

سیستان اصفهان خراسان ترک

سیم

فارس

چهارم

جیحون

پنجم

ششم

هفتم

دریای زنک

روس ترک

جیحون ترک

واجتناب ازغذاهای ناموافق کردن در ماههای رومی

ایلول	تشرین الاول	تشرین الثانی	کانون الاول	کانون الثانی	شباط
سی روز	سی و یک روز	سی روز	سی و یک روز	سی روز	بیست و هشت روز
در اینماه هوا معتدل شود و سودا غالب گردد و غذاهای اینماه گوشت نیک(?) و حلواهای گرم و چیزهای معتدل لطیف و شراب سهل و اجتناب باید کرد از گوشت گاو و ماهی(?) و طعام(?) والله اعلم بالصواب	در اینماه بادهای مختلف وزد و حرارت غریزی(?) ضعیف(?) شود و غذاهای اینماه گوشتها و حلواها و اجتناب باید کرد از جفت(?) و طعام و انار ترش(?) و شیرین مخلوط و شراب مسهل تناول باید کرد و فصد و حجامت باید کرد والله اعلم	در اینماه سرما آغاز کند و هفتم قوت شود(?) درشتم(?) ابتدا کنند تخم کشتن و غذاهای گوشتها و حلواها اجتناب باید کرد از طعام و آب سرد و خوردن غذا بشب والله اعلم	در اینماه سرمای قوی شود و حرارت غریزی در باطن بدن متمکن گردد و غذاهای این هریسه و کباب(?) گوسفند و چیزهای گرم و اجتناب باید کرد از طعامها و آبهای سرد والله اعلم بالصواب	در اینماه بلغم بیشتر شود از استکثار غذاها طبیعت مشتغل(?) گردد و غذاهای اینماه گوشت باید و آب گرم باشد باید خورد و اجتناب از ماهی و ماست باید کرد والله اعلم بالصواب	در اینماه باران بسیار شود و بادها در حرکت آید و نشو درخت ده(?) گردد و غذاهای اینماه گوشت بزغاله و بره(?) و سیرها(?) و ترشک(?) و اجتناب از حلواها و دیگ(?) ... و طعام ... باید کرد والله اعلم بالصواب

جدول معرفت احکام آثار علوی در ماههای رومی

نام ماههای رومی	کسوف شمس یا کواکب	باریدن تگرگ	حدث باد و صاعقه و غبار	ماههای رومی	باریدن تگرگ	باریدن تگرگ	حدث باد و صاعقه و غبار یخ
آذار ماه	ارزانی نعمت بود	غم و اندوه مردم بود	بیماری مردم بود	ایلول ماه	نقصان مردم بود	بیماری بسیار بود	ارزانی احتکار بود
نیسان	بسیاری امطار بود	فتنه و تشویش بود	آشوب و ارزانی بود	تشرین الاول	راحت مردم بود	آشوب و ارزانی بود	بسیاری باران بود
ایار ماه	وبا و بیماری بود	فساد حاصل مردم	خیر و سلامت بود	تشرین الثانی	ارزانی انبار بود	قحط و بیماری بود	طمع اطفال بود
حزیران	بسیاری باران بود	بیماری مردم بود	اضطراب اهل عرب بود	کانون الاول	فتنه و کار و زار بود	فراوانی غله بود	ارزانی و راحت بود
تموز ماه	فتنه و قتل بود	ناگهان هلاک بود	بیماری مردم بود	کانون الثانی	آشوب اهل بلخ بود	ارزانی صیف بود	آشوب و فتنه بود
آب ماه	راحت مردم بود	ارزانی اهل عرب بود	فتنه و آشوب بود	شباط ماه	قحط و بیماری بود	ارزانی اسعار بود	راحت [illegible]

جدول معرفت طبیعت و منفعت و مضرت میوه‌ها

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
انجیر تازه	گرم و تر است و بعضی بسیار گرم نیز گویند	سنگ و ریگ گرده زایل کند و زهرهای سرد را ببرد	باد در شکم افکند و صفرا غالب کند و تشنگی تولد کند	[illegible] و سکنجبین [illegible] سود دارد
انگور شیرین	گرم و تر است و بعضی گویند معتدل است	طبیعت را نرم کند و فربه کند و [illegible]	تشنگی آورد و چون آب خورد باد انگیزد	انار ترش دفع مضرت کند
شفتالو	سرد و تر است	تبهای گرم را سود دارد	تبهای نوبت زیادت کند و باد در شکم افکند	شراب کهنهٔ خوشبو دفع مضرت کند
آلوی سیاه	سرد و تر است	طبع نرم دارد و تشنگی بنشاند	معده را سست کند	سکنجبین دفع مضرت کند
شقاقل پرورده	گرم و تر است بغایت	قوت پشت و آب پشت زیاد کند	تشنج و [illegible] را زیان دهد	انگبین [illegible] دفع مضرت کند
انار شیرین	گرم و تر است و بعضی گویند معتدل است	سرفه را سود دارد و قوت [illegible] دهد	باد در شکم افکند	دفع مضرت انار ترش کند
انار ترش	سرد و لطیف است		سینه و آواز را زیان دارد	حلوای عسل دفع مضرت کند
به	سرد و تر است	دل را خوش کند و بول بسیار براند		خرمای پرورده بعسل دفع مضرت کند
سیب شیرین	در گرمی و تری معتدل است تمایل بسرد	[illegible]	عصب را سست کند	گلاب شکر دفع مضرت کند

بقیه جدول احکام طبیعت و منفعت و مضرت میوها

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
سیب ترش	سرد و خشک است	زهر را بشکند و مر را سود دارد صفرا نشاند	درد مفاصل را زیان دارد	شراب کهن دفع مضرت کند
زردآلو	سرد و تر است	معده گرم را نافع است	بناشتا خوردن مضرت دارد و بعد از طعام زیان دارد	گلشکر و بادام گرم خورد دفع مضرت کند
توت ترش	سرد و تر است	درد گلو را نافع و گوشت دهن سخت کند	درد شکم آورد	[illegible] دفع مضرت کند
سنجد	سرد و خشک است	در میان شراب خوردن مستی باز دارد	معده را خشک کند	بشکر خاییدن دفع مضرت کند
خربوزه شیرین	گرم و تر است	رنگ روی را تازه کند و سنگ از مثانه بیرون برد	معده را سست کند	سکنجبین خوردن نافع بود
جوز [illegible]	گرم و خشک است	معده را قوت دهد و زهر را از اثر کند تریاق هم زهر است	[illegible] گلو را بجوشاند و زبان را [illegible] کند	خشخاش دفع مضرت کند
دنبو[illegible]	سرد و خشک است	باسهال و صفرا سود دارد	از معده دیر گوارد	انگبین خوردن نافع بود
گندم	گرم و تر است	چون از دهن بخایند و بر دمامیل نهند زود بر شود	نفخ در شکم افکند	زیره [illegible] دفع مضرت کند
نشاسته	سرد و خشک است	تیزی صفرا بنشاند و طبع را ببندد	دیر گوار بود	شکر [illegible] دفع مضرت

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
جو	سرد و تر است	آب جو سینه را نرم کند اختلاط را باز دارد و از معده زود رود	درد شکم را زیان دارد	چون بریان کنند مضرت را ببرد
اسپاک	بقراط گوید که گرم و تر است	غذا بسیار دهد و زود گوارد و سینه را نرم کند	معده را ضعیف کند	روغن بادام و قند و انگبین دفع مضرت کند
برنج	سرد و خشک است	غذا بسیار دهد و قوت افزاید معده را گرم و نیکو کند	شکم را زیان دارد	با روغن بپزند یا با شکر دفع کند
باقلی	سرد و خشک است	سرفه و سینه را سود دارد	چشم را کوری و خیره کند	با نمک و سعتر دفع مضرت کند
ماش	سرد است و در تری و خشکی معتدل است	بیماریهای گرم و صفرا را سود دارد و خون را شکسته کند	دماغ را ضعیف و قوت باه کم کند	روغن بادام دفع مضرت کند
لوبیا	سرد و خشک است	بول را بسیار و شیر را افزون کند	ورم چشم را زیان دارد و خوابهای هولناک بیند	با نمک و نبید دفع مضرت کند
خربزه هندی	سرد و تر است	امراض گرم و خشک را سود دارد	هاضمه را زیان دارد	روغن زیت و آبکامه دفع مضرت کند
لسر	گرم و خشک است	طبع را قبض کند	دندان و دهن را زیان دارد	سکنجبین ساده دفع مضرت کند
موز	گرم و تر است و بعضی گویند سرد و تر است	قوت باه را سود دارد	معده را زیان دارد	با [illegible] دفع کند

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
کوچک ماهی	سرد و تر است و لطیف	قوت دهد و جگر گرم را سود دهد	ضعیف را زیان دارد	شراب کهنه و فالوذج دفع کند
ماهی شور	گرم و خشک است	بلغم را ببرد	بواسیر آورد	شراب کهنه دفع کند
سقنقور	گرم و خشک است و لطیف	اندر باه نشاط خوردن شکم را براند	معده را زیان دارد	فالوذج زرد دفع [illegible] نارنج خورند
سیر بریان	گرم و تر است	دماغ خشک را سود دارد	بول و دوا را کنده کند	دارچینی و خردل دفع کند
مغز سر	سرد و تر است	مغز سر را زیاده کند و تن را فربه کند	تخمه انگیزد	نمک و خردل و سعتر دفع کند
صحنا	گرم و تر است	آب پشت زیاده کند	تشنگی معده را زیان دارد	سعتر و زنجبیل و نمک دفع کند
پاچه	معتدل است	تشنگی را تسکین دهد از انگبین به	قولنج را زیان دارد	با سرکه و زعفران پخته خورد
دل	گرم و خشک و غلیظ است	معده‌های قوی را نیک بود	معده و جگر را زیان دارد	با سرکه و [illegible] پخته خورد
جگر	گرم و تر است	شب کوری را دفع کند	بر معده گران بود	با روغن زیت و دارچینی دفع کند

ترجمه تقویم المحسنین که الغ ... ملهم تایید مسمی بتقویم سعیدی کرده

بسم الله الرحمن الرحیم

حمدی که منجمان حکمت ایجاد که مستخرجان احکام نجوم ذرات کاینات اند حساب عشری از اعشار آن را در
جداول مسدس جهات و تقاویم مربع عنصریات ثبت توانند نمود مقداری است که قلم حکمتش صحایف
ساعات و ایام را با رقام متضاده سعادت و نحوست نگاشت و شکری که مهندسان هیئت اشکال
که مستنبطان اشکال رقوم هیئت حکمتند شمار اندکی از بسیار آن را در تصاویر وسعت افهام و تدابیر
ساحت اوهام رقم نتوانند فرمود مصوری را روا است که کلک مشیتش صفایح شهور و اعوام را باشکال
متناقضه عزت و مذلت منقوش داشت و تحایف صلوات الهی و ظرایف تحیات نامتناهی نثار روح
منور و جسد مطهر مطلع انوار فطرت و مقطع دیوان رسالت که دوایر افلاک عالم ایجاد بر دور مرکز عالیش
دایر و کواکب آسمان هدایت و ارشاد در درجات بروج متابعتش و هدایت سایر است یعنی محمد و اولاد امجاد
احفاد ابرار او که نجوم بروج خلافت و هدایت و بروج نجوم امامت و ولایت اند صلوات الله علیهم ما دامت
نوره الله تامه و رحمة الله عامة اما بعد چون طینت نوع شریف انسانی مرکب از قوای جمادی و نباتی و حیوانی
و در هر یک از اجزای ازمنه و دهور محتاج است بتمشیت امری از امور و انتظام حصول افعال افراد انسانی متحقق
نشود مگر بثبوت احکام سعد و نحس بتعلیم عالم معالم اسرار ربانی لهذا جناب فضایل مآب حقایق انتساب
اعنی رموز فضایل و کمالات دینیه و مفتاح کنوز معارف و سعادت یقینیه مجمع فنون مکارم علی
و منبع عیون محامد ابدی و ازلی معنی صورت کمالات انسانی مولانا محمد محسن کاشانی ایده الله فی تحقیق
مسایل ارصاد و افهام دقایق و وفقه الله فی تمهید دلائل الصلاح و سداد احکام ساعات و ایام و ارقام شهور

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
سپندان	گرم و تر است	اسپرمش زیاده کند	درد نیم سر آورد	با سرکه و کاسنی بهم خورد
تره خراسانی	گرم و خشک است	قوت دل و معده دهد بلغم را هضم کند	چشمها تاریک کند	با بادنجان نان و پانیر خورند
نخود	گرم و تر است	اسپرمش را زیادت کند و طبع را نرم کند	گرده و مثانه را زیان آورد	با خشخاش بهم خورند
خردل	گرم و خشک است	بلغم را بگدازد و باد بشکند	دماغ را زیان دارد	سرکه دفع مضرت کند
شبت	گرم و خشک است و گفته اند سرد و گرم و تر است	معده را پاک کند و قی آورد	دماغ را زیان دارد و درد سر آورد	
کنجد	گرم و تر است	اسپرمش زیادت کند و بعد [illegible] را سود دارد	دماغ و معده را زیان دارد	با روغن ترنجبین بهم خورند
خولنجان	گرم و تر است	درد پا را ببرد و معده را قوت دهد	دل را ضعیف کند	با لوبیاهای قرم خورند
عدس	در آخر سردی معتدل است	خون را ساکن کند و معده را قوت دهد	ماخولیا و دیوانگی آورد	با شلغم و چغندر [illegible] خورند
باقلا حمرا	سرد و خشک است	کرم شکم را ببندد	دیر گوارد	سرکه و ابکامه دفع مضرت کند

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
نان نادین	بقراط گوید معتدلست	تن را فربه کند و قوت دهد	سده کار کند	چون بسیار کنند و نمک بسیار خورد
نان سمیدون	گرم و خشکست	زود گوارد و قوت از وی زیاده کند	گرمی و خارش تن را زیان دارد	با شیر جو و روغن خورند
نان فطیر	بقراط گوید غلیظست و موافق تن آدمی	سائر را نیک بود	باد در شکم انگیزد	با زنجبیل پرورده بیک … بکار برند
نان برنج	سرد و خشکست	با روغن بادام خورند زود گوارد و سینه را نیک بود	دیر گوار بود و معده را ناگوار بود	با روغن و شیره خورند
نان کماج	گرم و خشکست	مردم ریاضتی را نیک بود	مردم متنعم را سده انگیزد و … کوتاه …	با شکر … دفع مضرت کند
کاهو	سرد و ترست	بی خوابی را نیک بود و صفرا را	مرد را در وقت … چشم را … کند	با کرفس و … بخورند
کاسنی	سرد و ترست و بعضی گویند خشکست	جگر گرم را سود دارد	دیر گوار بود	با [illegible] بهم خورند
کرفس	گرم و خشکست	سده را بگشاید	درد سر آورد	با کاهو بهم خورند
روغن بادام	معتدلست و در گرمی و تری معتدلست	سرفه و سینه و گلو را سود دارد	معده ورم آورده ضعیف را زیان دارد	مصطکی دفع کند

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
زعفران	گرم و خشک است	روی زرد را تازه کند و دل را خوش کند و [illegible]	چون بسیار خورند [illegible] باطل کند	انزر عظیم خورند
ماست تازه	تر است در گرمی و گرمی تسکین کند	سینه و شش را نفع دارد	تب و لرز آورد	نعناع تازه دفع کند
ماست ترش	سرد و تر است	تشنگی را بنشاند	دندان و گوشت و [illegible] زبان را دارد	دهن را با انگبین و آب بشوید
پنیر تازه	سرد و تر است	طبع را نرم دارد و [illegible] رغبت آرد	سده آورد	با انگبین و مغز جوز و مویز خورد
پنیر خشک	گرم و خشک است	طبع را قبض کند	سنگ و ریگ مثانه آورد	گوشت فربه تازه بپزد بخورد
کره تازه	گرم و تر است	سینه و گرده و [illegible] را سود دارد	معده را سست کند	با عسل و قند با هم خورند
کامخ	گرم و خشک است	اشتها زیادت کند	گوشت فربه و تازه خورند	تشنگی آورد
سماق	گرم و خشک است	اشتها زیادت کند	هضم را سست کند	
زیتون سبز	گرم و خشک است	قوت معده دهد و خوردنی هضم کند		با [illegible] چرب خورند

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
جوز هندی	گرم و تر است بسیار	زبان را تیز و زیرک و بول را روان کند	از معده دیر گوارد	خاییدن شکر دفع کند
خرمای تازه	گرم و تر است	معده را سود دارد	گلو را و دندان را زیان دارد	خشخاش بریان کرده و تخم خرفه دفع کند
سعد	گرم و تر است	درد امعا را ساکن کند و رطوبت از تن ببرد	خون را بسوزاند	خیار تازه سبز دفع کند
انجیر خشک	گرم و تر است	تریاق همه زهرهاست و گلو را نفع دهد	تشنگی و درشتی تولد کند	مغز گردو و مغز بادام دفع کند
خرنوب شامی	سرد و خشک است	اسهال خون و صفرا را سود دارد	از معده دیر گوارد	خاییدن شکر و گوارش عود و مصطکی نیک بود
شاه بلوط	سرد و خشک است	قوت تن و اعضا دهد	تاریکی چشم و بلادت آورد	چون بریان کنند نیک بود
عناب	گرم و تر است	خون را صافی کند و صفرا را زیر کند	باه را [illegible] کند و معده را سست کند	تخم خشخاش دفع مضرت کند
طرخون	گرم و خشک است	با طعام به هم پزند	تشنگی را زیادت کند و بیقرار کند	با کرفس بخورد دفع کند
نعناع	گرم و خشک است	قوت معده و جگر دهد	آب پشت اندک کند	با کاهو به هم خورند

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
روغن جوز	گرم و خشک است	معده و گرده سرد را سود دارد	دهان و حلق را زیان دارد	با خشخاش بهم خورند
روغن زیت	گرم و خشک است	هم اندرون را گرم کند	درد سر آورد	کامه و سرکه دفع کند
روغن [illegible]	گرم و تر است و نرم	غذا بسیار دهد	معده سست را ابلغ بعد	دار چینی و مصطکی دفع کند
آب غوره	سرد و تر است	صفرا را ساکن کند	سینه و عصب را زیان دارد	شکر نیز دفع مضرت کند
سرکه	سرد و خشک است	صفرا را ساکن کند و اشتها زیاده کند	بعصب و دماغ زیان دارد	حلوای شکر و عسل دفع کند
اشترغاز	گرم و خشک است	بلغم را بگدازد و قوت معده دهد	دماغ و عصب را زیان دارد	سرکه دفع مضرت کند
[illegible] رو بادرنگ	سرد و تر است	تپها را سود دارد و گرده گرم را نیک بود	درد معده و پیشاب آورد	عسل و مویز دفع کند
بادنجان	گرم و خشک است	معده را قوت دهد و اشتها آورد	دهن را زیان دارد و خلط سودا آورد	روغن بسیار و گرم گرم دفع کند
[illegible]	گرم و خشک است	معده را قوت دهد [illegible] سینه را نیک بود	روغن بسیار و گرم گرم دفع کند	با سرکه و انگبین خورند

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
بیضه مرغ خانگی	گرم و خشک است	معده و گرده سرد را سود دارد	دهان و حلق را زیان دارد	با خشخاش یا هم خورند
بیضه بط	گرم و خشک است	پیه اندرون را گرم کند	درد سر آورد	کامه و سرکه دفع کند
گوشت گوسفند	گرم و تر است	غذا بسیار دهد	معده سست را زیان بود	دارچینی و مصطکی و عسل دفع کند
گوشت بز	سرد و تر است	صفرا را ساکن کند	سینه و عصبه را زیان دارد	زبیب دفع مضرت کند
گوشت گوساله	سرد و خشک است	صفرا را ساکن کند و اشتها را	عصبه و دماغ را زیان دارد	حلوای شکر و عسل دفع کند
گوشت گاو	گرم و خشک است	بلغم را کم کند از و قوت دهد	دماغ و عصبه را زیان دارد	سرکه دفع مضرت کند
گوشت قلیه	سرد و تر است	غذا را هضم کند و جگر را زود	دماغ و ضعیف را زیان دارد	روغن گاو و ماست تازه دفع کند
گوشت آهو	گرم و خشک است	قولنج و افلاج و لقوه را سود دارد	اعصاب را خشک کند	به روغنها دفع کند
گوشت خرگوش	گرم و خشک است	زبان را گرم کند و قوت دهد	بی خوابی آورد	زیره و کشنیز و زنجبیل دفع کند

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
گوشت گور	گرم و خشک و غلیظ است	بردرهای بلغمی سود دارد و شکمبا خورند	دیر گوار بود و	با زنجبیل و دارچینی خورند
گوشت شتر	گرم و خشک است	خون گرم و سودا تولید کند	قولنج و ماخولیا آورد	با زنجبیل پرورده و شربت دفع کند
دوغبا	سرد و تر است و معتدل	صفرا را بنشاند	معده را زیان دارد	حلوای انگبین دفع کند
سماقبا	سرد و خشک است	سستی معده را سود دارد	بلغم را سود دارد	با روغن بادام و شربت
نخودبا	گرم و تر است	از همه اینها بر طبع ملایم‌تر را سود دارد	صفرا را انگیزد بعد	سرکه و آب غوره دفع کند
زیرباج	معتدل است	صاحب مزاج گرم را سود دارد	روده را زیان دارد	حلوای شکر دفع کنند
هریسه	گرم و تر است	قوت پشت زیاده کند	معده ضعیف را انگیزد بعد	با [illegible] و زیره دفع کنند
زرشکبا	سرد و خشک است	سینه و جگر را سود دارد	قولنج را زیان دارد	حلوای نان دفع کنند
کباب	گرم و معتدل است	[illegible] دیر آورد و [illegible]	تن را خشک کند	شراب [illegible] دفع کند

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
عرق بید	سرد و تر است	خفقان و ورم اعضا را سود دارد	در وی هیچ مضرت نیست	غیر آنکه خورند سود دارد
عرق کاسنی	سرد و تر است	جگر را خنک کند و حرارت صفرا بنشاند	سرد مزاج را زیان دارد	بجلاب قند و نبات و گوارش زنجبیل
عرق گاوزبان	سرد و تر است	دل را قوت دهد و [illegible] دفع کند	اندکی خشکی بر دماغ آورد	بجوارش و جلاب و قند دفع کنند
[illegible]	سرد و تر و غلیظ است	جگر گرم را سود دارد و غذا هضم کند	اعصاب را سست کند	شربت قند و جلاب و عرق بید خورد
آب باران	در وی اندک حرارت است	سینه و صدر را سود دارد	مبتلای گرم را زیان دارد	با سکنجبین دفع کند
آب یخ	سرد و خشک است	معده سست را قوت دهد و غذا هضم کند	سینه و گلو را زیان دارد	شراب کهنه دفع کند
برف و یخ	سرد و خشک است	غذا را هضم کند	بلغم و گلو را زیان دارد	شراب کهنه زود خورند
آب گرم	گرم است	معده بد را از بلغم پاک کند	معده و جگر را سست کند	با گلاب و عرق بید نیم خورند
شراب نو	گرم و تر است	سرفه کهنه را پاک کند و تن فربه کند	سده جگر آورد	شربت سکنجبین و حامض و انار دفع کند

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
شراب کهنه	گرم و خشک است	درد چشم کهنه را سود دارد روغ افزاید	اسراف خوردن جوانان را زیان دارد	شراب نارنج و آب غوره دفع کند
شراب زرد	عظیم گرم است	تریاق همه زهرها است	بناشتا خوردن قوت سردی برد	سیب ترش و [illegible] غوره دفع کنند
شراب سرخ	بسیار گرم است	دل را قوت دهد و فربه کند	جگر و کبد ضعیف را زیان دارد	شراب انار ترش و شراب ریواس و آب غوره دفع کند
شراب خام	غلیظ است	فربه و طبع را نرم کند	در هم تن سده پیدا کند	انار شیرین با لیموی پرورده دفع کنند
شراب انگبین	گرم و خشک است	مزاجهای سرد را در زمستان موافق است	صفرا را زیان دارد و درد سر آورد	تمر هندی و آلو سیاه و سکنجبین دفع کند
سبوت	گرم و خشک است	قوت شهوت را زیاده کند	دهن و دندان را زیان دارد	سکنجبین و شراب توت سیاه دفع کند
فرافم	گرم و تر است	گرده و مثانه را پاک کند و روی را تازه کند	[illegible] را زیان دارد	هلیله پرورده دفع مضرت کند
اقاغمیس	سرد و تر است	قوت شهوت زیاده کند و صفرا را تسکین کند	سده را بگیرد	زنجبیل پرورده دفع کند
شراب گندم	سرد و غلیظ است	تن فربه کند	سده را بگیرد و دماغ ممتلی شود	گلشکر و [illegible] دفع کند

واعوام را از جداول اخبار و آثار و تقاویم احادیث ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین الی یوم الدین
استخراج فرموده ومسمی بتقویم المحسنین نموده اما چون جواهر ابکار بیان معانی بدیعه آنرا از درهای لغت عربی
عروس فرموده ولالی شهوار مسایل مفیده آنرا از مخالفان زبان تازی استنباط نموده افهام عوام را ازادراک
آن حظی کامل حاصل و با وهام انام در تفهیم آن بهره شامل واصل نمی شد بنابراین بعضی از اخوان صفا و برخی
از خلان وفا که گلستان شبابش از ازهار زهد و صلاح آراسته و بوستان حیاتش از ازهار فوز و فلاح
پیراسته معارج اخلاق حمیده را براق سعی و اهتمام طی نموده و مناهج اوصاف پسندیده را بقدم جد و جهد تمام
پیموده اعنی مظهر آثار التوفیق والتایید ابن حاجی لطف علی حاجی محمد سعید ادام الله حیاته بالزهد والصلاح و
جعله من المهتدین الی طریق الفوز والفلاح بطریق التماس فرمودند که این منزوی خلوت عجز و انکسار
ابو محمد عباس بن محمد بیگ المتخلص بالناسخ القاجار ترجمه این رساله شریفه را بلغت فارسی بیان نماید و سر انگشت
تامل صحیح نقاب خفا از چهره این عروس زیبا بگشاید لهذا بمفتاح ترجمه ابواب این کنز المعانی مفتوح و به بیان
واضح متین متین این اسرار الحقایق مشروح شده بالهام ملهم تاییدی مسمی بتقویم سعیدی شد واله المستعان و علیه التکلان

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
شراب حماض	سرد و خشک است و لطیف	معده را قوت دهد	با عصاب زیان دارد و قولنج را موافق نبود	گلشکر و هلیله پرورده دفع کند
شراب نارنج	سرد و خشک است و لطیف	سرفه را موافق نبود و معده و دل را قوت دهد	سردی مزاج اندام را زیان دارد	زنجبیل پرورده دفع کنند
شراب لیمو	سرد و خشک است و لطیف	اشتها بیفزاید و غذا هضم کند و دل را قوت دهد	سرد مزاج را زیان دارد	گلشکر و کوارشی عود و عنبر دفع کند
شراب انار ترش	سرد و خشک است و لطیف	قی باز دارد و صفرا بشکند و اسهال را سود دارد	قولنج را زیان دارد	زنجبیل پرورده و هلیله پرورده دفع کنند
شراب انار شیرین	سرد و خشک است و لطیف	قوت دل و باه بیفزاید	صفرا را زیان دارد	شراب حماض و شراب لیمو دفع کنند
شراب سیب شیرین	معتدل است	دل را قوت دهد و خفقان را تسکین کند	صفرا را زیان دارد	شراب حماض و شراب لیمو دفع کنند
شراب سیب ترش	سرد و خشک است	معده گرم را سود دارد و قی و اسهال باز دارد	قولنج را زیان دارد	جلاب و قند و گلشکر دفع کنند
شراب به	سرد و خشک است	اشتها غالب کند و تشنگی بنشاند	حلق را خشک کند و قولنج را زیان دارد	لعاب بزرقطونا و گلشکر دفع کنند
شراب نیلوفر	سرد و تر است	گرم مزاج را سود دارد و ذات الجنب را فایده دارد	سرد مزاج را زیان دارد	گلشکر و گلنجبین دفع مضرت کند

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
سکنجبین	سرد و خشک است	تبهای بلغمی را نافع بود و در [illegible] فایده دهد	اسهال و قولنج را زیان دارد	گلاب نبات و گلنگبین دفع کند
گلنگبین	گرم و خشک است	دماغ را قوت دهد و معده را از بلغم پاک کند	صفرا را زیان دارد	سکنجبین و شراب حامض دفع کند
گلابشکر	گرم و خشک و لطیف	دل را و معده را قوت دهد	حلق را مجروح کند	لعاب بزرقطونا و تخم ریحان و قند و گلاب رفع کنند
بنفشه پرورده	سرد و تر است	سینه و سرفه را سود دارد	معده را سست کند	شراب نارنج و لیمو دفع کند
نعناع با سکنجبین	گرم و خشک است	معده سرد را گرم کند	بصفرا زیان دارد	شراب انار ترش خورند
زنجبیل پرورده	گرم و خشک است	معده را و گرده و مثانه سرد را سود دارد	محرور مزاج را زیان دارد	سکنجبین و شراب حامض دفع کند
پوست ترنج پرورده	گرم و خشک است	معده و جگر سرد را گرم کند و دل را قوت دهد	جگر گرم را موافق نبود	شراب حماض و انار ترش دفع کند
هلیله پرورده	گرم و معتدل است	قوت معده دهد و طعام را هضم کند	[illegible] گرم مزاج را زیان دارد	شراب انار ترش دفع کند
سنبه پرورده	گرم و تر است	قوت شهوت زیاده کند و [illegible] را سود دارد	خون سوخته تولد کند	سرکه و غوره و [illegible] دفع کند

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
بنفشه	سرد و تر است	بوییدن دماغ و دل را سود دارد	دماغ سرد را زیان دارد	بوییدن ترکس دفع کند
ریحان	گرم و معتدل است	سده دماغ را بگشاید و دل را قوت دهد	دماغ گرم را زیان دارد	بوییدن کافور دفع کند
سوسن	گرم و تر است	بلغم دماغ را تحلیل کند و درد سر سرد را ...	درد سر را از گرم زیان دارد	بوییدن نیلوفر دفع کند
شاهسپرم	سرد و خشک است	دماغ را سبک و خوش کند و دل را قوت دهد	دماغ سرد را زیان دارد	بوییدن نیلوفر دفع کند
عود	گرم و خشک است	بوی دهن را خوش کند و دماغ را قوت دهد و جگر را سود دارد	دماغ گرم را زیان دارد	کافور دفع مضرت کند
مشک	گرم و خشک است	قوت دماغ و دل دهد و چشم را روشن کند	دماغ گرم را زیان دارد	کافور دفع مضرت کند
کافور	سرد و خشک است	دل گرم را سود دارد و خون نیز باز دارد	قوت پشت را سست کند	عنبر و نیلوفر دفع کند
عنبر	گرم و تر است	دل را سود دارد و دماغ و دل را قوت دهد	صفرا و را زیان دارد	جیاد دفع کند
صندل	سرد و خشک است	درد سر و دل گرم را سود دارد	آواز را زیان دارد	گلاب و نبات دفع کند

نامها	طبیعت	منفعت	مضرت	دفع مضرت
فستق	گرم و خشک است	تریاق سموم حیوانات است دماغ و دل و جگر را قوت دهد	بصفرا زیان دارد	به انار و آلوی ترش یا خشک دفع کند
فندق	گرم و خشک است	دماغ را قوت دهد	بمعده گران بعد	بخایند و انگبین دفع کند
گوارش مسکی	گرم و خشک است	معده را قوت دهد و بلغم را [illegible]	بجگر گرم زیان دارد	شراب حماض دفع کند
گوارش عود	گرم و خشک است	معده را قوت دهد و بهبود جگر را سود دارد	معده و جگر گرم را زیان دارد	شراب حماض دفع کند و شراب انار ترش نیز دفع کند
حمام	گرم و تر است	تمام [illegible] حمام معتدل سود دارد	مزاجهای گرم را زیان دارد	شربتهای خنک بعد خورند
هوای بهار	گرم و تر است	جمله اعضا را سود دارد	تنی را که گرم با خلط بعد زیان دارد	شربتهای خنک بعد خورند
هوای تابستان	گرم و خشک است	تن را گرم و خشک کند	صفراوی مزاج را زیان دارد و ضعیف را	شربتهای لطیف خورند
هوای پاییز	سرد و خشک است	هیچ جانوری را موافق نبود	امراض عصبانی و سل را زیان دارد	بگرمابه رفتن نیک بود
هوای زمستان	سرد و تر است	قوت هاضمه زیاده کند	بلغم زیاده کند	خانه گرم و [illegible]

دفع مضرت	مضرت	منفعت	طبیعت	نامها
با پنبه بهم بافند	بعریت تن را پاک کند	مردم را قوت دهد و در را ادرار کند	گرم و لطیف است	جامهٔ ابریشم
زیبق کشته در مالند	بیکی در افکند	تن محکم کند فربه سازد تابستان بعد	بیرون گرم و اندرون سرد است	جامهٔ پنبه
با ابریشم بهم بافند	بعد شیران کتان خون را کم کند	آنکه مزاجش گرم دارد تابستان بپوشند	بیرون سرد و اندرون گرم است	جامهٔ کتان
با جامهٔ پنبه بهم بپوشند	خون را گرم کند	مردم سرد مزاج را موافق بود	گرم و لطیف است	جامهٔ قصب
در هم وقت پوشیدن نیکو بود	در وی مضرت نیست	قوت باه و پشت افزاید	در را قوت دهد	جامهٔ زرین
در زیر ابریشم بپوشند	گرم مزاج را زیان دارد	سرد مزاج را سود دارد	گرم و تر است	پوست [illegible]
در زیر جامهٔ ابریشم قرمزی بپوشند	گرم مزاجان را ناموافق	پیران را موافق بود	گرم و معتدل است	سنجاب
در زیر جامهٔ ابریشم	جوانان را خون بسوزاند	پیران را موافق بود	گرم با اعتدال است	قاقم
در زیر جامهٔ ابریشم بپوشند	جوانان را موافق نبود	پیران را موافق بود	سرد غلیظ است	برطاس

جدول احکام خوابها بر حروف ابجد

هو

خواب از دو او حیات است عقل معلوم است که علم تعبیر دینی علما و ارباب
وکذا از علمهای دیگر شریف تر است و دانش
دین علم تعبیر بلکه خواب است جبلت اورده اند بکرات از علمای
اولیا غیب است نمود و ارادت سلطان محمد رسید الحق صحبت
که ملازم حضرت او شده براین مقصود و دولت
که از جمله فرستش نزدیک او از درک ممکن نشد التماس کرد
منفعه و درسیت و نه حرف ناجی و حروف انقیاد
احاس نکاه و ناهر ان کتاب الاعداد قواعد علم را
مقصود طالع شعر طریق بقیش ایست که
درضوابط نام اند ابجد زبان را اند اول
حرف الف با برو اول ابجد را
میلید حرف اول او بیت
باشد و عالم ا
القیاس

ا	دلیل کند بر نیکوی کارها و یافتن مراد	ع	دلیل کند بر دلخوشی و بزرگی و صواب
ب	دلیل کند بر ترقی جاه و جلال و منزلت	ف	دلیل کند بر پریشانی احوال و ظلم
ج	دلیل کند بر تایید و نصرت و ظفر	ص	دلیل کند بر کمال دانش و عقل و رای
د	دلیل کند بر نیکوی کارها و یافتن مراد	ق	دلیل کند بر صدق و دیانت و راستی
ه	دلیل کند بر نامرادی و رنج از ملوک	ر	دلیل کند بر ریاست و بزرگی یافتن و مرتبت
و	دلیل کند بر صعوبت و دشواری کارها	ش	دلیل کند بر شر و فتنه و بد اعتقاد
ز	دلیل کند بر دولت و سعادت و مال در سفر	ت	دلیل بر کند بر تایید و امن و راحت
ح	دلیل کند بر یافتن بزرگی و حصول سعادت	ث	دلیل کند بر حصول مراد و نیکوی کار
ط	دلیل کند بر زهد و تقوی و غنیمت	خ	دلیل کند بر یافتن مراد و سعادت
ی	دلیل کند بر نیکوی و کثرت طاعت و مراد	ذ	دلیل کند بر تضاعف جاه و علو رفعت
ک	دلیل کند بر سعادت و برخوردار	ض	دلیل کند بر ظفر و نصرت یافتن بر اعادی
ل	دلیل کند بر شرف و بلندی و فرخ هستی	ظ	دلیل کند بر بدی کارها و رنج و مشقت
م	دلیل کند بر کمال دیانت و صدق و راستی	غ	دلیل کند بر امانت و راستی و صدق
ن	دلیل کند بر پشیمانی آوردن از معصیت	لا	دلیل کند بر خوشی کار
س	دلیل کند بر پشیمانی بردن در کارها	ئ	دلیل کند بر بد احوال و نقصان مالی

بقیۂ جدول اختلاجاتِ الاعضا و دلایل آن

عضو / برج	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبلہ	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
بند دست چپ	اقبال	ظفر	عزیز	راحت	زیارت	غم	اندوہ	اندوہ	خطر	عزیز	عزیز	جاہ
پنجہ دست راست	خیر	کامرانی	ظفر	بیماری	راحت	زیارت	جاہ	بیماری	غم	غم	غم	بیماری
پنجہ دست چپ	خیر	خرج	عجیب	سفر	نقصان	سفر	عجیب	بیمار	غم	عزیز	غم	بیماری
کف دست راست	اقبال	رقیب	عزت	شغل	جلوت	غم	خیر	غم	سفر	غم	ظفر	عزیز
کف دست چپ	دلداری	منفعت	زیارت	غم	خلافت	جاہ	عزیز	جاہ	غم	غم	غم	عزیز
انگشتان دست راست	خیر	خرچ	غم	دولت	سفر	غنیمت	دولت	خیر	اوج	خیر	غم	غم
انگشتان دست چپ	غم	غم	غم	خیر	خرچ	عجائب	ماتم	خرچ	خیر	فرح	خیر	عزیز
سینہ جانب راست	غم	غم	جاہ	جاہ	تحویل	دولت	عزیز	صلابت	عزیز	سلامتی	غم	غم
سینہ جانب چپ	سفر	سفر	جاہ	غم	عمارت	غم	غم	عزیز	زیارت	غم	زیارت	فرح
پستان جانب راست	سفر	سفر	عجائب	جاہ	سعادت	غم	ظفر	رقیب	ظفر	زیارت	فرح	عمارت
پستان جانب چپ	محنت	غم	غم	ظفر	بیماری	اقبال	خرچ	غم	سرور	جاہ	عمارت	ظفر
پہلو جانب راست	منفعت	فتح	غم	غم	اقبال	نقصان	غم	اقبال	خوشی	خطر	رنج	کامرانی
پہلو جانب چپ	حال نیک	خیر	کرامت	عزیز	عزیز	عزیز	زیادتی	عمارت	غم	اخبار	مراد	نعمت
قلب گاہ	خیر	وزر	عزیز	زینت	فرح	کرامت	بنیاد	نزدیکی	نعمت	غم	کامرانی	کامرانی
تہیگاہ جانب راست	غم	فرح	غم	غم	جاہ	بنیاد	نزدیکی	بزرگی	نیت	کرامت	غم	نعمت
تہیگاہ جانب چپ	غم	غم	بیماری	عزیز	زنگ	امید	امید	غم	منفعت	منفعت	غم	غم
شکم جانب راست	نصرت	بیماری	غم	بیماری	نقصان	جاہ	نیکویی	بیماری	سفر	کرامت	زیارت	پدر
شکم جانب چپ	بیماری	جاہ	خیر	جاہ	عزت	عجیب	سفر	رقیب	غم	زیارت	سفر	کرامت
پشت جانب راست	غم	غم	نصرت	غم	بغض	خیر	غم	بیماری	اقبال	خیر	خرچ	مسرت
پشت جانب چپ	ظفر	غم	خیر	نعمت	عزیز	اندوہ	خیر	نعمت	فرح	دولت	کلام	غم

ترجمه خطبه که جناب آخوند تحریر نموده و فهرست مقاصد این رساله بیان فرموده

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد مر خدای را که آفرید ما را با حسن تقویم و هدایت فرمود ما را بنهج قویم و صراط مستقیم و شکر واجبی را
که بخشنده حیات بر عالمین و افراشته آسمان بر بالای زمین تقویر کننده اسباب و امور و تدبیر کننده ازمنه
و دهور ظاهر کننده لیل و نهار و محرک فلک دوار و صلوات بر پیغمبری که فرستاد او را از برای تقویم دین
مبین و راه نمودن طریق یقین یعنی محمد و آل او که منزه اند از ارجاس و ذنوب و مقدس اند از ادناس و عیوب
اما بعد چون دیدم جمعی را از خواص انام جز جای جهال و عوام یعنی قطع نظر از عوام کرده جمعی که بفنون
معارف موصوف و بعلم و تقوی معروف بودند رجوع میکردند در ملاحظه ایام در اکثر مطالب و مرام بتقویمی
که جمع کرده اند از منجمان عالم بودند باز باحکام اینطایفه رجوع مینمودند و التفات نمیکردند با جز روایت
شده از ائمه کرام از احکام ظهور سعد و نحس ایام پس تالیف کردم این رساله را بحسن ترتیب و نظام مشتمل بر خواص
احکامی که وارد شده است از احادیث درین مقام و متغیر نمیشود ترتیب این احکام به تبدیل شهور و اعوام
یعنی چنانکه تقویم منجمین باطل میشود بتحویل سال و تغییر می یابد به تبدیل ازمان و احوال احکام ائمه کرام ازین
قبیل تغیر مصون و ازین نوع تبدل مامون است و نام کردم اولا این رساله را بتقویم المحسنین فی معرفة الایام
والاسبوع والشهور والسنین و ثانیا باحسن التقویم طوبی لمن عمل بها یعنی عمل باحکام این ساعات موجب
تحصیل علو درجات خواهد بود و گردانیدم این رساله را ناسخ احکام منجمین و مبطل اقوال کاهنین تا سالک
شود عالم باین علم الیقین در زمره جمعی که فرموده حق تعالی ان الله لمع المحسنین و عمل کنند باین مضامین
از برای قرب برحمت اله العالمین که ان رحمة الله قریب من المحسنین و نیست فرد من مگر جزای احسان
وزمین که ان الله لا یضیع اجر المحسنین و ترتیب دادم این رساله را بر یک مقدمه و یک فصل و چند
جدول و یک خاتمه و یک تکمله و یک نصیحت اما مقدمه در انچه وارد شده از معدن رسالت رب العالمین
در نهی از تصدیق قول منجمین روایت از رسول صلی الله علیه و آله و سلم که هرکه تصدیق تعلم نجوم نماید ابواب
روی اعتقاد خود گشته مترجم گوید که مراد بایمان داشتن بعلم نجوم چنانکه از اخبار معلوم است

جدول معرفت دانستن غرّهٔ هر ماه عربی

بگیر از هجرت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم که غرهٔ هر ماه چه روز خواهد بود
و بیست بیست سال طرح کن الخ هر چه باقی ماند از هشت هشت طرح کن
انگاه نظر کن اگر یک باقی ماند در خانه ه نظر کن و اگر دو باقی ماند در خانه ج نظر کن
و اگر سه باقی ماند در خانه ز نظر کن و اگر چهار باقی ماند در خانه ب نظر کن
و اگر پنج باقی ماند در خانه ص نظر کن و اگر شش باقی ماند در خانه ا نظر کن
و اگر هفت باقی ماند در خانه د نظر کن و اگر هشت باقی ماند در خانه و نظر کن
از قول امام جعفر صادق علیه السلام

	خانه ه	خانه ج	خانه ز	خانه ب	خانه ص	خانه ا	خانه د	خانه و
محرم الحرام	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	شنبه
صفر	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه
ربیع الاول	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه	سه‌شنبه
ربیع الاخر	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	یکشنبه	پنجشنبه
جمادی الاول	سه‌شنبه	یکشنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه
جمادی الاخر	پنجشنبه	سه‌شنبه	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه
رجب المرجب	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه
شعبان المعظم	یکشنبه	جمعه	سه‌شنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه
رمضان المبارک	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	یکشنبه	پنجشنبه
شوال	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	شنبه
ذی القعده	پنجشنبه	سه‌شنبه	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه
ذی الحجه الحرام	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه	سه‌شنبه

جدول معرفت دیدن ماه نو که بچه نگاه باید کرد

البروج	الاختیارات	محذورات	الشهور	از قول امام جعفر صادق علیه السلم
الحمل	در آتش افروخته نگرد	با زنان سخن نگوید	محرم	در آب روشن یا در آیینه یا در نگین فیروزه نگرد
الثور	در کاو و کوساله فربه نگرد	در وحوش ننگرد	صفر	در دست خود یا در روی کودک نابالغ نگرد
الجوزا	در مردمان عالم و زاهد نگرد	در جوانان ننگرد	ربیع الاول	در روی زنان در آب روان نگرد
السرطان	در آب روان نگرد	در خر سیاه ننگرد	ربیع الاخر	در روی زن خود یا در دست خود نگرد
الاسد	در آسمان نگرد	در زنان ننگرد	جمادی الاول	در آیینه یا در طعام نگرد
السنبله	در روی دختر بکر نگرد	در دود و نجاست ننگرد	جمادی الاخر	در مصحف بعد از آن در دست خود نگرد
المیزان	در آیینه صاف نگرد	در نجاست ننگرد	رجب	در روی خداوند دولت نگرد
العقرب	در روی مرد خوب نگرد	در سیاهی ننگرد	شعبان	در روی سلطان نگرد
القوس	در زر و جواهر نگرد	در روی آدم دیوانه ننگرد	رمضان	در روی مرد بزرگ نگرد
الجدی	در زنی نگرد	در روی زنان ننگرد	شوال	در نگین فیروزه یا در روی حلال خود نگرد
الدلو	در مصحف نگرد	در زنان ننگرد	ذی قعده	در حلقه انگشتر نگرد
الحوت	در جواهر و فیروزه نگرد	در جراحت ننگرد	ذی حجه	در چیزهای پراکنده نگرد

جدول معرفت دانستن احوال بیمار کہ بمیرد یا بزید

چون کسی بیمار شود و خواهد کہ بداند زود صحت یابد یا بمیرد یا بیماری وی دراز کشد یا اندک بگیر

نام بیمار را بحساب جمل و عدد ماه عربی بران زیاده کن انکہ بیست و بیست و نه طرح کن بیست و نه بماند یا کمتر

پس در این دایره طلب کن اگر ربع ناری افتد بیمار زود صحت یابد و اگر ربع هوایی افتد

بیماری دراز کشد و عاقبت نیک شود و اگر در ربع ارضی افتد بیمار زود بمیرد

و اگر در ربع مائی افتد بیماری وی دراز کشد و بمیرد والله اعلم

بحقایق الامور

جدول معرفت بازنمودن صورت

بدانکه رکنی از ارکان پنجگانه
دین مسلمانی کردن بدان قایم است
در نماز است و از انجمله
شرایط صحت هم استقبال
قبله است که هرکجا
که باشند
روی سوی
کعبهٔ معظمه
عمرها الله
تعالی وتقدس
باید کردن و
بنص قرات
مجید بدان ناطق
است پس در این دایره
صورت

خانه کعبه وجهات قبله

خانه کعبه وجهات قبله وقبلهای
ربع مسکون پدید کردیم
که هر کجا که باید روی
بکعبه معظمه چون اورد
وقبله کاهشان چه
جای بود از کواکب
تا نبد الجدی طلوع
وغروب کنند
هر یکی بکدام
جهة باشند
وچکونه بدان
استدلال باید
کردن تا
معلوم شود والله
اعلم بالصواب

جدول معرفت زیاده ونقصان شدن ضوء قمر

بدانکه ضوء ماه ذاتی نیست مرجرم انرا ملکه نوروی از افتاب که اکتساب میکند و کاستن
وافزودن نور او را علت از دوری و نزدیکی افتاب هست و در این دایره معلوم توان کرد
از کاستن وافزودن ان و در حلیه سیمای ماه چنانکه از اول ماه تا منتصف هر شبی جه قدر نوروی
زیادت و بعد از چند ساعت گذشته هر شب غروب و طلوع میکند بدین کرداد و صورت
دایره اینست والله اعلم بالصواب

جدول معرفت احکام قوس و قزح و احکام ذوذوابه

حکما متفق اند که قوس و قزح شعاع آفتاب است که بر بخار تر افتد و آن وقتی ظاهر شود که ابر لطیف شفاف صاف در جانب مشرق یا مغرب پیدا گردد و در پس آن ابر کثیف سیاه همه یا کوه واقع شود پس آن ابر مثابه آیینه گردد و چون عکس آفتاب برانجا افتد برنگهای مختلف پیدا شود بدانجهت که بر گرد قرص آفتاب دو قطعه دیگر تاریکتر است که محیط قرص نورانی آفتاب است در هر مرتبه که واقع شود احکام آنرا از بروج معلوم نمایند

ذوذوابه بخارات ارض است که از زمین مرتفع شده بکره فلک قمر متصل باشد حکم او را از بروج طلب کنند که آفتاب در وی باشد بعضی از نیم شب او را مغربی گویند بنوعی که خدام خواجه نصیر الدین محمد طوسی از او وضع نموده در این جدول مسطور است

این شکل را که پر لون باید کرد
و اگر سبزی غالب باشد دلیل ایمنی و فراخی نعمت باشد و اگر سرخی غالب باشد دلیل حرب و قتال و اگر زردی غالب باشد بر بدی حال مردم است

ء	نعمت فراخ گردد	ء	در مغرب قحط شود	ء	قتل پدید آید	ء	بابل خراب شود
ا	بدی زنان باشد	ا	فراخ نعمت پدید آید	ا	فتنه و آشوب فتنه	ا	مردم بدی نمایند
ب	ضعف حال عمال باشد	ب	وبا پیدا گردد	ب	قحط و عسرت پدید آید	ب	ملخ غله را تباه کند
ج	نعمت بسیار باشد	ج	ضعف ملوک بود	ج	دزدان غلبه کنند	ج	بدی حال [illegible] باشد
د	ایمنی پدید آید	د	فراخ نعمت بود	د	مردم بدی کنند	د	زنا آشکارا کنند
ه	دزدان پدید آیند	ه	وبا پیدا گردد	ه	کثرت دزدان باشد	ه	رعیت بدی کنند
و	خلاف زیاد	و	نعمت ارزان گردد	و	خلایق بدی کنند	و	عزت ملوک باشد
ز	امن و سکون باشد	ز	نعمت و غله بسیار گردد	ز	خونها ریخته گردد	ز	اراجیف پیدا شود
ح	غله بسیار گردد	ح	ارزانی نرخ شود	ح	آفت مردم باشد	ح	فتنه پدید آید
ط	نعمت ارزان شود	ط	فراخ نعمت بود	ط	قتل واقع گردد	ط	غوغا پیدا شود
ی	آفت عظیم شود	ی	قحط و تنگی شود	ی	تنگی و فتنه بود	ی	[illegible]
یا	نکبت قضات بود	یا	بهار ارزان باشد	یا	کشتیها غرق شود	یا	قتل پدید گردد

اوضاع فلکیست در جزئیات عباد و بلاد بطریق خلق و ایجاد والا مجرد عمل کردن باحکام منجمی
منتظم در زمرهٔ فاسقان خواهد بود والله اعلم واز عبدالملک بن اعین روایتست که عرض کردم بحضرت
صادق علیه السلام که مبتلا شده ام در علوم بعلم نجوم پس چون اراده کنم حاجتی را و طالع را بد یابم ازان حاجت
باز ایستاده بطلب ان نشتابم و هرگاه طالع را نیکو بینم در طلب ان از پای ننشینم امام فرمود که ان حاجت
برمی آید گفت اری امام فرمود کتابهای خود را بسوز یعنی شمع اعتقاد را از نور این علم میفروز واز هشام خفاف
روایت شده که حضرت ابی عبدالله علیه السلام خطاب بمن کرده فرمودند چگونه است بصیرت تو در علم نجوم یعنی
ترا معرفت این علم تا چه قدر معلوم است هشام گفت از عراق داناتر از خودی را درین فن نگذاشته ام
بعضی خود را اعلم اهل عراق پنداشته ام امام فرمود چگونه است گردش آسمانها نزد شما هشام گفت پس گرفتم
کلاه خود را و دوران دادم یعنی حرکت افلاک را بنا برین مثال نهادم امام فرمود پس چرا امر نمیشنند بنات
النعش و جدی و فرقدان مگر در جانب قبله یعنی نظر باین مثال بنوبت کواکب مذکوره در یک محل محال خواهد بود
هشام گفت بخدا قسم که درین معنی بمعرفتی نرسیده ام و از اصحاب این علم نیز نشنیده ام پس امام فرمود که چند جزء است
نور سکینه از نور زهره یعنی تفاوت مقدار این دو نور بچند جزء محسوس است هشام گفت که بخدا قسم که نام
این کوکب را نشنیده ام و کسی را که داند نیز ندیده ام فرمود ساقط کردی کوکبی را که منشأ احکام است پس حساب
شما درین باب چگونه تمام است باز فرمود چند جزء است نور زهره از نور ماه هشام گفت این سریست از اسرار
و نداند آنرا کسی بغیر از پروردگار امام فرمود پس چند جزء است ضوء قمر از ضوء آفتاب هشام گفت نمیدانم در
این ماه جز سلوک طریق عجز نمیتوانم امام گفت راست میگوئی و طریق انصاف می پوئی پس حیثیت حال دو لشکر
که ملاقات میکنند مگر یکدیگر را از برای قتال و هر یک را منجمیست از برای استخراج احوال که هر یک بحساب نجوم ساعتی
اختیار نماید که غنچه مقصود خود را بنسیم فتح و ظفر گشاید پس در هنگام مقاتله ان دو لشکر ظاهر است که یکی را
شکست رسد و یکی را ظفر پس درین مثال معلوم کجاست تاثیر نجوم یعنی بظهور پیوست که ان دو حاسب را از نزد
نجوم خبری و حکم اینها را در حصول مطلوب اثری نیست هشام گفت بخدا قسم که مراد در مقدمات این دلایل
علم حاصل نشده امام فرمود راست گفتی و حق را در پردهٔ باطل نهفتی لیکن نمیدانم این علم را مگر کسی را که عالم

جدول معرفت سیر مقامات رجال الغیب در شهور عربیه

هر بامداد و بعد از صبح و فراغ اوراد شب یا روز هر که را مهمی پیش آید و متحیر گردد استعانت جوید در غزه استعانت جنانست که اول روی بجانب ایشان و بجز ونیاز بیش آورد اول بر حضرت پیغمبر صلوات الله علیه هفت بار صلوات فرستد و بعد از آن این دعا بخواند
السلام علیکم یا رجال الغیب یا ارواح المقدسة اعینونی بقوة وانظرونی بنظرة واجیبوا بی بغوة واعینونی بغوثة یا رقباء یا نقباء یا نجباء یا ابدال یا اوتاد یا قطب یا غوث اعینونی فی الله بحرمة محمد صلی الله علیه وآله وسلم برحمتک یا ارحم الراحمین انگاه پشت یا میل بجانب ایشان کند انچنانکه گرتکیه بر جای کند انگاه چنان در خاطر آورد که استظهار من بشما است حاجت مرا روا کنید و مرحمت از من باز مگیرید و مرا معاونت نمایید انگاه بمهمی که دارد روان گردد از امام جعفر صادق روایتست که باید غسل کند و خلوت گزیند و در خواندن سخن نکند و بوی خوش بسوزد و دل متوجه دارد تا مراد بر آید و اقطاب هر روز از اطراف عالم متوجه اند و فیض و مدد باهل عالم میرسانند قطب الاقطاب و رجال الغیب عبارت از ایشانست و ایشانند که هر صبح در مکه معظم حاضر شوند باطراف عالم سیر فرمایند

المشرق	زیدکب کط بشرقستان	وکا کح جانب ایشان	بیان شمال و مشرق
	۷ ۱۴ ۲۲ ۲۹	۶ ۲۱ ۲۸	
الشمال	ج بر کج ل شمال اندر	ه یج کہ رکن باید دادن	بیان شمال و مغرب
	۳ ۱۵ ۲۳ ۳۰	۵ ۱۳ ۲۰	
المغرب	دیب یط کز سوی مغرب	ب ی یز کہ بہ یثرب خوان	بیان جنوب و مغرب
	۴ ۱۲ ۱۹ ۲۷	۲ ۱۰ ۱۷ ۲۵	
الجنوب	ا یا یح کو جنوبے باین	ط یو کد باکنف دات	بیان جنوب و مشرق
	۱ ۱۱ ۱۸ ۲۶	۹ ۱۶ ۲۴	

و در نسخه دیگر نوشته بود که بعد از دعای که مذکور شد در طلب استعانت از رجال الغیب این دعا نیز باید خواند اللهم یا حافظ نوح فی الماء و یا حافظ موسی فی الیم و یا حافظ یونس فی البطن الحوت و یا حافظ ابرهیم فی النار و یا حافظ یوسف فی الجب و یا حافظ محمد و عترته فی الغار احفظنی من شر خلقک یا الله برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین البته باید که با وضو باشد و در جای خلوت پاک که با کسی سخن نکند و احدی بر احوال او اطلاع نداشته باشد ... و اسرا

جدول احکام غالب و مغلوب

این جدولیست از تصانیف ارسطاطالیس حکیم که بجهت اسکندر ذوالقرنین وضع کرده بود
و در حرب و مقاتله شروع نکرده تا معلوم نمیکرده که غالب بودن از کدام جانب
خواهد بود و طریق شناختن ان انست که نام هر شخص را یا لقب یا کنیت فی الجمله بانچه
مشهور ترست حساب ابجد حمل بگیرند و نه نه طرح کنند و به بینند تا چند ماند و انچه
بماند از هر یک پس درین جدول نظر کنند هر جا که ببینند مقصود بحصول بپیوندند
و رقم سرخ غالب هست و سیاه مغلوب هست اگر برابر یابند دال بران باشند
که در میان ایشان صلح واقع شود و اگر چنانچه شخصی در حساب غالب اید حکما
متفق اند که انچه بحسب عمر خود تر باشد ظفر و غلبه او را بود و هرگاه شخص در رقم غالب
آید انکس شخصی را از قبل خود وکیل سازد که در حساب اسم بر مدعی غالب باشد
که او مباحثه و مجادله نماید تا مهمات بمدعای او گردد والله اعلم

و احکام ایام فصد در شهور

حکما چنین فرموده اند که نفع و ضرر فصد کردن بزیاده
و نقصان نور ماه تعلق دارد چون ماه در اجتماع
اید یا رسیدن باستقبال هر روز مضرتی و علتی
پیدا اید و از استقبال تا رسیدن باجتماع هر روز
فایده دهد و ازین جدول نفع و ضرر معلوم
میشود والله اعلم بالصواب

روز	حکم	روز	حکم
١	پیچواپی اورد	١٦	نقصان ندارد
٢	ضعف دماغ	١٧	تن در صحت بود
٣	درد سر ارد	١٨	خلاصی از درد شکم
٤	ضرر رگها بود	١٩	تا یک سال بود
٥	زردی روی اورد	٢٠	خلاص از رنجها
٦	لرزه اندام برد	٢١	روشنی دل بیفزاید
٧	مرگ مفاجات ارد	٢٢	دل را قوی کند
٨	درد شقیقه اورد	٢٣	خوشدلی اورد
٩	درد اندام ارد	٢٤	زرد روی را ببرد
١٠	رنج و الم رسد	٢٥	روشنی در ذهن اورد
١١	ماخولیا اورد	٢٦	خلاصی از بیماری
١٢	درد اعضا اورد	٢٧	از خوف ایمن شود
١٣	ضعف بخت اورد	٢٨	از هر درد [illegible]
١٤	خارش اورد	٢٩	از مرض برهد
١٥	قولنج اورد	٣٠	ضعف [illegible] در برد

یکم	و	ز	ح	ط	ا	ب	ج	د	ه
دویم	ج	ط	ا	ب	ح	د	ه	و	ز
سیم	ه	و	ز	ح	ط	ا	ب	ج	د
چهارم	ز	ج	ط	ا	ب	ج	د	ه	و
پنجم	د	ه	و	ز	ج	ط	ا	ب	ج
ششم	و	ز	ج	ط	ا	ب	ج	د	ه
هفتم	ج	د	ه	و	ز	ج	ط	ا	ب
هشتم	ه	و	ز	ج	ط	ا	ب	ج	د
نهم	ب	ح	د	ه	و	ز	ج	ط	ا

بموالید جمیع مخلوقات و عارف است بوقایع جمله کاینات یعنی امام علیه السلام انتهی الحدیث پس ظاهر شد
از انچه گذشت از اخبار که هیچکس را از علم نجوم بهره نیست مگر ائمه اطهار نه جمعی از منجمان که اعتماد میکنند
در استدلالات بمبادی ظنیات که اکثر ان ناشی از نادانی و عاری از تمهید مقدمات برهانی است بلکه
در احکام خود دعوی تجربه مینمایند و مع ذلک ابواب شروط تجربه را بمفتاح تامل صحیح نمیگشایند و بسیاری
از قیاسات خود را بنابر شعریات میگذارند و مسایل علوم نجوم را مستنبط از خیال می شمارند یا از مقدمات
یا از مقدمات خطابیه تالیف دلیل خود می نمایند و منهاج علم الیقین را بقدم عام فریبی می پیمایند پس
معلوم شد از این کلام هدایت نظام که اعتقاد بر قول منجمان در احکام نباید کرد بلکه نهی واقع شده از سعادت
علم الیقین از تصدیق قول منجمین نقل مشهور است که در سال پانصد و هشتاد و یک هجری قران زحل و مریخ
در برج میزان که برج هوائیست واقع شد پس جمعی از منجمان و از انجمله انوری شاعر مشهور بود حکم نمودند که
در فلان روز قانون علم نجوم و حساب معموره روی زمین از باد خراب خواهد شد بنابراین مردم ان زمان
ابواب خوف و هراس بر روی خود گشادند و در زیر زمینها عمارتها بنا نهادند و جمیع مردمان از ترس
در ان امکنه بسر میبردند و تا رسیدن روز موعود روز می شمردند پس چون روز وعده وزیدن باد
رسید بهیچ وجه در ان روز بادی نمی وزید پس سلطان طول فرمود که چراغی در سر مناری روشن سازند
تا مردمان اینه اعتقاد خود را از زنگ تصدیق بنجوم بپردازند اتفاقا ان چراغ تا هنگام صبح و
در روشنی می افزود و چندان باد نوزید که متحرک شعله ان چراغ تواند بود بعضی از اکابر چون این حکم را
ملاحظه نمودند درین باب این بیت را انشا فرمودند شعر گفت انوری که از اثر بادهای سخت
ویران شود عمارت پس کوه و برزه در روز حکم او نوزیده است هیچ باد یا مرسل الریاح تو دانی و انوری
فصل در تقدیر ایام و شهور و سنین نزد اهل شرع اهل روم و اهل فرس و منجمین پس مشهور است که شبانروز
در عرف ارباب شرع و کتب عبارتست از فرو رفتن افتاب که علامت ان در امارات شرعیه استتار

قرص است تا ذهاب حمرهٔ مشرقیه علی اختلاف الآراء تا زمان مثل آن یعنی از غروب تا غروب
بیک شبانه روز محسوب است و اما اعتقاد اهل روم و منجمان آن مرز و بوم طلوع آفتاب و برغم اصحاب
نجوم و استدلال از هنگام زوال است تا زوال و روز در عرف اهل شرع از طلوع فجر ثانی که علامتش
روشن شدن افق شرقی است بشکل مخروطی مستطیل تا هنگام غروب آفتاب و در اصطلاح نجومیان
از طلوع آفتاب است تا غروب آفتاب و نظر بمعنای روز که در مذاهب متواتر است شب نیز بنقیض
اعتبار ظاهر است اما ماهها پس نزد اهل شرع ماه معتبر است بر قمر پس ماه در عرف ایشان چنانچه مقرر است
در حساب عبارتست از زمان مفارقت قمر وضعی را برای او مفروض داشت با آفتاب و ماه را نظر بقرب
و بعد آفتاب در هر وضعی شکلی حاصل و هیئتی زایل میگردد ترجم کوبه وضع در اصطلاح حکما عبارتست
از نسبت بعض از اجزای جسم ببعض دیگر یا نسبت آن اجزا بجسمی خارج از آن جسم معتبر و چون در عرف ارباب
حساب نور ماه مکتسب از آفتاب پس در هر وضعی از اوضاع بلکه در هر حالی از احوال از شکل هلالی
تا بدری شکلی از اشکال حادث میشود پس زمان مفارقت هر وضعی از اوضاع مذکوره را شهر میخوانند
و مبدا این زمان را که مسمی بماههای عربی است هلال میدانند چنانکه مصنف دام ظله میفرماید که گردانیده
اند اهل شرع مبدء ماه را شکل هلال و مختلف میشود باختلاف مکانها در هر حال پس ماه باعتبار سیر
قمر از زمان هلالی تا هلال دیگر گاه هست که بسی روز محقق می پذیرد و گاه هست که به بیست و نه روز
نظام میگیرد پس از هلالی تا هلالی مسمات بشهر هلالی و ماههای عربیه میان خاص و عام مشهور و نام
آنها در السنه و افواه مذکور است و اما سال در عرف این قوم عبارت از دوازده ماه است از ماههای
عرب چنانچه خدای تعالی ارشاد باین معنی نموده در مقامی که فرموده ان عدة الشهور عند الله اثنا عشر
شهراً فی کتاب الله یعنی بدرستیکه عدد ماهها دوازده ماه است در کتاب خدا یعنی اهل شرع پس ماه
بقانون حساب معتبر است نسبت بر آفتاب پس ماه حقیقی نزد ایشان عبارتست از حلول آفتاب

در برجی از بروج اثنی عشر تا هنگام حلول کردن برجی که تالی اوست بسیر مقرر پس اختلاف زاید و ناقص
شهور نظر بامتداد ازمنه و دهور معلوم از ماندن آفتاب است بمکث مقرر در هر برجی از بروج اثنا عشر
پس آفتاب در هر برجی زیاده بر سی و یکروز دوازده ساعت مکث نمی پذیرد و کمتر از بیست و نه روز و نه
ساعت در هر برجی مقام نمیکند پس ماه فارسی عبارتست از حلول آفتاب در اول برجی از بروج تا داخل
شدن ببرج تالی از برج بعد از خروج و اینست اسامی شهور فارسیه که مسمی بقدیمیه است فروردی
اردی بهشت خرداد و تیر مرداد شهریور مهر آبان آذر دی بهمن اسفندار و سال حقیقی نزد فرس
عبارتست از امتداد زمان مفارقت آفتاب از نقطه که در فلک البروج مفروض و مقرر است تا
هنگام عود کردن بهمان نقطه بحرکت خاصه که اورا از مغرب بمشرق معتبر است و این امتدادات
سیصد و شصت و پنج روز و پنج ساعت و پنجاه دقیقه دوازده ثانیه است وبدانکه نوروز فرس
در عرف اکثر ملل عبارتست از حلول شمس ببرج حمل چنانکه احمد بن فهد رحمه الله بیان فرموده و در این
باب با ابن طاوس موافقت نموده از انکه چون مبدء خلق عالم درین روز معلوم گردیده لهذا روز
بعید موسوم شده و مؤید این قول است که چون در عرف زبان باطلاق لفظ نوروز کنند از ان
تحویل حمل را اراده نمایند والله الموفق للصواب اعلم و الیه المبدئ والمآب

جدول وقایع شهور عربیه

این جدول متعلقست به بیان وقایع احوال در مدت سال و مقدم داشتیم ماه رمضان را از ماههای منقول
از برای انکه اوّل ماههاست نزد ال رسول چنانکه در احادیث و روایات مذکورست اکرچه بالتاریخ
محرّم اول شهور است

ماه رمضان المبارک

در سیم اینماه نزول صحیفهٔ ابرهیم و در ششم دولیت و یک هجری بیعت امام رضا علیه التحیه والتعظیم
و در همین روزست نزول توریه موسی بموسی و در همین سال دهم از بعثت وفات خدیجه کبری
و در همین سه روز قبل از خدیجه ابوطالب خود را بروضهٔ رضوان رسانید و جناب رسول صلعم
این سال را مسمّی بعام الحزن کردانید و در هفدهم غزای بدر مشهور و در هیجدهم نزول زبور
و در نوزدهم ضربت ابن ملجم لعین بحضرت امیرالمؤمنین رسیده و در همین شب وفد حاج ملکتوب
کردیده و در مسار الشیعه مذکورست که مواخاة سید بشر با امیرالمؤمنین حیدر و برادر شدن اصحاب
اصحاب بایکدیکر در دوازدهم بعمل امده و در نصف اول ماه نوروز در سنوات الهجرت تولد امام ثانی حسن بن
علی عالم را روشن نمود و در همین روز در صد و نود و پنج الهجری کل تولد محمد تقی از بوستان عصمت شکفته
و کلشن سرت مؤمنان طراوت پذیرفته و در بیستم سال هشتم از هجرت فتح مکه بظهور پیوست و حضرت امیرالمؤمنین
پای بر کتف سید المرسلین کذاشته بتان را در بام کعبه شکست و در بیست و یکم پیغمبران بمعراج شتافت و عیسی در اسمان
مکان یافت و یوشع جای در فردوس نمود و در دهم هجرت ابواب شهادت بر حضرت امیرالمؤمنین کشود و بیست و سیم
به لیلة الجهنی مشهور و بیست و چهارم نزول قران در بیت المعمور

ماه شوال

اول اینماه بعید فطر مشهور کردیده و عمرو عاص درین روز در سال چهل و یک بدرک اسفل رسید و در همین روز
وحی رسید بنحل که بر رؤس جبال خانه سازد و با خلق عسل پردازد و در پانزدهم غزای احد بظهور رسیده
و افتاب بحکم امیرالمؤمنین علیه السلم بعد از غروب بر کردیده و اواخر اینماه ایام نحسست که قوم عاد هلاک کردیده اند
و بعذاب و نکال الهی رسیده اند

ماه ذی قعدة الحرام

در اول این ماه خدای تعالی موسی را بسی روز موعود ساخته و در پنجم حضرت ابرهیم قواعد بیت الله الحرام
را بر افراخته و در بیست و سیم دولیت و سه از هجرت وفات حضرت امام رضا علیه السلم بعمل امده و در بیست
و پنجم دحو الارض است یعنی حق سبحانه و تعالی زمین را از تحت کعبه بسط فرموده و درین شب ابرهیم
خلیل الرحمن و عیسی متولد کردیده و در بیست و نهم کعبه اول رحمتهای الهیست بزمین رسیده
بعضی نزول کعبه را در بیست و پنجم روایت کرده اند

تتمهٔ جدول وقایع شهور عربیه

ماه ذی الحجة الحرام

تزویج حضرت امیر المؤمنین با سیدة نساء العالمین سال دوم هجرت درین ماه بعمل آمده و در سیم خدای تعالی
قبول توبه آدم فرمود و در همین روز نهم هجرت جبرئیل نازل شده ابوبکر را از بردن سوره توبه
معزول گردانید و حضرت امیر المؤمنین بحکم رب العالمین آن آیات را بمشرکین مکه رسانید و غلبه موسی بر ساحران
فرعون در هفتم بوقوع رسیده و در همین روز بترویه مسمی گردیده و درین روز مسلم عقیل ظهور نموده و مردم کوفه را
با امام حسین علیه السلام دعوت فرمود و در نهم که عرفه است مسدود کردن ابواب بیوت مهاجر و انصار از مسجد رسول الله
بغیر از در خانه ائمه الاطهار و بعضی نهم را روز معراج حضرت رسول و توبه آدم را نیز درین روز مقبول میدانند
و همین روز را روز ولادت ابرهیم و داود و عیسی میخوانند و روز دهم بعید اضحی مسمی است و سه روز بعد از آن
ایام تشریق و نزول منارت و روز یازدهم محاصره عثمان بغوغای طلحه و زبیر و سایر اهل انصار و روز هیجدهم
سی و چهار از هجرت مقتول شدن عثمان بسعی مهاجر و انصار و روز هیجدهم عید غدیر که روز خلافت امیر المؤمنین
و مواخاة آنحضرت با خاتم النبیین است و درین ماه موسی بطور شتافت و ابرهیم از آتش نجات یافت و وصیت
کرد موسی بیوشع بن نون و عیسی بشمعون و سلیمان آصف را خلیفه نمود و امیر المؤمنین با فاطمه زفاف فرمود
و در بیست و چهارم امیر المؤمنین بخاتم تصدق نمود و نیز با نصاری در بیست و پنجم مباهله فرمود و درین شبها
امیر المؤمنین بر یتیم و مسکین و اسیر تصدق داده و از اهل آتی ابواب مدح بر روی گرمش گشاده و در بیست و ششم
عمر را طعن رسیده و روانه جهنم گردیده

ماه محرم الحرام

روز اول اینماه در ملوک عرب بسیار معظم و پسندیده است و دعای زکریا باجابت رسیده و او درین روز در بهشت آرمیده
و در سیم یوسف از چاه خلاص گردیده و در پنجم اینماه موسی از بحر عبور نموده و در هفتم جهت مناجات بکوه طور فرمود و در نهم
یونس از شکم ماهی بیرون شتافته و موسی و یحیی و مریم تولد یافته و در دهم نفت و یک هجری حضرت امام حسین علیه السلام بشهادت
رسیده و در نوزدهم قبله بیت المقدس گردیده و در هیفدهم اینماه ابواب عذاب بر اصحاب فیل گشوده و در بیست و
پنجم نود و چهار هجری حضرت امام زین العابدین بروضه رضوان رحلت فرمود

ماه صفر المظفر

در اول اینماه سر حضرت امام حسین علیه السلام بدمشق رسیده و در همین روز بر بن عمار مقتول گردیده و در سیم
اینماه شصت و چهار هجری مسلم ابن عقبه آتش در بیت الحرام افروخته و ثیاب کعبه را از جهت گرفتن عبدالله
بن زبیر سوخته و در همین روز بقول در سال پنجاه و هفت هجری امام محمد باقر عالم را بنور تولد تشریف
منور گردانید و باعتقاد بعض کمل مطهر مولد موسی بن جعفر در هفتم از کلیّن عصمت و طهارت دمید و
بقول اخوند درین روز حضرت امام حسن در سال پنجاه هجری شهادت یافت و در رسالة الشیع
در بیست و هشتم بروضه رضوان شتافت و در بیستم این ماه حرم محترم حضرت امام حسین علیه السلام عدینه
رسیدند و در بیست و هشتم حضرت سید المرسلین از دار دنیا در فردوس رحمت الهی آرمیدند

تتمه جدول وقایع شهور عربیه

ماه ربیع الاول

در شب اول از این ماه جناب رسول صلی الله علیه و آله از مکه بمدینه هجرت فرمودند و امیر المومنین علیه السلم بفرش سید المرسلین تکیه نمود و درین روز مشرکان بجوانب غار رسیدند و بے نیل مقصود برگردیدند و در روز چهارم جناب رسول از غار برآمده توجه بمدینه فرمودند پس در روز دوازدهم در مدینه نزول نمودند و وفات امام حسن عسکری در دویست و شصت هجری روز هشتم مشهور و در مسار الشیعه در چهاردهم مذکور است و در روایتی هست که در روز نهم تصدق کند مغفور از جمیع بلیات دور میگردد و در همین روز عبد المطلب بریاض رضوان شتافته و در دهم تزویج سیده انام خدیجه کبرے تحقق یافته و در آن سال عمر شریف رسول بیست و پنج سال بعضے و عمر خدیجه از چهل سال تجاوز نموده و در چهاردهم شصت و چهار هجری یزید بن معاویه بهاویه شتافته و در هفدهم نور تولد سید انام از شرق وجود یافته و در مسار الشیعه روز دوازدهم صدور یافته و دوازده هجرت انقضاء دولت بنی امیه بعمل و ظلمت دولت بنی عباس عالم را سیاه نموده

ربیع الثانی

در چهارم این ماه در مسار الشیعه دهم در دویست و دو از هجرت تولد امام حسن عسکری علیه السلم بوقوع رسیده و در دهم این ماه و در مسار الشیعه در دوازدهم اول سال هجری وجوب نماز سفر و حضر نازل گردیده

ماه جمادی الاول

در نصف این ماه سی و شش هجری تولد امام زین العابدین و حرب جمل و نزول نصرت بحضرت امیر المومنین علیه السلم یعنی امام مشارق و مغارب علی بن ابی طالب

تتمه جدول وقایع شهور عربیه

ماه جمادی الثانی

روز اول اینماه نزول نوشته است بر سید المرسلین و در سیم وفات فاطمه سیده نساء العالمین
و در نصف این عبدالله بن زبیر کعبه را منهدم ساخت چون با مارت آن بلاد بر دست و فرمود
که از برای کعبه دو در نصب نمایند که از یکی در ایند و از دیگری بر ایند و چون عبدالملک مروان خلافت
یافت فرمود که در کعبه را بنحوی که سابق بود بگذارند و در سیم دهم هجرت وفات فاطمه سیده نساء العالمین
و در پانزدهم هفتاد و سه از هجرت مقتل عبدالله بن زبیر بعد از عمر هفتاد و سه سال از سنین و در بیست
دوم هجرت سید الانام متولد شده حضرت فاطمه علیها السلام و در بیست و هفتم خروج ابو بکر از دار دنیا بدار الحساب
و خلافت یافت بنص ابو بکر عمر بن الخطاب

ماه رجب المرجب

در اول اینماه نوح بکشتی نشست و در سیم وفات علی نقی الهادی در سال دویست و پنجاه و چهار هجری بظهور پیوست
و در پنجم بقول مشهور گل تولد حضرت هادی از گلشن عصمت شکفته و در دهم چنانچه لفوندی ذکر کرده
تولد حضرت جواد تحقق پذیرفته و در ما را شیعه پانزدهم رمضان است چنانچه مذکور شد و در سیزدهم
سال سی از عام الفیل مهر منیر ولادت امیر المؤمنین علیه السلام از مشرق بیت الله الحرام دوازده سال
قبل از بعثت سید انام طالع گردیده و در هنگام تولدش عمر رسول الله به بیست و هشت سال رسیده
و در نصفش از شعب بر امدن سید المرسلین و تزویج امیر المؤمنین با سیده نساء العالمین و دعای
ام داود از جهة حصول مرام و گردیدن قبله از بیت المقدس به بیت الحرام و در بیست و دویم رفتن
معاویه بهاویه و در بیست و پنجم در صد و هشتاد و هشت هجری رحلت حضرت کاظم علیه السلام بود و سی
دار السلام و در بیست و هفتم مبعث سید المرسلین از جانب رب العالمین

ماه شعبان المعظم

در دوم اینماه دوم سال هجرت صوم ماه رمضان واجب گردید و در سیم گل تولد امام حسین
علیه السلام از گلبن شهادت و عصمت دمید و در پانزدهم دویست و پنجاه و شش یا چهار از هجرت نور
تولد حضرت صاحب الزمان از مشرق الطاف الهی تافت و ظلمات عالم امکان از نور وجود
مقدسش کمال روشنی یافت

جدول ساعات

مراد از ساعات درین مقام اجزای مقسوم است از ایام نه ساعتی که مصطلح است در عرف اهل نجوم از حیثیت حرکات افلاک بقدر معلوم

ساعت اول

از طلوع فجر تا طلوع افتاب بحضرت امیر المؤمنین علیه السلم منسوبست و توسل با نحضرت درین وقت از جهة دفع ظالمین مرغوبست و دعای این ساعت سریع النجاح در مفتاح الفلاح مذکور است و صدقه دادن در اول روز اگرچه اندک باشد از مستحبات و موجب دفع افات است زیرا که حضرت صادق علیه السلم روایت نموده که حضرت سید انام فرموده که صدقه دهید در اول هر روز از ایام و رغبت کنید بتصدق مدام بدرستیکه بنیت مؤمنی که بسبب تصدق رغبت در ثواب الهی نماید مگر انکه خدا تعالی شر انچه از اسمان بزمین اید از و دفع نموده ابواب برکات بر روی او کشاید و از جمله اعمال ثواب روشن است بگلاب پس روایت شده از ائمه کرام علیهم السلم که هرکه مسح کند روی خود را باگلاب زرد او را اندوه فقر از هیچ باب پس باید که چون مسح نماید زبان بصلوات بگشاید و از برای عمامه پیچیدن و لباس پوشیدن و سایر ملبوسات دعوات در کتب دعا مذکور است

ساعت دوم

از طلوع افتاب تا ذهاب حمره بامام حسن علیه السلم منسوب و از برای حصول مقاصد و مرام توسل بان امام محبوب و این ساعت را نیز دعاییست مشهور و در کتب ادعیه مسطور است

ساعت سوم

از ذهاب حمره تا ارتفاع افتاب منسوبست بامام حسین علیه السلم و نیکوست درین ساعت توسل بان امام در حصول جمیع مطالب و مرام و ریاض این ساعت نیز از ازهار دعایی خرم و شگفته و بساطین کتب ادعیه از نسیم ذکران طراوت پذیرفته

تتمه جدول ساعات

ساعت چهارم	از بلند شدن آفتاب تا وقت پیشین منسوب است بجناب امام زین العابدین و توسل باید نمود درین ساعت بحضرت سید الساجدین در نجات یافتن از شر سلاطین و وسوسه شیاطین که امید است که بسبب توسل بآنجناب ایمن شود از جمیع بلیات در هر باب و عادات انسانی درین ساعت بخوردن و آشامیدن مجبور و دعوات متعلقه باکل و شرب در کتب ادعیه مسطور است
ساعت پنجم	از زوال آفتاب تا چهار رکعت از نماز نافله پیشین منسوب است بجناب باقر علوم اولین و آخرین و توسل جستن بآنحضرت در انجاح مطالب معاد و تحصیل هدایت و ارشاد مرغوب و دعای آن در کتب ادعیه مکتوب است
ساعت ششم	از گذشتن چهار رکعت است از نافله زوال تا هنگام نماز پیشین و اختصاص دارد بحضرت صادق امین و توسل بآنحضرت درین ساعت از جهة مقاصد اخروی مرغوب و دعای آن در کتب ادعیه مکتوب است

تتمه جدول ساعات

ساعت هفتم

از نماز پیشین تا گذشتن چهار رکعت از نافله پسین بحضرت موسی بن جعفر منسوبست و توسل جستن بانحضرت از برای طلب صحت و عافیت مرغوب است و دعای این ساعت نیز در کتب ادعیه مذکور و در قلوب ارباب صلاح مسطور است

ساعت هشتم

از مقدار گذشتن چهار رکعت است از نافله پسین تا داخل شدن نماز عصر ببقای بحضرت امام الجن والانس امام رضا علیه السلام منسوب و توسل جستن بانحضرت درین ساعت از برای طلب سلامتی در سفر صحرا و ایمن بودن در خطر رکوب دریا مرغوب است وگرا که شوق خواندن دعای این ساعت در خاطر فراید بمفتاح الفلاح و سایر کتب دعا رجوع نماید

ساعت نهم

از نماز عصر تا گذشتن دو ساعت بحضرت امام جواد تعلق دارد و داعی مخلص درین ساعت متوسل شدن بانحضرت را از جهت وسعت رزق مرغوب میشمارد و دعای این ساعت مشهور و در کتب ادعیه مسطور است

ساعت دهم

از گذشتن دو ساعت ~~بحضرت~~ از عصر تا اصفرار آفتاب منسوب بحضرت علی نقی صلوات الله الملک الوهاب و توسل جستن بانحضرت از برای بر آمدن حاجات و مطالب اخروی مرغوب و دعای آن در کتب ادعیه مکتوب است

تتمه جدول ساعات

ساعت یازدهم — بعض از زردی افتاب تا حین اصفرار که منسوبست بحضرت امام حسن عسکری علیه صلوات الله العلام الغفار و درین ساعت توسل بانحضرت در طلب قضای حاجات اخروی مرغوب و دعای ان در ادعیه مکتوبست

ساعت دوازدهم — از وقت اصفرار تا غروب افتاب بحضرت صاحب الزمان منسوبست و توسل بانحضرت از جهة ایمن بودن از مخاوف افات و شداید بلیات مرغوبست که اگر اب شمشیر شداید روزگار تا بگردن رسیده و کار از شدت خوف بهلاکت کشیده چون از ان حضرت استعانت کردی و روی اخلاص بان جناب اوردی ان حضرت اعانت تو نماید و ابواب ظفر بر روی تو کشاید و دعای این نعمت مشهورست و در کتب ادعیه مسطورست

جدول وقوع نوروز در هریک از ایام و بیان وقایع و احکام ان

اگر جناب اخوندی این جدول را ذکر ننموده اما جمعی از اعاظم درین باب ادعای حدیث نموده

یکشنبه — نوروز اگر درین روز ظهور نماید ارزانی بهم رسیده بر حبوب وگیاه افزاید و در کوهستان مخاصمت پدید اید و دران زمین انواع جدال و نزاع کشاید

دوشنبه — درین سال نعمت بفراخی گذرد وضعیف از قوی زحمت بسیار کشد و پادشاه را از وجهی مفرتها پدید آید اما رعایا را مشقت روی ننماید

سه‌شنبه — درین سال سرما سخت بعضی باران بسیار بارد و رعیت احتراز را از پادشاه لازم شمارد و در اخر سال میان مردم بخلاف گراید و ابواب بیماری بر مردم کشاید

چهارشنبه — این سال را حق تعالی مبارک گرداند و باران بسیار بزارع رساند و روزی را بر مردمان وسیع نماید اما پادشاه را تشویش در احوال افزاید و انچه واقع شود بزودی زوال پذیرد و علامات عدل در عالم صورت گیرد

پنجشنبه — درین سال نعمت بارزانی و میوه بفراوانی میل نماید اما ابواب ضعف بر طالع پادشاه کشاید

جمعه — درین سال سرما سخت بعضی باران بسیار اید و در میان پادشاهان ابواب مخالفت کشاید اما رعیت ایمن مانند و کسی بایشان ضرری نرساند

شنبه — درین سال میوه بسیار بظهور اید و در میان مردمان ابواب خصومت کشاید

تتمه جدول ایام فارسیه

روز اول هر ماه

در حدیثی که وارد شده است از معادن وحی والهام در باب حوایج و مطالب هر روزی از ایام نسبت بماههای فارسیه و شهور فارسیه صادق علیه السلم فرمود که درین روز ادم مخلوق گردیده واز مطموره عدم بمعموره وجود رسیده روزی است که مبارک و محمود از برای طلب مقصود نیکوست دخول بر پادشاه وطلب علم از هر راه و تزویج کردن و شروع نمودن و ابواب بیع و شرے کشودن و فرا گرفتن چهارپایان یعنی از جهة سواری و بیع و شرا و امثال ان گریخته درین روز با وسعت رزق و نشاط و برکت گردد

روز دویم ماه

درین روز افرید خالق نام حوّا را از ادم علیه السلم نیکوست از برای تزویج و بنای خانه کردن و نوشتن عهدنامها و روی بسفر اوردن و طلب حاجات نمودن و اختیار امور فرمودن بیمار در اول روز سبک گذراند و در اخر این روز بگرانی کشاند و فرزندی که درین روز بوجود اید نهال تربیتش بزودی نشو و نما نماید و در روایتی وارد است که در دویم ماه باید ترسید از محل بادشاه

روز سیوم ماه

روز نحس مستمر است که درین روز لباس عافیت نعیم از تن ادم و حوا بیرون کردند و ایشان را از بهشت براوردند پس درین روز مشغول بکارهای خانه باید بود و تا بحد ضرورت نرسد از خانه اراده خروج نباید نمود و از ملاقات سلاطین درین روز پرهیز باید کرد و روی توجه به بیع و شرا و معاملات و مشارکات نباید اورد هر که درین روز گریزد زود بدست آید و بیمار را درین روز مشقت و آزار افزاید و مولودی که درین روز بوجود اید ابواب رزق جمیل و عمر طویل بر روی او کشاید

روز چهارم ماه

روزیست محمود از برای تزویج کردن و روی ارادت بشکار اوردن و بنای عمارت فرمودن و تزویج و نکاح نمودن و گرفتن چهارپایان درین روز برکت افزاید و سفر کردن درین روز مکروه نماید پس هر که درین روز بعزم سفر از خانه براید خود را بقتل و صلب و سایر بلیات گرفتار نماید و ولادت هابیل درین روز اتفاق افتاده و قدم بمحفل وجود نهاده پس غنچه وجود مولودی که درین روز شگفته گردد ما دامی که زندگانی کند گلشن عمرش از بهار صلاح و برکت طراوت پذیرد و اگر کسی درین روز گریزد مشکل بدست اید و پناه برد بکسی که او را از رجوع منع نماید

تتمه جدول ایام شهور فارسیه

روز پنجم ماه

روزیست در دست مستقر و در نحوست مستمر قابیل در این روز علم ولادت افراخته و درین روز هابیل
برادر خود را مقتول ساخته و ابلیس ملعون درین روز فریاد واویلاه بر آورده و آن شقی اول کس است
که در روی زمین گریه کرده متوجه مباش درین روز بهیچ امری از امور و بیرون میا از خانه مگر
از برای امر ضرور و هر که درین روز قسم دروغ خورد زود جزا یابد و مولود درین روز بجانب صلاح
حال شتابد

روز ششم ماه

روزیست نیکو از برای حاجات بر آوردن و ترویج عروس و شکار کردن و هر که درین روز بجانب
دریا یا صحرا مسافرت کند بصحت و عافیت مراجعت کرده منفعت بسیار ببیند و نیکوست درین روز
فرا گرفتن چهارپایان و سایر معاملات با یاران هر که درین روز فرار نماید زود بمراجعت گراید
و هر که درین روز آزاری از بیماری یابد زود بمنزل صحت شتابد و نهال وجود مولود ثمره قابلیت
بار آورد و از جمیع بلیات محفوظ ماند و از زندگانی برخورد

روز هفتم ماه

روزیست که جمله کارها را شاید و ابواب حصول مراد درین روز گشاید و هر که درین روز کتابت شروع
کند زود باتمام رساند و بمبارکی و سعادت رسد هر که عمارتی بنا کند یا درختی نشاند و مولود
درین روز بقابلیت تربیت موصوف و بوسعت روزی معروف گردد

روز هشتم ماه

روزیست کثیر البرکات از برای هر حاجتی از حاجات از بیع و شرا و غیر آن از کارها هر که درین روز
بسوی پادشاه رود حاجتش بزودی روا شود و مکروهست درین روز سفر دریا کردن یا روی بجانب
صحرا آوردن و مذموم است درین روز طریق حرب پیمودن و با کسی محاربه نمودن مولود درین
روز میمون و بصلاح حال مقرون گردد و گر بچه درین روز بازنگردد مگر با زاری و کم شده بدست نیاید
مگر بتعب بسیار و هر که درین روز بیمار شود بروی منفعت بسیار رود

تتمه جدول ایام شهور فارسیه

روز نهم ماه

روزیست نیک از برای طلب حاجات و مصالح از برای هر چه خواهی از مهمات بیش تر دفع کن و درین روز از برای تخم زراعت افگندن و قرض کردن و درخت نشاندن و هر که درین روز بسفر رود او را رزق و مال و صلاح حال روزی شود و هر که درین روز گریزد نجات یابد و حال بیمار درین روز نیکی نشناید و هر چه درین روز گم شود بدست آید و خدای تعالی مولود را درین روز صاحب توفیق صلاح و قرین نور و فلاح نماید

روز دهم ماه

روزیست کثیر الفتوح و روز تولد نوح بن مالک تولد مولود درین روز میوه طول عمر و وسعت رزق با اولاد و مسافر سفر دریا و صحرا را درین روز محمود شمارد و بیع و شری درین روز مبارک نماید و گریخته درین روز بدست آمده بحبس و زندان گراید و چون کسی درین روز بمرضی گرفتار آید باید که وصیت نماید و در روایتی هست که صالح است این روز از برای هر چه خواهی مگر دخول در معاملات با دشمن و هر که درین روز از بلاد فرار نماید زود بدست آید و هر که را مرضی دریابد زود صحت نشناید

روز یازدهم ماه

ابواب فتوحات درین روز گشاده و ولادت شیث نبی درین روز اتفاق افتاده نیکوست از برای تزویج در کارها و بیع و شری و سفر دریا و صحرا درین روز دخول بر سلاطین اجتناب باید نمود و هر که درین روز گریزد در هنگام مراجعت مطیع خواهد بود و بیمار درین روز صحت نشناید و هر که درین روز چیزی گم کند زود یابد و مولود درین روز زندگانی کند چنانکه شاید اما نخواهد مرد تا بفقر گرفتار شود یا از سلطان فرار نماید

روز دوازدهم ماه

روزیست نیکو از برای تزویج زنان و دایر ساختن آسیا و رکوب دریا و از وساطت در میان مردمان و اجتناب باید نمود بعضی در معاملات و سایر مهمات واسطه نباید بود بیمار درین روز مقرون صحت و مولود درین روز موصوف بصلاح تربیت یابد و در حدیثی وارد است که روزیست مبارک از برای انجاح مهمات پس طلب کنید درین روز اتمام حاجات و بشتابید در حصول مراد که روا خواهد شد بصلاح و سداد

تتمه جدول ایام شهور فارسیه

روز سیزدهم ماه

روزیست نحس که درین روز منازعه با کسی نباید کرد و از ملاقات سلطان و سایر امور محترز باید بود
و درین روز روغن بسیار بباید مالید و سر بباید تراشید و هر که درین روز بگریزد گرفتار شود و بیمار
درین روز مشقت بسیار رود و مرویست که مولود درین روز زنده نماند و از حیاة بهره نتواند

روز چهاردهم ماه

روزیست نیکو از برای همه کار و مولود درین روز بدکار و ستمکار شود و این روز محمود است از برای
طلب علم و هنر و از جهة بیع و شری و سفر و از برای قرض گرفتن و دادن و روی توجه بر کوب بجر نهادن
و گریخته را درین روز زود گیرند و بیماران درین روز زود صحت پذیرند و در روایتی وارد است
که مولود درین روز از طول عمر بهره یابد و مدت عمر بطلب علم و هنر صرف کند و در آخر عمر بعلم و فضل
معروف و بکثرت مال و ثروت موصوف گردد

روز پانزدهم ماه

روزیست محمود از برای جمیع امور کردن مگر قرض گرفتن و وام دادن و بیمار را درین روز
صحت افزاید و گریخته درین روز زود بدست آید مولودی که درین روز تولد خواهد کرد الثغ یا اخرس
خواهد بود مراد از الثغ کسیست که را را بلام و الف را بعین و شین را بسین ادا نماید و اخرس
آنکه زبان را اصلاح بگفتگو نگشاید

روز شانزدهم ماه

روزیست مذموم از برای مهمات و صلاحیت ندارد از برای هیچ حاجتی از حاجات مگر از برای
بنای عمارت کردن و روی طلب بر بنا و اساس آوردن و سفر کردن درین روز ابواب هلاک بر
مسافر گشاید و گریخته درین روز زود رجوع نماید و در ریاض مزاج بیمار گل صحت شکفته گردد
و مولود درین روز خفته گرده وجود پذیرد اگرچه غنچه وجود مولود پیش از زوال گشاید احوالش
بصلاح و قابلیت میل نماید

ایام	تتمه جدول ایام شهور فارسیه
روز هفدهم ماه	روزی است درمیانه سعادت و نحوست احتراز باید کرد درین روز از منازعت و اجتناب باید نمود از پای طلب بمعاملات نهادن خصوصا وام خواستن و قرض دادن زیرا که هر که درین روز قرض کرد دامنش هرگز ادا نه پذیرد و مولود درین روز نجس مال موصوف و بصلاح حال معروف گردد و روایتیست که روزی است مختار پس طلب کنید دران روز هرچه خواهید از هر کار بتزویج و بیع و شرا رغبت نمایید و بزراعت و عمارت توجه فرمایید و درین روز بر پیش سلاطین روید و متوجه قضای حاجات شوید که موجب قضای حاجات و حصول مهمات است و در روایتیست که روزیست سنگین پس مجو دران حاجتی از حاجات دنیا و دین
روز هیجدهم ماه	روزیست صالح از برای هر یک از کارهای معتبر چون بیع و شرا و زراعت و سفر و هر که مخاصمت کند با دشمن ظفر یابد و هر که قرض دهد زود بادای آن نشتابد و مریض درین روز بصحت مقرون و مولود باصلاح حال و میمون گردد
روز نوزدهم ماه	روزیست سعادت مانند که مشکل شده است دران روز البته نیکوست از برای سفر و معاشرت اصحاب با یکدیگر درین روز طلب مقاصد باید کرد و روی بتعلم علوم آورد و مبارکست خرید چهارپایان و نیکوست بیع بندگان و هر که بگریزد درین روز یا گم شود بعد از پانزده روز بدست آید و چهره احوال مولود درین روز بنور صلاح و توفیق خیرات کشاید
روز بیستم ماه	روزیست متوسط درمیان سعادت و نحوست و نیکوست از برای سفر و قضای حوایج و بنای عمارت و کشتن درخت انگور و نزد سلاطین رفتن از برای انجاح امور و بیع و شرا درین روز مسعود و خریدن چهارپایان محمود است و هر که درین روز گم شود امرش نهان ماند و بیمار را درین روز امرش بشدت رساند و مولود درین روز بصعوبت ماند و صبوحی را بسختی گذراند

تتمه جدول ایام شهور فارسیه

ایام

روز بیست و یکم ماه

روزیست در نهایت نحوست و کمال دنیت پس طلب مکنید درین روز هیچ حاجتی از حاجات و بترسید از دخول پادشاهان در تحصیل مهمات و مسافر را درین روز در خوف و خطر افزاید و بر روی مولود درین روز ابواب فقر گشاید و درین روز نشاید هیچ امری از برای هیچکس مگر از برای ریختن خون و بس

روز بیست و دوم

روزیست نیکو از برای طلب حاجات و بیع و شری و دخول بر پادشاهان در تحصیل مهمات و صدقه درین روز بر حاجات قبول شتابد و بیمار درین روز شفا یابد و مسافر درین روز طریق نجات بپیماید و بعافیت باهل خود رجوع نماید

روز بیست و سیم ماه

روز ولادت یوسف علیه السلام است و مبارکست از برای قضای حاجات و حصول مرام و تجارت و سفر درین روز مسعود و نزد سلاطین رفتن درین روز محمود است و مسافر درین روز بمنزل منفعت و برکت شتابد و مولود درین روز حسن تربیت یابد

روز بیست و چهارم ماه

روز نحسیست نامسعود که روز تولد فرعون مردود است پس طلب مکن در روز مذکور هیچ امری را از امور و کسی که متولد شود درین روز زندگانی بتلخی گذراند و از اعمال خیرات و توفیق مبرات بی بهره ماند و در روایتی وارد است که هر که مولود شود درین روز چون بیمار شود منفعت نیابد بر رود و در اخر عمر کشته گردد یا غرق شود و بیمار را درین روز آزار بسیار رسد و مرضش بطول کشد

تتمه جدول ایام شهور فارسیه

بیست و چهارم ماه

روزیست نحس و مردود پس نگاهدارید نفس خود را در طلب مقصود و طلب مکن درین روز
هیچ حاجتی را از حاجات زیرا که عذاب کرده درین روز فرعون و اهل مصر را به نزول
آیات و بیمار درین روز مشقت بسیار یابد و در روایتی زود بمنزل صحت شتابد و مولود
درین روز مبارک و وسیع روزی و برگزیده ماند و علت شدیدی باو رسد و خدا تعالی او را
برهاند

بیست و پنجم ماه

روزیست مبارک از برای سفر و هر امری که اراده انسان بآن تعلق گیرد مگر تزویج و مناکحت
که درین روز میمنت نپذیرد پس اگر کسی درین روز بامر تزویج پردازد تا نشاید که در میان
ایشان طرح مفارقت اندازد زیرا که خدا تعالی دریا را شکافت و موسی از فرعون نجات یافت
چون کسی درین روز از سفر باز آید که با ملوک ملاقات نماید و بیمار درین روز مشقت بسیار
کشد و مولود درین روز بعمر طویل رسد

بیست و ششم ماه

روزیست مسعود و از برای امور خیر محمود مولود درین روز موصوف بحسن و جمال و معروف
بطول عمر و کمال گردد و نزدیک بقلوب و نزد مردمان محبوب شود و در روایت دیگر
روزیست مبارک از برای سفر

بیست و هفتم ماه

این روز روز ولادت یعقوب و طلب حوایج درین روز مرغوب است پس فرزندی که
درین روز مولود شود محزون و برنج و باتبلای غموم و احزان مقرون خواهد شد

تتمه جدول ایام شهور فارسیه

روز بیست و نهم ماه

روزیست بجا دیق تحصیل امور معروف و مولود درین روز بصفات خلق و کمال موصوفست
هر که درین روز بفروشد بهر مال و ثروت بسیار یابد و هر که درین روز مرضی گیرد بزودی بزنش
شفا پذیرد و از سرعت عافیت محتاج بتمهید وصیت نخواهد شد و در روایتی وارد شده است
که روزیست مبارک از برای تحصیل هر مدعا خصوصًا از برای مکارم
خصال و غیر این از اقوال و افعال

روز سی ام ماه

روزیست مسعود از برای بیع و شرا و محمود از برای مناکحت نا مولودی که درین روز بوجود اید میل
بر بردباری و نیکوکاری نماید اما تربیتش بسیار مشکل و سوء خلق در وی حاصل خواهد شد و کل
رزقش در گلشن وجود شکفته گیرد و باز از خزان منع مانعی پژمرده نپذیرد و در روایتی وارد است
که مولود درین روز مرتبه اش بلند و شانش ارجمند خواهد شد و زبانش
براستی موصوف و دلش بوفا معروف شود هر که درین روز
کم شود او را اورند بسیار اند و هر که درین روز
قرض کند زود ادا شود

این جدول موضوع است از برای آنکه در هر ماه از ماههای عربی چه دو روز است که بهیچ امری از امورات نباید ضرورت کرد دران روز شروع بکاری ننماید

روایت شده است از امام همام امیر المؤمنین علیه السلام که در سال سی و چهار روز است که بایام نحسات موسوم و طلب حوایج دران مذموم است تمام نکند هرکه دران روزها بکاری نشست برو زند کانه نکند هرکه درین روزها مولد یابد و ظفر نیابد هرکه درین روزها توسن جهاد داند و میوهٔ مراد نچیند هرکه درین روز درخت نشاند و در هر ماهی دو روز است

در محرم		یازدهم	وچهاردهم
ودر صفر		اوّل	وبیستم
ودر ربیع الاوّل		دهم	وبیستم
ودر ربیع الثانی		اوّل	ویازدهم
ودر جمادی الاوّل		دهم	ویازدهم
ودر جمادی الثانی		اوّل	ویازدهم
ودر رجب		یازدهم	وسیزدهم
ودر شعبان		چهارم	وبیستم
ودر رمضان		سیوم	وبیستم
ودر شوال		ششم	وهشتم
ودر ذی القعده		ششم	ودهم
ودر ذی حجه		هشتم	وبیستم

این جدول در بیان آنکه در هر ماه از ماههای عربی یک روز است که کار نیک را نشاید و در این روز با ارتکاب
امور غیر از نحوست امری نیفزاید

روایت از امام همام صادق علیه السلام که در سال دوازده روز است که هر که از طلب حوایج غیر ضروری
اجتناب کند نجات یابد و هر که مرتکب امری شود هلاکت بیابد
و این روزها در هر ماهی یک روز است

در محرّم الحرام	بیست و دویم
در صفر المظفّر	دهم
در ربیع الاوّل	چهارم
در ربیع الثانی	بیست و هشتم
در جمادی الاوّل	بیست و هشتم
در جمادی الثانی	دوازدهم
در رجب المکرّم	دوازدهم
در شعبان المعظم	بیست و ششم
در رمضان المبارک	بیست و چهارم
و در شوال المعظم	دویم
و در ذی قعدة الحرام	بیست و هشتم
و در ذی الحجة الحرام	هشتم

این جدول در بیان روزی چند نسبت از ماههای فارسی که از برای هیچ امری مسعود و از جهة هیچ کاری
محمود نیست و محقق طوسی قدس سره اینمعنی را ادا کرده و مضمون قول
صادق علیه السلام بنظم آورده

بیست و پنجم	بیست و چهارم	بیست و یکم	شانزدهم	سیزدهم	پنجم	سیوم

این جدول در بیان روزی چند است که از ماههای فارسی که صلاحیت ندارد الا در امری خاص و محمود نیست مگر از برای کاری
علی الاختصاص و محقق طوسی طاب ثراه اینمعنی را از کلام صادق علیه السلام استنباط فرموده و در صورت نظم ادا نموده

چهارم و هشتم	پانزدهم	چهارم و هشتم و پانزدهم	دوازدهم
از برای سفر کردن	از برای یاری و خدمت سلطان امدادت	از برای گریختن	از برای خاصم و منازعه انگیختن

بقیه تواریخ ملوک وسلاطین وغیرهم

جلوس سلطان احمد نود و پنج جلوس پادشاه عادل
کی توغان هشتاد و پنج دخول جوامیان عتاب
ببیواس و هلاکت ایشان هشتاد و چهار جلوس پادشاه
عادل غازان و سلطان ملک ناصر ۸
دخول غازان بشام و فتح دمشق هفتاد و هفت
وفات غازان و جلوس پادشاه عادل

اولجایتو محمد خان هفتاد و سه وفات مولانا
قطب الدین

شیراز در هفتصد و ده جلوس سلطان ابو سعید
در اوایل محرم در هفتصد و هیفده آمدن امیر جوز
بروم دفعه اول و محاصره کردن نوشنه در اربع عشر
وسبعمائه واقعه امیر یحیی و موحد در هفتصد و سیزده

آمدن امیر چوپان دفعه دوم بروم و بعون تمورتاش
را و واقعه خواجه علیشاه وزیر در هفتصد و چهارده
شهید شدن دستخواجه در سلطانیه در سال هفتصد و
بیست و هفت

عزم امیر تیمورتاش بشام و آمدن امیرزاده محمود
بروم
و واقعه امیر چوپان در هراة سنه ثمان و عشرین و سبعمائه
آمدن شیخ حسن تمورتاش بروم سنه احدی عشر
وثلثین سبعمائه آمدن شیخ حسن بزرگ

بروم سنه اربع وثلثین وسبعمائه

آمدن مرحوم عادل ارتنا بروم و ابتدای دولتش
سنه خمس وثلثین وسبعمائه
وفات سلطان ابو سعید در سیزدهم

ربیع الاخر سنه ست وثلثین وسبعمائه

فتح سیواس بدست ازبیا در اواخر سال سنه سبع و
ثلاثین وسبعمائه وبا وطاعون و مرگ عام
در سال هفتصد و چهل و هشت وفات مرحوم ارتنا
و جلوس پسر شی امیر محمد در ماه رجب و ولادت
شهزاده علی بیک در دوم ذی الحجه سنه ثلاث
وخمسین وسبعمائه و جلوس امیر

امیر جعفر بامارت باتفاق ارکان دولت امیر سنه خمس
~~در ادینه مسجد و انهزام~~ خمسین وسبعمائه

وقوع جنگ میان خواجه علی و امیر محمد باتفاق امیر سید
در ادینه مسجد و انهزام ایشان
و قتل امراء در هیفدهم ذی الحجه القعده سنه ست و خمسین
وسبعمائه و قتل خواجه علی در حوالی قلعه زمند و

وفات امیر سید در مصر و استقبال دولت امیر محمد
در بیستم جمادی الاخر
سنه تسع و خمسین وسبعمائه کوف تمام

و واقعه سلطان حسن در مصر سنه اثنی وستین و سبعمائه
وفات بیرروز خان
در سنه ثلاث وسبعین وسبعمائه و وبا و طاعون و مرگ عام
در شهور سنه اربع وستین وسبعمائه

اتفاق مغول بامارت بالون و اواخر محرم و جنگ
در قیصریه و واقعه خوشقدم و غارت
کردن مغل قیصریه را هشتم جمادی الاخر سنه ست
وستین وسبعمائه واقعه مرحوم امیر

محمد در سیواس و جلوس سلطان علاء الدین و وقوع
قران سراسر در بیست و ششم محروم و غارت
از اوج و مغل و غارت و ایش اهل اسکندریه
افرنگ و هوا طیعوز لو بر زلزله و حنف در هفتصد
و هشتصد وفات المغفور الشهید محمد بن علی بن محمد رازی
طاب ثراه ٤ شهور ذی القعده ۷۹۱

جدول تواریخ انبیا علیهم السلم در سنه ست وسبعین وسبعمائه ۷۷

هبوط ادم ع ۳ هزار و ششصد و هشتاد و هشت	ولادت یوسف ع ۳ هزار و چهارصد و شصت و یک
خلافت ادم ع ۳ ششهزار و هفتاد و هفت	ولادت موسی ع ۳ دو هزار و دویست و هشتاد و هشت
وفات ادم ع ۳ ششهزار و هفتصد و سی و هشت	بنیاد بیت المقدس بشام دو هزار و شصت و نه
بنیاد کعبه معظم حرمها الله تعالی ششهزار و ششصد و چهل و هفت	ولادت سلیمان ع ۳ دو هزار و صد و شصت و هشت
شیث بن ادم پنجهزار و نهصد و هفتاد و هشت	ارسطاطالیس حکیم یونان یکهزار و ششصد و نود و شش
نقل ادریس ع ۳ بفردوس اعلی پنجهزار و پانصد و هشتاد	بنیاد سد اسکندر بجانب یاجوج و ماجوج یکهزار و پانصد و هفتاد و هفت
نزول علم نجوم با دریس ع ۳ پنجهزار و پانصد و هشتاد	طوفان آتش بشهر بلیوس بروزگار یونس ع ۳ یکهزار و چهارصد و شصت و دو
ولادت نوح ع چهار هزار و نهصد و یازده	مبعث زکریا ع چهارصد و چهل و شش
طوفان اب زمان نوح ع چهار هزار و چهارصد و هشتاد	ولادت داود علیه السلم دو هزار و دویست و هشتاد و هشت
طوفان باد بروزگار هود و هلاک قوم عاد چهار هزار و چهارصد و شانزده	مقتل یحیی علیه السلم چهارصد و چهل و یک
هلاک قوم لوط ع بر تخت زمان سه هزار و هفتصد و دوازده	ولادت عیسی علیه السلم یکهزار و چهارصد و یک
ولادت ابراهیم علیه السلم سه هزار و هفتصد و دوازده	رفع عیسی علیه السلم بر اسمان یکهزار و چهارصد و یک
ولادت اسمعیل علیه السلم هزار و ششصد و هفتاد و دو	رصد بطلمیوس حکیم یکهزار و دویست و پنجاه و دو
ولادت اسحق علیه السلم هزار و سیصد و بیست و دو	ظهور اصحاب الکهف و فتنه در شام نهصد و هفت و امدن اصحاب الفیل هشتصد و پنجاه و یک
ولادت یعقوب علیه السلم هزار و سیصد و سی و چهار	پادشاهی کسری معروف بنوشیروان عادل هشتصد و چهل و [illegible]